

مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلق ما

# کاد

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران  
(اکثریت)

شماره ۱۲۰ ۲۴ صفحه - ۳۰ ریال

سال سوم - چهارشنبه ۷ مرداد ۱۳۶۰

## روز جمعه ۲ مرداد هر رای یک شعار **مرگ بر امریکا** بود

• آرا: میلیونی توده‌های مردم توطئه‌های "جبهه متحد ضد انقلاب را" که با ترور و بمب‌گذاری و تبلیغات مسموم به میدان آمده بود خنثی کرد.

• در پای صندوق‌ها مردم تنها رای نمی‌دادند، بلکه از آینده انقلاب، از تداوم مبارزه علیه آمریکا و ضرورت وحدت و همبستگی سخن می‌گفتند.

در صفحه ۵

### ردیابی تاکتیک امپریالیسم تجارب برخورد با دولت میان‌رو

• نقطه ضعف تمام گروه‌های چپ رو آنست که در تحلیل موقعیت و سپس در عمل، امپریالیسم را از یاد می‌برند و به همین دلیل علیرغم داد و بیدادهای گوش خراشان چه بسا که تا مغز استخوان در عمل مجری خواست‌ها، سیاست‌ها و اهداف امپریالیسم و منافع بورژوازی گردند.  
رهبران مجاهدین خلق، سمبل تمام عیار جریان‌هایی هستند که ابتدا امپریالیسم و جنایاتش را به فراموشی سپرده و در پایان کار، امروزه یک‌سره کارشان به هم‌سوئی و هم‌دستی با امپریالیسم گشیده شد.  
رهبرانی که امروز طبق النعل بالنعل نقشه‌های امپریالیسم و عوامل آن را در ایران پیاده می‌کنند.

مصوبه آوریل - مه ۱۹۸۱

اعلامیه مشترک

### احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عرب

در صفحه ۱۱

### هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد

### مشتی که برپوزه امپریالیسم و صهیونیسم

### فرودمی آید قوی تر است

با شرکت در راهپیمایی روز قدس (جمعه ۹ مرداد) پیوند خلق‌های ایران و فلسطین را علیه امپریالیسم و صهیونیسم هرچه بنسیر

نحکم بخیم

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### سیاست خارجی ترقیخواهانه جمهوری اسلامی را تحکیم وامپریالیسم امریکا را تضعیف می‌کند

• برای امپریالیسم، مهم‌ترین کانون، آنجا که به قول معروف شاه‌رگ حیاتی غرب از آن می‌گذرد امروز خلیج فارس است و مهم‌ترین تهدید برای شاه‌رگ حیاتی غرب انقلاب ایران است

امپریالیسم آمریکا تمامی تلاش خود را برای حفظ سلطه خود در خلیج فارس اعزام هرچه بیشتر نیرو در این منطقه و تدارک برای سرکوب جنبش آزادی‌بخش ایران و به عنوان نخستین اقدام، اشغال خوزستان، متمرکز کرده است.  
امپریالیسم آمریکا خوزستان را منطقه‌ای بسیار حساس و استراتژیک برای منافع آمریکا می‌داند و از همین رو قبل از هر چیز در جهت یافتن بهانه برای ورود به این نقطه نفت خیز سرزمین ما است.

در صفحه ۱۵

### حذف نامزدهای سازمان ما و حزب توده ایران نقض اصل تعیین سرنوشت مردم بدست خود است.

• اگر به موجب اصل شصت و هفتم قانون اساسی قرار بر این است که بخشی از مردم از حق انتخاب نمایندگان مورد قبول خویش محروم گردند این اصل شصت و هفتم قانون اساسی است که می‌باید اصلاح شود.

در صفحه ۲۰

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

# ردیابی تاکتیک امپریالیسم

## تجارب برخورد با دولت میانهر و

اکنون با متواری شدن ابوالحسن بنی‌صدر و انتخاب آقای رجایی به ریاست جمهوری نقشه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا برای روی کار آوردن "دولت میانهر" با شکستی مفتضحانه مواجه شده است. امپریالیسم، لاف‌در این مرحله، دیگر قادر نیست از طریق نفوذ دادن عناصر خود، بطور مستقیم و بلاواسطه قدرت سیاسی را به دست "دولت میانهر" سپارد. امپریالیسم آمریکا که با شکست اهداف اساسی جنگ تحمیلی رژیم صدام، که مشخصاً به همت مقاومت دلیرانه خلقمان و فدائیکاری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حاصل شد از نوبه فکر روی کار آوردن "دولت میانهر" افتاده بود، اینک با سقوط بنی‌صدر نقشه‌اش با شکست مواجه شده است. امپریالیسم همانگونه که مشاهده می‌کنیم با هر شکستی ردیالانه تر و ددمشانه‌تر و در عین حال نه از موضعی نیرومندتر علیه انقلاب ایران توطئه می‌چیند. اکنون زمان آن است که بر پایه تجاربی که از پیکار اخیر بدست آورده‌ایم از نو موشکافانه تاکتیک‌ها، طرح‌ها، نقشه‌ها و امکانات امپریالیسم را دقیقاً ارزیابی کنیم. این کار برای پیروزی ما در پیکار علیه امپریالیسم اهمیتی حیاتی دارد.

امپریالیسم، دشمن اصلی و درنده‌ترین خصم همه مردم جهان است. سوی مشترک مبارزه کارگران و زحمتکشان و همه خلقهای تحت ستم جهان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا است. خلقهای ما نیز در این مبارزه سهیمند. و نه تنها سهیمند، بلکه در لحظه حاضر در این پیکار سهمی کاملاً چشمگیر بر عهده گرفته‌اند. میهن ما در پیکار علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا سالفهایی توفانی، و بهتر بگوئیم، توفانی‌ترین سالفه‌های حیات تاریخی خود را پست سر می‌نهد. این واقعیت برای توده‌های مردم ما هر روز آشکارتر می‌شود که امپریالیسم ددمنش هرگز از دشمنی با استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی ما دست نخواهد کشید. توده‌های مردم زحمتکش ما هر روز بیشتر متوجه می‌شوند که امپریالیسم دشمن سوگندخورده استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی ماست.

## آگاهی از تاکتیک امپریالیسم شرط ضرور اتخاذ تاکتیک درست است

مبارز انقلابی، یک انقلابی واقعی کسی است که هرگز امپریالیسم را فراموش نکند. او را عمیقاً شناسد و دشمن بدارد و برای از پای درآوردن آن لحظه‌ای از پای ننشیند و همواره بکوشد که از بهترین و درست‌ترین راه ممکن مبارزه علیه امپریالیسم را به پیش برد.

امپریالیسم دشمن اصلی خلق است. لذا هر نیروی خلقی باید در تعیین خط مشی و تاکتیک انقلابی علیه امپریالیسم ضرورتاً تاکتیک امپریالیسم را بسازد و امکانات، طرح‌ها و نقشه‌های آن را یک به یک به حساب آورد. بدون داشتن یک جسم‌اندر عمومی از اوضاع جهان بدون داشتن یک تحلیل جامع از نقشه‌ها و سیاست‌های امپریالیسم در منطقه منج تحلیل از اوضاع کشور و هیچگونه پیش‌بینی پیرامون روندهای آتی با واقعیت منطبق نخواهد بود. اتخاذ سیاست اصولی تنها زمانی امکان‌پذیر است که بدانیم و بشناسیم امپریالیسم در این لحظه چه می‌کند و چه می‌خواهد؟

نقطه ضعف تمام گروه‌های چپ‌رو آن است که در تحلیل موقعیت و سپس در عمل، امپریالیسم را از یاد می‌برند و به همین دلیل علیرغم داد و بیدادهای گوش‌خراشان چه بسا که تا مغز استخوان در عمل مجری خواست‌ها، سیاست‌ها و اهداف امپریالیسم و منافع بورژوازی گردند. رهبران مجاهدین خلق، که امروز دیگر کارشان از چپ‌روی به چپ‌نمایی کشیده شده است، سمبل تمام

عیار جریانی هستند که ابتدا امپریالیسم و جنایاتش را به فراموشی سپرد و در پایان کار امروز یکسره کارشان به همسویی و همدستی با امپریالیسم کشیده شد. رهبرانی که امروز طابق‌النعل بالنعل نقشه‌های امپریالیسم و عوامل آن را در ایران پیاده می‌کنند و البته متأسفانه تجربه سیاسی و سابقه مبارزاتی نیروهای که این رهبران بدان‌ها تاکید کرده‌اند ناچیزتر از آن است که آنها خودقادر باشند که این دیو ددمنش این هولناک‌ترین نیروی اهریمنی تاریخ را بشناسند و دقیقاً به همین دلیل است که آنها در حرف داغ‌ترین شعارهای "انقلابی" را فریاد می‌کنند اما در عمل اهداف و خواست‌های بورژوازی را پیاده می‌کنند.

نشریه کار، یا به پای تصحیح اصولی سیاست سازمان، در این پیکار انقلابی که سراسر میهن را پوشانیده هر زمان هوشیارانه‌تر و بیدارتر حرکات و نقشه‌های امپریالیسم را زیر نظر گرفته و بر ملا ساخته است.

نشریه کار آخرین بار در آخرین روزهای سال گذشته در مقاله دولت میانهر و تاکتیک جدید امپریالیسم (کار شماره ۱۰۲) نقشه امپریالیسم که برای به شکست کشاندن انقلاب ایران تدارک شده بود را به دقت تحلیل و چشم‌انداز تحولات بعدی را با جزئیات قابل پیش‌بینی تصویر می‌کند.

اکنون زمان صحت قابل تاکید این تحلیل و اهم برداشت‌هایی را اثبات کرده است که "کار" از رمان تصحیح اصولی دیدگاه سازمان تا امروز ارائه داده است. نظر به اهمیت مقاله کار ۱۰۲ مطالعه مجدد آن را به علاقه‌مندان توصیه می‌کنیم زیرا این مقاله اولاً شناخت دقیق‌تری از خود ویژگی‌های لحظه کنونی و تحولات بعدی ارائه می‌دهد ثانیاً این کار با کار با کاربست اسلوب علمی تحلیل موقعیت و چشم‌انداز آشنا می‌سازد.

اساس مقاله اولاً افشاگر نقشه‌ای است که از ماههای انتخاب ریگان تا روزهای اخیر، امپریالیسم به نام "دولت میانهر" در دستور قرار داده و برای این کار روی بنی‌صدر سرمایه‌گذاری کرده است. ثانیاً پیش‌بینی می‌کند اگر اوضاع حادث شود تعرض جبهه‌ای که بنی‌صدر در رأس آن قرار گرفته است برای تسخیر حکومت قطعاً با شکست مواجه می‌شود. مقاله بطور قطع می‌گوید تناسب قوا فعلاً اجازه نمی‌دهد امپریالیسم در این نقشه پیروز شود. ثالثاً مقاله تاکید می‌کند که این موضوع نه باعث می‌شود که امپریالیسم از اجرای نقشه‌اش صرف نظر کند و تعرض نکند و نه باعث می‌شود که امپریالیسم تاکتیک خود را فقط به این محدود کند و به راه‌های دیگر متوسل نشود.

## تاکتیک انقلابی در برخورد با تاکتیک "دولت میانهر"

مروری بر آنچه که در ماههای اخیر در میهن ما رخ داده است و سیاستی که جریان‌های سیاسی مختلف در برخورد با این رویدادها اتخاذ کرده‌اند حاوی تجارب و درس‌های گرانقدری است. بررسی کدام سیاست در برخورد با تاکتیک اخیر امپریالیسم سیاسی درست و اصولی و انقلابی بود؟

در ماههای اخیر دیدیم و می‌بینیم که امپریالیسم چگونه تمام پس‌مانده‌های نیروی سیاسی و تمام نیروی اقتصادی خود در ایران و تمام فشار تبلیغاتی و قدرت مردم‌فریبی خود را به حمایت از بنی‌صدر بکار انداخته است تا خط‌امام را سرنگون کند و دولتی "بنی‌صدری" روی کار بیاورد. دولتی که در ماهیت امر با دولت "مغول و میانهری" مطلوب امپریالیسم تفاوت و فاصله اساسی ندارد.

از ابتدای امر طیف وسیعی از جریان‌های سیاسی - مذهبی پیرو امام خمینی تا مدت‌ها میان خط بنی‌صدر و خط امام تفاوتی نمی‌دیدند. اما از آغاز تابستان

گذشته، و به‌گونه‌ای بارزتر از ۱۷ شهریور ۵۹، سیاست و ستمگیری تمام نیروهای مدافع انقلاب صورت و نمود بارزتری به خود گرفت. این سیاست و ستمگیری (در مقابل بنی‌صدر و دسته‌بندی‌هایی که حول وی ایجاد می‌گردید)، رئیس‌جمهور را برای گسستن از لیبرال‌ها و سلطنت‌طلبان و تصحیح سیاستش تحت فشار قرار می‌داد و از این طریق می‌کوشید وی را در کنار نیروهای خط امام حفظ کند. می‌کوشید وی را، تا جایی که هنوز بطور کامل سیاست لیبرال‌ها و ضدانقلاب آشکار را نپذیرفته است، به آغوش آنان نراند و بالاخره می‌کوشید که این امر متضمن هیچ‌نوع باج‌دهی به امپریالیسم و بورژوازی

نباشد. می‌کوشید رهبری به دست نیروهای بورژوازی نیافتد و خط امام در برابر خط سازش و ضدانقلاب که تلاش داشت سنگر ریاست جمهوری را محور تشکیل نیروهای خودگرداند، تقویت شود. به دلایلی که شمرديم، و تنها به شیوه‌ای که شمرديم، این سیاست روی اهمیت رفع یا تخفیف اختلافات با حفظ رهبری امام تاکید داشت. و این سیاستی بود مورد پشتیبانی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان. سیاستی بود مورد تأکید تمام نیروهای راستین انقلاب. این تاکتیک ضد تاکتیک امپریالیسم بود که می‌کوشید هرچه وسیع‌تر نیروهای ضد انقلاب، نیروهای سازشکار، نیروهای بینابینی متزلزل و مردد را زیر علم ریاست جمهوری مجتمع و متشکل گرداند و سنگر بورژوازی ایران را (که با انقلاب به میزان وسیعی تشکیل و انسجام خود را از دست داده است) تحت رهبری بنی‌صدر در حد امکان تقویت نماید. این سیاست ضد سیاست امپریالیسم بود که می‌کوشید زمینه را برای زیر کشیدن حاکمیت خط امام و سپردن مهار امور به دست بنی‌صدر و یک دولت میانهر هموار گرداند.

نکته برجسته در این سیاست آن بود که درک می‌کرد کوشش در جهت حفظ مواضع نیروهای خط امام در برابر بنی‌صدر و جبهه متحدی که حول وی منسجم می‌شود لزوماً به حد اجرای قانون اساسی و پای‌بندی به آن مربوط می‌شود. نیروهای واقع بین مجری این سیاست نه تنها درک می‌کردند که به سود انقلاب است که قانون اجرا شود بلکه این را نیز درک می‌کردند که منفعت هر اقدام غیرقانونی مشخصاً به حیب همان جبهه متحد خواهد رفت. درست به همان گونه که دیدیم چگونه طغیان بنی‌صدر علیه قانون و نهادهای قانونی همانا انتحار سیاسی وی بود.

زمانی که امام در پیام نوروزی، امسال را سال قانون اعلام کرد، اهمیت این سخن توسط بسیاری از جریان‌های وابسته به خط امام قابل درک نبود. تنها نیروهای واقع بین متوجه این نکته کلیدی بودند که چگونه قانون شکنی، اقدامات خودسرانه، آشوب‌طلبی و هرج و مرج شمری جز تضعیف خط امام نخواهد داشت. لذا روی ضرورت برخورد با قانون شکنی‌ها، خودسری‌ها و تشنج‌آفرینی‌هایی که تحت پوشش خط امام صورت می‌گرفت تاکید جدی داشتند. مدافعان راستین انقلاب به پیروی از همین مشی اصولی موکداً از کوشش‌های امام خمینی در راه حفظ آرامش و اجرای قانون اساسی حمایت می‌کردند. تا اوایل خرداد بنی‌صدر و مجاهدین را موکداً به سوی انقلاب و پذیرش قانون اساسی و مردم را به حفظ نظم و آرامش، پرهیز از شرکت در تظاهرات غیرقانونی فرا می‌خواندند. و از این زمان به بعد، زمانی که آن‌ها با یک چرخش آشکار مواضع جبهه براندازی را به طور درست پذیرفتند و در جوهر یراتیک سیاسی خود به این جمهوری اعلان جنگ دادند، مشروعیت، صلاحیت و حقانیت خود را کاملاً پایمال کردند. نیروهای مدافع انقلاب نیز با فاطمیت انقلابی اعلان جنگ آنان را پاسخ گفتند. بنی‌صدر با سهولت بسیار به زیر کشیده شد و آشوب‌طلبی و تلاش‌های جنون آمیز و توطئه‌گرانه دور و درازی که رهبران مجاهدین خواب دیده بودند در نطفه ناکام ماند.

## تبرئه و تقویت

### خط سازش زیر پوشش "ضرورت آشتی"

در کنار تاکتیک اصولی طیف وسیع نیروهای مدافع انقلاب در این مدت ما با دوسویست ظاهراً درست اما واقعاً و در عمل در خدمت امپریالیسم مواجهیم. دو سیاستی که ظاهراً در خط امام می‌نمود اما در عمل ضدآن را به کار می‌بست. یکی از این دو سیاست

نصفه از صفحه ۲

### تجارب برخورد

سیاستی بود که روی ضرورت رفع یا تخفیف اختلافات و احیای وحدت تاکید می نمود. سیاستی که "طرفین" را به سوی آشتی فرامی خواند، اما در هر مورد مشخص این طور تبلیغ می کرد که گویا سد و مانع اصلی حل تمام مسایل و مشکلات ما صرفا و یا بهتر بگوئیم اساسا "انحصار طلبی و تنگ نظری و قشری گری" نیروهای خط امام است و بنی صدر خطائی ندارد. این مشخصا سیاستی است انحرافی و زیانبار که دارای نقطه ضعف های اساسی زیراست:

اولا چون در مبارزه میان نیروی سازش و نیروهای خط امام لبه تیز حمله را متوجه نیروهای خط امام می سازد و بورژوازی را عملا تبرئه می کند در عمل سیاستی است مبتنی بر اتحاد با بورژوازی و طرد طیف جریان های خرده بورژوازی.

ثانیا - از آنجا که سد و مانع اصلی حل مسایل و مشکلات را خط امام معرفی می کند نه امپریالیسم و ضد انقلاب، عملا سمت اصلی مبارزه را منحرف، امپریالیسم را از زیر ضرب خارج و چهره ضد خلقی و ضد مردمی آنان را پنهان می سازد.

در ماه های اخیر این سیاست هم مدعی ضرورت حل اختلافات بود اما نه به سود نیروهای رادیکال بلکه به سود نیروهای سازشکار. زیرا برای حل اختلاف امتیاز دادن به بنی صدر - عقب نشینی خط امام و حفظ وضع موجود و یا بازگشت به ماه ها قبل را توصیه می نمود. این سیاست خواهان حل اختلاف بود اما نه از طریق متمرکز کردن فشار اصلی روی نیروهای بورژوازی، روی جدا کردن بنی صدر، از لیبرال ها و محافظ مشکوک و سلطنت طلب، بلکه از طریق میدان دادن به وی.

از طریق حفظ مواضع وی و حامیانش در حکومت. این سیاست می گفت گسترش کشمکش میان نیروهای خط امام و جناح بنی صدر بدین انقلاب است اما مشخص نمی کرد که این کشمکش تنها زمانی می تواند گسترش نیابد که هژمونی نیروهای خط امام از جانب جناح بنی صدر و حامیانش گردن سپاده شود و مورد تعرض قرار نگیرد. این سیاست "طرفین" را به سوی آشتی می خواند. و حتی آنان هم فراتر هر زمان که این مبارزه حاد می شد (مثل وقایع ۱۴ اسفند) خط امام را منحصر به حزب جمهوری اسلامی - حزب را از حرکت نیروهای خط امام خارج می ساخت و مدعی می شد که "آن طرف" (منظور نیروهای خط امام است) تقصیر کار است. این سیاست در واقع خط امام را به سوی بنی صدر فرامی خواند و نه عکس آن را. حاصل و عملکرد این سیاست چیزی نبود جز تضعیف نیروهای ضد امپریالیست خط امام و زیر علامت سؤال بردن مشروعیت، حقانیت، و صلاحیت آنان در مقایسه با بنی صدر. این سیاست جدا از نیت باطنی حاملین آن، سیاستی بود در خدمت لیبرال ها، سیاستی بود هم سو با تاکتیک امپریالیسم. سیاستی بود که عملا به سود روی کار آوردن "دولت مانه رو" تمام می شد.

می بینیم که در پیکار علیه امپریالیسم این کافی نیست که کسی از "اتحاد" صحبت کند. آنچه دارای اهمیت اساسی است آن است که این سیاست اتحاد واقعا و در عمل به سود تعمیق انقلاب به سود تقویت نیروهای رادیکال، به سود تضعیف مواضع بورژوازی به کار بسته شود. سیاستی که دم از اتحاد می زند اما فشار اصلی را متوجه افراد بورژوازی لیبرال نمی سارد. سیاستی که همواره فقط "به طور کلی" رهبری نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی را مورد تأیید قرار می دهد اما "در هر مورد مشخص" از طریق متمرکز کردن حملات روی این نیروها شرایط تبرئه بورژوازی را فراهم می آورد. سیاستی است مختص نیروی ذخیره بورژوازی. بارزترین نمونه های این سیاست متزلزل این سیاست شرم گینانه بورژوازی را در یک ساله اخیر نزد برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی شاهد بوده ایم. دسته ای از مدافعان این سیاست بر اساس ارزیابی نادرست از مسائل عمده و فرعی و عدم تشخیص سمت اصلی مبارزه و دسته ای دیگر مشخصا از موضع یک نیروی ذخیره بورژوازی که منافعشان افراد بورژوازی لیبرال را اقتضا نمی کند و دسته ای دیگر به علت این که اوضاع و احوال دیگر دفاع آشکار از مواضع و سیاست های بورژوازی را

اقتضا نمی کرد راه حمله به طرف مقابل و تضعیف مواضع نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی و بهره گیری از خطاها و تناقضات غیر قابل انکار آنان به سود بورژوازی را در پیش گرفتند. در طول مبارزه نیروهای خلقی برای خنثی کردن تاکتیک "دولت مانه رو" این جریان ها طیفی از نیروهای را می پوشاندند که به طور یک جانبه نیروهای خط امام را "مقصر" می دانستند و نه بورژوازی کاری نداشتند. تا عناصری که بنی صدر را نیز مورد انتقاد قرار می دادند اما به گونه ای که گویا مسبت اصلی کج روی های بنی صدر نیز سیاست و عمل نیروهای خط امام بوده است و بالاخره عناصری که با حاتم بخشی بسیار "هر دو" را مقصر می دانستند. و البته در ارزیابی مواضع نیروها و به ویژه هنگام کار بست سیاست در عمل ضرورتا می بایست هر کدام از این دستجات را از یکدیگر باز شناخت و تشابهات و تمایزات موجود و ناموجود آنان نسبت به یکدیگر و نسبت به سایر جریان های بورژوازی را در نظر گرفت. همان گونه که دیدیم در پیروسه سقوط بنی صدر در این جریان ها - شکاف افتاد و بسیاری از آنان که (اگر بنی صدر می ماند خود را با وی نزدیک تر می دیدند تا خط امام) با بنی صدر نرفتند، از نیمه راه باز گشتند و حمایت خود را از رهبری امام و وفاداری خود را نسبت به قانون اساسی مورد تأکید قرار دادند. حرکتی که می بایست ضرورتا با استقبال مدافعان انقلاب و این جمهوری مواحه گردد.

### تشویق به تمکین و عقب نشینی

#### زیر پوشش قدرتمند نمایان شدن حریف

چنانکه در تجربه ماه های اخیر هم شاهد بوده ایم اعمال فشار روی نیروهای مدافع انقلاب و پیشرفت آن از طریق متمرکز کردن تمام حملات روی خط امام - تضعیف جریان آن و برائت بورژوازی و خلاص کردن امپریالیسم صورت نگرفته است. شیوه دیگر نیروهای ذخیره بورژوازی ارائه تصویری غیر واقعی از تناسب قوا و تبلیغ و اشاعه این فکر بوده است که گویا بنی صدری ها و لیبرال ها چنان قدرتمند شده اند و نیروهای خط امام چنان مشروعیت و محبوبیت خود را از دست داده اند، تناسب قوا چنان به سود بنی صدر و بنی صدری ها بر هم خورده است و این جمهوری چنان به وجود این "رجال متخصص" نیازمند که چنانچه حکومت عقب نشیند و به خواست آنان تن ندهد، چنین و چنان خواهد شد این گرایش نیز در کلام خود را در خط امام و تحت رهبری آن می شمرد. اما در عمل رسالت خود را آن می دید که به نیروهای مدافع انقلاب اندرز دهد حد خود را نگهدارند و گرنه "دنیا کن فیکون خواهد شد" حریف نیرومند است. حریف نیرومند شده است.

ما به تنهایی نمی توانیم، مردم برگشته اند، ضد آخوند شده اند و الخ... این سیاست نیز در مضمون همان سیاست قبلی است. تفاوت آنها صوری است یک سخن است با دو بیان یکی با متمرکز کردن تمام فشار روی نقطه ضعفها و تناقضات خط امام خط سازش را تقویت می کند و دیگری با ترسیم تصویری غیر واقعی از تناسب قوا عقب نشینی را اندرز می دهد. در همین جا اشاره می کنیم به باصطلاح سیاستی که به اتکای همین "تصویر غیر واقعی از تناسب قوا" به جای اینکه عقب نشینی را به رژیم اندرز دهد تهاجم به رژیم را توصیه می کند. در تمام این مدت نیروهایی که هنوز جایگاه ثابت خود را در بافت طبقاتی جامعه نیافته اند و در حال تعلیق بسر می برند همه آنان که بنا بر ماهیت طبقاتی شان، "هزنوع ثبات اجتماعی" را مرگ خود می پندارند و آنارشیزم را می ستایند ناتوانسته اند تصویری غیر واقعی از تناسب قوا به خورد مردم داده اند، خطوط نادرست این تصویر عبارتند از:

اولا مردم، چنانکه دیدیم، آنطور که اینها مدعی اند، برگشته اند. ثانیا روانشناسی توده (جز در دستگاه تفکر آنارشیزمی) معیار اصلی تناسب قوا نیست (سالها در رژیم شاه روحیات توده ها نسبت به رژیم منفی بود اما عملا قادر نبودند رژیم را براندازند). ثالثا از نارضایتی مردم از حکومت تا طغیان آنها برای سرنگونی حکومت یک دنیا فاصله است. رابعا دیدن نارضایتی و ندیدن سمت و سو و انگیزه ها و مضامین متناقض آن از ارکان مهم تفکر

آنارشیزمی است. و بالاخره اینها با ندیدن نقش سازمان یافتگی که مهمترین رکن تفکر آنارشیزمی است نیروهایی که در عرصه پیکار طبقات حضور دارند و تکیه یک جانبه بر اصطلاح "افکار عمومی" وضعیت تناسب قوا را عوضی می گیرند و خود را بر باد می دهند و فدای مطامع بورژوازی می سازند. نمونه های تاریخی این توهما و بی فرحامی کار آنان بسیار است. در جای دیگر باز به این نیروها خواهیم پرداخت در هر حال نکته مهم این است که حد آن سیاستی که بورژوازی را تبرئه می کرد. چه آنکه عقب نشینی را توصیه می نمود چه آنکه تصور می کند اوضاع مساعد شده بنائیم "همه و همه حاده صاف کن" دولت میانه رو بوده اند تجربه به ما می آموزد که قضاوت خود را درباره هر سیاست به نگاه اول محصر نکنیم در تمام این مدت در نگاه اول همه اینها خصیصی پیشروتر از طیف اصلی نیروهای خط امام را نمایش می دادند و البته این ظاهر قضیه است.

### تضعیف انقلاب از طریق پراکندن نیروها

#### وهل دادن آنها به سوی دشمن

این سیاست نیز که بیش از دیگران اصرار دارد خود را "در خط امام مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی" بداند در تمام این مدت در عمل در خدمت تاکتیک "دولت میانه رو" عمل کرده است. این سیاست با هل دادن تمام نیروها به سوی بنی صدر و بنی صدر به سوی ضد انقلاب و متسلک و منحصر کردن همه آنان حول یک محور نقش کاملا جسمگیری داشته است. این سیاست با اقدامات تفرقه حویانه، با ارباب بردن امنیت قضایی و اجتماعی مردم با بی اعتماد کردن مردم به صلاحیت جمهوری اسلامی و با بکار بردن تهمت و افترا علیه دیگر جریان های سیاسی، با تحریک و تشویق آنان به مخالفت و حتی کشاندن آنان و به ویژه نوجوانان کم تجربه، به دشمنی با جمهوری اسلامی عملا به این تبلیغ ضد انقلاب که می گوید "اینها باید بروند، صلاحیت ندارند" کمک کرده است. این سیاست روی سمت گیری نیروهای بینابینی و متزلزل به سوی مواضع بورژوازی و ترک مواضع انقلابی تأثیر جسمگیری داشته است. این سیاست چشم امید امپریالیسم را روشن تر و دست وی و متحدانش را در فریب توده ها بازتر ساخته است. حاصل این سیاست تا همان حدی که بکار بسته شد در عمل تضعیف حقانیت و مشروعیت خط امام و تقویت و به هم فشردگی نیروها حول بورژوازی بود. این سیاست با دست زدن به اعمال غیر قانونی و غیر مشروع عملا حربه به دست جبهه ای می داد که هدفش غیر مشروع و غیر قانونی نشان دادن مواضع نیروهای خط امام بود. بخصوص هرگاه منصفانه قضاوت کنیم باید نقش و تأثیر این سیاست قشری، انحصار طلب و دشمن کام را روی پراکندن جوانان و به ویژه دانش آموزان (که کمیت ناچیزی نیستند) از حول خط امام و سوق دادن آنان به سوی امید بستن به رهبران مجاهدین و سوق دادن مجاهدین به سوی تشدید رو در رویی با خط امام و رفتن به طرف جبهه براندازی به هیچ وجه نادیده نگیریم. هر چند که این امر از بار خیانت آشکار رهبران مجاهدین به این انقلاب و همسویی آنان با امپریالیست ها، و همدستی شان با بورژوازی درهای هم نخواهد کاست.

پیروان این سیاست انحرافی از مواضع مختلف این خط را پیش برده اند. آنها نیات متفاوتی دارند. همه شان در آنچه که می گفتند صادق نبودند. جریانی که ما آن را واقعا قشری می نامیم فکر می کرد سیاست راندن بنی صدر به سوی دشمن راندن مجاهدین به سوی دشمن به دامان امپریالیسم، از آنجا که گویا ماهیت آنان را برملا می سازد سیاست درستی است.

این جریان فکر می کند هرکس مثل او فکر نمی کند، هر کس خود او نیست حتما دشمن اوست و باید او را افشا و از آن هم بدتر نابود کرد.

اما جریان دیگر که ما آن را جریانی ظاهرا قشری می نامیم - جریانی که آئین پرستی اسلامی را پوشش خود ساخته است - از سنگر دوست همه نیروها را مودیانه به یاری دشمن می فرستد. این جریان از ابتدا می دانست که پیوستن مجاهدین و بنی صدری ها

نصفه در صفحه ۴

نصفه از صفحه ۳

## تجارب برخورد...

به ضدانقلاب و قرار گرفتن آنان در حلقه یاران امپریالیسم چرب‌ترین لقمه‌ایست که امپریالیسم می‌بلعد. این سیاست از همان ابتدا بنی‌صدر را نه به علت سر و سرش با لیبرال‌ها و چشمک‌هایش به امپریالیست‌ها (به ویژه نوع اروپائی و ژاپنی آن) نه به دلیل جعلیات وی در باره اتحاد شوروی و پیشه کردن سیاست آشکار ضدشوروی، بلکه به دلیل تجلیل و ستایش از مصدق و "کوناهی در کوبیدن مجاهدین" (که در آن زمان سیاستی جز این داشتند) مورد حمله قرار می‌داد. این سیاست از همان ابتدا لیبرال‌ها نه به دلیل نادیده گرفته خطر امپریالیسم بلکه مشخصاً به دلیل عناصر ترقی‌خواهانه‌ای که در معتقدات بنیان‌گذاران آن سازمان وجود داشته است، به دلیل عدم شرکت در اقدامات ضدکمونستی و به دلیل عدم تمکین به تمایلات ضدشوروی مورد شدیدترین حملات قرار می‌دادند (رجوع شود به جریان سعادت‌تی و مواقع). برای اینکه نشان دهیم که قشریت و مذهب تنها پوششی است برای این سیاست کافی است توجه کنیم که چگونه سرسخت‌ترین مدافعان در هر جا که تاکنون بوده‌اند هیچ‌گاه از هیچ یک از اصلاحات اساسی اجتماعی، از سمت‌گیری انقلاب علیه کلان سرمایه‌داران و فئودال‌ها، از گسترش حرکت آن به سوی اتحاد با تمام نیروهای مدافع انقلاب نه تنها حمایت نکرده‌اند، بلکه در مواردی هم که دستشان رسیده‌است چوب لای چرخ انداخته‌اند. آینده بیشتر نشان خواهد داد که این خط چرا و تا چه میزان از مواضع ارتجاعی و دورویانه "علیه بنی‌صدر" جنجال بی‌می‌کرده‌است.

تاریخ انقلاب به ما آموخته است که امپریالیسم آن‌جا که برای کوبیدن میخ خود هنوز اوضاع را مساعد نمی‌بیند نعل وارونه می‌زند. حقیقتاً امین‌ها و پول‌پوت‌ها از آشکارترین نمونه‌ها هستند.

در این‌جا لازم به تذکر است که گر چه در اوایل این سیاست منفی و تفرقه جویانه ضربات جدی روی سمت‌گیری نیروها، به ویژه جریان‌های بینابینی در اتخاذ روش نادرست و تقابل با جمهوری اسلامی وارد آورده است. اما نباید فراموش کرد که در این اواخر سیاست غالب بر جمهوری اسلامی، به ویژه کوشش‌های شخص امام ناظر بر این بوده است که قانون اساسی اجرا شود و نیروهای که قانون را می‌پذیرند پراکنده و در ستیز با یکدیگر قرار نگیرند و تحت حمایت قانونی جمهوری اسلامی قرار گیرند. پیام‌های امام در بهمن ماه، فرمان ده ماده‌ای ۲۵ اسفند و تشکیل هیئت سه نفره حل اختلاف، اعلام سال ۶۰ به نام سال قانون توسط امام، اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب اسلامی و فراخواندن احزاب و سازمان‌های سیاسی، به رعایت قانون و کوشش در جهت تأمین آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی (اجازه برگزاری میتینگ، برگزاری مناظره‌های تلویزیونی، دعوت به اخذ پروانه برای نشریات سازمان‌های سیاسی و...) پاسخ امام به نامه مجاهدین و بسیاری شواهد دیگر نشان می‌دهد که علیرغم کارشکنی‌ها و تحریکات وسیعی که صورت می‌گرفت (حمله مسلحانه به میتینگ مجاز میدان آزادی، صدور احکام اعدام کاملاً ظالمانه در برخی دادگاه‌ها و...) امام و مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی با مهار کردن سیاست قسری کوشیدند نگذارند کار رهبران مجاهدین و بنی‌صدر به اینجا بکشد. اما این سیاست درست و منصف یا بی‌درایتی بنی‌صدر و رجوی‌ها و خیابانی‌ها و روش خیانت‌کارانه آنان در مورد ایشان موثر واقع نشد.

### حرف‌های بی‌سروته

### وصراحت عمل چپ‌روها

در تمام این مدت گروه‌های چپ‌رو و چپ‌نما مانند اقلیت و راه‌کارگر یا به پای سازمان آمریکائی پیکار و شرکاء علیه حزب جمهوری (خط امامی‌ها) علیه لیبرال‌ها زیاد گردوخاک کردند. این گروه‌ها که تمایلات آنارشستی گروه‌های اجتماعی در حال تعلیق طبقاتی را سازمان می‌دهند در کشاکش میان جناح‌های جمهوری اسلامی مواضعی درهم و برهم، بی‌سروته و مغشوش داشته‌اند. آن‌ها برخلاف بقیه "بمطور کلی" هردو جناح را دشنام می‌دادند. اما درست مثل بقیه

در عمل "درهم‌رود مشخص" جنون‌آمیزترین حملات را را متوجه خط امام کردند و صراحتاً حرف دل لیبرال‌ها و سلطنت‌طلبان را پاسخ گفتند. اغتشاش فکر و صراحت عمل این گروه‌ها عمیق‌تر و آشکارتر از آن‌است که بررسی‌های جدی‌تری را ایجاب نماید. تاکتیک این گروه‌ها که ساقط کردن خط امام است تاکتیک است که وظیفه مستقیم هموار کردن راه برای اجرای نقشه‌های امپریالیسم و جانشینی "دولت میانه رو" بوده است. در تمام این مدت دشمنان این جمهوری نه تنها نازک‌تر از گل به این‌ها نگفتند، بلکه هرکجا که فرصت کردند دست دوستی و اتحاد عمل به سویشان دراز کردند.

با اوج‌گیری مبارزه علیه خط سازش و سقوط بنی‌صدر، این گروه‌ها در دشنام پراکنی علیه لیبرال‌ها هم تجدید نظر کردند. آن‌ها در این اواخر خط امام را "دشمن اصلی" قرار دادند و "اکثریتی‌ها و توده‌ای‌ها" را هم "دشمن فرعی" آن‌ها این طور "تحلیل" می‌کردند که گویا "اوج‌گیری و افسارگسیختگی ارتجاع به حدی رسیده است که حتی لیبرال‌ها را هم سرکوب! می‌کند". سپس هراسان شعار می‌دادند که "پس باید با تمام نیرو در برابر ارتجاع حاکم بایستیم".

سرسخت آنارشستی این گروه‌ها مشتاق آنست که "جناح‌های حاکم یکدیگر را بکوبند". آن‌ها ظاهراً می‌گویند: زهر طرف که شود کشته به سود "ایشان" است اما در عمل از هیچ چیز به اندازه شکست جریان لیبرالی نمی‌ترسند. آن‌ها حتی آماده‌اند روی این شکست‌ها نام "غلبه لجام گسیخته فاشیسم" بگذارند. هیچ آرزویی برای آنها شیرین‌تر از این نیست که جناح‌های حاکم آنقدر به هم دیگر مشغول باشند که آنها فرصت پیدا کنند تا می‌توانند شلوغ‌کاری کنند. بیپه‌وده نیست که آن‌ها این همه از درهم شکسته شدن سنگ‌های بسیار محکم بورژوازی در حکومت و گسترش قلمرو خط امام نگران شده‌اند.

از مهم‌ترین پیروزی‌هایی که جنبش کمونیستی ایران که در دوساله اخیر به دست آورده است ضربات فاطح و غیر قابل جبرانی است که بر مواضع مائوئیسم و آنارشسیم وارد ساخته است. این گرایش‌ها طی چند سال اخیر وسیعاً افشا و منفرد شده‌اند. این جنبش اکنون موفق شده‌است صف هواداران اصیل مائوئیسم علمی را (که در سازمان‌های حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) متشکل شده‌اند) از طیف جریان‌های مائوئیستی، لیبرالی، آنارشستی و امثالهم جدا سازد و این جریان‌ها را چنان منفرد سازد که می‌بینیم.

از این نظر دیگر گفتنی پیرامون حال و روز این گروه‌ها زیاد نیست. تنها باید روی این حقیقت تلخ انگشت گذاشت که متأسفانه در عمل می‌بینیم که روند تحول و تعمیق انقلاب ما این گروه‌ها را از حالت بینابینی به سوی استقرار در مواضع صد انقلابی رانده است. این گروه‌ها در روندهای آتی یا از بین می‌روند و یا به سوی اتحاد عمل همه‌جانبه با نیروهای طبقات ارتجاعی و باندهای سرسپرده امپریالیسم، به سوی

اجرای ته‌گاری‌هایی که راه پیشرفت نقشه‌های جدیدتر امپریالیسم را هموار می‌کند، به سوی تبدیل شدن به باندهای بی‌جیره موجب و یا با جیره موجب امپریالیسم سوق می‌یابند. آینده‌ای که سراسر تأسف‌بار است.

## آیا امپریالیسم

### هنوز به دولت میانه‌رو امیدوار است؟

آنچه تا اینجا شمرديم سياست‌های نیروهای بود که مستقیماً در جبهه نیروهای مدافع تاکتیک "دولت میانه‌رو" قرار نداشتند. بررسی و نقادی ساختار و عملکرد نیروهای این تاکتیک باید جداگانه صورت پذیرد. جبهه‌ای که از لحاظ سیاسی نیروهای وسیعی را از سلطنت‌طلبان و شبکه‌های مخفی ضدانقلاب سازمان یافته گرفته تا جریان‌های لیبرالی جبهه ملی نهضت آزادی و دفتر هماهنگی تا حزب ملت ایران و جاما و جنبش و امثالهم تا مائوئیست‌های حزب آمریکائی رنجبران و بالاخره سازمان مجاهدین خلق ایران و قاسملوی کردستان و باید به این‌ها، افزود نیروی مسلح خوانین به‌ویژه در فارس مراجع تقلید مخالف انقلاب و ضد جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. این نیروها همگی مورد حمایت رژیم‌های ارتجاعی منطقه قرار گرفته و به انحاء مختلف از سوی آنان یاری می‌شوند. بعلاوه شاهد بوده‌ایم و هستیم که در خلیج فارس و دریای عمان در سراسر مرز پاکستان و مرز عراق و مرکز ترکیه باندهای ضدانقلابی و نیروهای مسلح دولت‌های ارتجاعی علیه انقلاب ما به تلاش برخاستند. امپریالیسم جهانی، نیروی نظامی و اقتصادی خود را، نیروی شانتاژ و ارباب خود را، تمام دستگاه‌های جعل خیر و اغواگری توده‌ها همه و همه را در خدمت نقشه خود قرار داده بود که فشارهای مقتضی را وارد آوردن لکن اکنون با متواری شدن بنی‌صدر و انتخاب رجائی به ریاست جمهوری تمام این نقشه‌ها و نیروها با شکست سیاسی فاحشی مواجه شده‌اند.

آیا امپریالیسم هنوز می‌تواند به روی کار آوردن "دولت میانه رو" امیدوار باشد؟ ارزیابی آرایش نیروهای طبقات در میدان اصلی پیکار انقلابی در لحظه کنونی حاکی از آن‌است که با به زیر کشیدن بنی‌صدر بهترین امکانات امپریالیسم هم برای روی کار آوردن "دولت میانه‌رو" دچار لطمات جدی شده است.

مضمون اساسی تحولات برق‌آسای، دو ماهه اخیر که با تعرد بنی‌صدر از قانون اساسی و همدستی آشکار وی با ضدانقلاب آغاز و با انتخاب رجائی به جانشینی وی پایان می‌یابد عبارت است از فتح مهم‌ترین مواضع بورژوازی در حکومت و شکست فاحش تاکتیک "دولت میانه‌رو". بی‌آمدهای این شکست امپریالیسم و دست‌آوردهای پیروزی خلق علیه امپریالیسم (که برای ارزیابی آرایش نیروهای طبقات و اتخاذ سیاست در برابر آن مطلقاً ضروری است) بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

نصفه از صفحه ۲۴

## چرا دولت در مقابل وقوع زلزله

### در اشنویه و ...

بی‌اعتنائی دولت نسبت به آسیب‌دیدگان زلزله اشنویه جز فراهم آوردن موقعیت به سود باند قاسملو برای پیشبرد تبلیغات ضدانقلابی او در میان خلق کرد، نتیجه دیگری ندارد.

با فتاد تا برای زمینه مناسب، سلطنت علیه جمهوری اسلامی را دامن زده و به مردم کرد حسن الفا کند که: جمهوری اسلامی یا خلق کرد دمس است و به همین علت هم است که دولت هیچ کتکی به مردم آسیب دیده نمی‌کند!

نظم کند تا در احسار زلزله زدگان فرار کرد. باند قاسملو کوسید و می‌کوسید با این گونه عوام‌فریبی‌ها و با توجه به سکوت مقامات و سبادهای جمهوری اسلامی، مقاصد سیاسی حاشانه خود را به پس برد. هم‌اکنون دارودسته قاسملو فرصت

برخورد غیرمسئولانه دولت و سبادهای رسمی با این واقعه یکبار دیگر نگرش و سیاست به‌غایت نادرست دولت جمهوری اسلامی را نسبت به مسئله کردستان آشکار می‌کند. استدلال مقامات جمهوری اسلامی در توجیه این سکوت و بی‌توجهی، ظاهراً این است که چون دار و دسته قاسملو در منطقه اشوع رخنه کرده و در آن‌جا قویاً حضور پیدا کرده‌اند کتک‌های جمهوری به مردم زلزله زده کرد امکان دارد توسط قاسملو و باند او مورد استفاده قرار گیرد. ما لزومی نمی‌بینیم که سست به نادرست بودن این استدلال سختی گوئیم. دولت می‌بایست به‌طور فعال به آسیب دیدگان زلزله باری می‌رساند. با زلزله‌زدگان معالانه همدردی نشان می‌داد و به هر طریق ممکن به زلزله زدگان کمک می‌کرد. تا علاوه بر به انجام رساندن مسئولیت خود نسبت به

سروقت مردم آسیب دیده منطقه. زمینه مناسب جهت تحفیف کینه‌ها و خصومت‌های موجود نیز فراهم می‌آورد. جنبش انسانی می‌توانست گامی مثبت در جهت اتخاذ یک سیاست اصولی و منطقی بر مصالح انقلاب از طرف جمهوری اسلامی نسبت به مسئله کردستان باشد. سازمان ما ضمن اظهار همدردی با خانواده‌های گشته زلزله‌زده، اخیراً برخوردهای غیرمسئولانه دولت و سکوت رادیو و تلویزیون و مطبوعات را نادرست دانسته و آن‌را محکوم می‌سازد. کلیه هواداران سازمان در منطقه موظفند از هر طریقی که می‌توانند به یاری آسیب دیدگان این حادثه تأسف آور ستایند و در حد توان راه را بر عوام‌فریبی‌های باند قاسملو و سرکایش که می‌کوسد از این واقعه برای جبران آبروی از دست رفته‌شان کسب وجهه کنند بر بندند.

## روز جمعه ۲ مرداد

### هر رای يك شعار "مرگ بر امریکا" بود

● آراء میلیونی توده‌های مردم توطئه‌های "جبهه متحد ضد انقلاب را" که با ترور و بمب گذاری و تبلیغات مسموم به میدان آمده بود خنثی کرد .

● در پای صندوق‌ها مردم تنها رأی نمی‌دادند ، بلکه از آینده انقلاب ، از تداوم مبارزه علیه آمریکا و ضرورت وحدت و همبستگی سخن می‌گفتند .

امام خمینی :  
" یک سیلی خوردیم از اشتباه همه نابسامانی‌هایی که الان داریم ، برای آن که اشتباه کردیم . نباید اشتباه تکرار شود "

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم :  
" رئیس جمهور باید دسایس شیطان بزرگ را بشناسد "

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی :  
" با شرکت در انتخابات آمریکا رامایوس خواهیم کرد "

جامعه روحانیت مبارز  
" امید است مبارز جهانی بسرکردگی امریکای خونخوار را به باس کامل مبدل کنید "

دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی :  
" در انقلاب سوم خطوط غرب‌گرا و رو به امریکا را به زیر می‌کشیم "

جنبش مسلمانان مبارز :  
" حضور مردم در انتخابات خاری برچشم دشمن "

حزب توده ایران :  
" رئیس جمهور آینده باید دشمن آشتی‌ناپذیر ، امپریالیسم جهانی ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی بسرکردگی امپریالیسم امریکا باشد "

فدائیان خلق (اکثریت) :  
" تجدید انتخابات ریاست جمهوری حاصل پیشرفت مبارزه علیه خطی است که می‌خواست شعار "مرگ بر آمریکا" فراموش گردد "

" فراموش گردد " این شعار فدائیان خلق اکثریت بیان کامل خواست و رای مردم و جوهر حرکت آنان در روز دوم مرداد ماه ۱۳۶۰ بود . روزی که هر رای یک شعار "مرگ بر آمریکا" بود . در این روز نیز مانند همه لحظات پیشرفت و پیروزی این انقلاب خونبار نقش زنان ، زنان زحمتکش و رنج‌دیده ، زنان کودکان بر گرفته بر دوش و در آغوش چشمگیر و قابل تاکید بود . در دوم مردادماه ، یکبار دیگر نقش انقلابی زنان زحمتکش در انقلاب ایران و در پیشرفت و تعمیق آن به عینه مشاهده گردید . در دوم مرداد ماه ۱۳۶۰ ، انقلاب جلوه شورانگیز و هستی‌ساز دیگری داشت . دوم مردادماه یکی از روزهای فصاحت‌بار جبهه براندازی سرکردگی امریکا بود .

در " زورآباد " کرج این جمله که بزرگ‌نویسی شده بود جلب نظر می‌کرد :  
رئیس جمهور آینده باید دسایس شیطان بزرگ را بشناسد .  
این‌گونه عبارات و جملات که در خود روح انقلاب و تبلور خون شهیدان را داشت و از مبارزه علیه آمریکا و تمامین منافع کارگران و زحمتکشان سخن می‌گفت در گوشه و کنار شهر دیده می‌شد شعارها ، صف‌ها و انتظارها دست‌های پهنه‌سته و چهره‌های آفتاب خورده ، بیم‌ها و امیدهای مردم ، انتظارات و توقعات برحق مردم از انقلاب ، در روز دوم مرداد ، در آرائی که به صندوق‌ها ریخته می‌شد خلاصه می‌گردید . و همه این تلاش‌ها نشان می‌داد که " مرگ بر آمریکا " فراموش نخواهد شد اکنون " تجدید انتخابات ریاست جمهوری حاصل پیشرفت مبارزه علیه خطی است که می‌خواست شعار " مرگ بر آمریکا "

بیشترین استقبال و بیشترین آراء مربوط به این بخش از مردم بود . در تهران علیرغم بی‌تفاوتی و سکوت نسبی خیابان‌ها و حوزه‌های رای‌گیری شمال شهر مردم زحمتکش جنوب شهر و مناطق مرکزی با شور و شوق و احساس مسئولیت عمیق در صفوف طولانی در پای صندوق‌ها حاضر شدند . مردم در پای صندوق‌ها تنها رأی نمی‌دادند ، آنها خواست‌های خود را از انقلاب ، مسئولان جمهوری اسلامی و رئیس جمهور آینده بیان می‌داشتند ، در شهری محل انفجار بمب ضدانقلابیون قرار داشت کارگریمان سالی برای مردم سخن می‌گفت او از خیانت دولت موقت و لیبرالها از وعده‌های انجام نشده از مشکلات و سختی‌های روزمره زحمتکشان از ضرورت اجرای طرح‌های انقلابی ، ملی کردن تجارت خارجی ، اصلاحات ارضی و ... حرف می‌زد و مردم با شوق شورانگیز انقلابی که در برق چشمانشان نهفته بود گفته‌های او را تایید می‌کردند در خیابان هاشمی ، کسوی فرهنگیان ، رای‌دهندگان از نخست‌وزیر آینده و تعبیر و تحولاتی که در جهت منافع زحمتکشان باید عملی شود سخن می‌گفتند . در بازی‌آباد پسر جوانی که پلاکارد در دست داشت از هواداران صدیق مجاهدین دعوت به شرکت در انتخابات می‌کرد ، در نزدیکی یک حوزه انتخاباتی

صدانقلاب را نقش‌برآب کردند در این انتخابات یکبار دیگر صف جبهه متحد براداری به سرکردگی امریکا در برابر صفوف متحد مردم قرار گرفت سلطنت‌طلبان ، " بختیاری " ها ، لیبرالها بنی‌صدر و وابستگانش ، خلق مسلمانی‌ها بعضی از مراجع تقلید و روحانیون مرتجع دشمن انقلاب ، خوانین و فئودالها و سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و در کنار آنان باند فاسدو ، پیکاری‌ها محاهدین ، اقلیت و ... در برابر مجموعه نیروهای مدافع انقلاب و اسوه میلیونی توده‌ها صف کشیدند . تفاوت چشمگیر این انتخابات با انتخابات قبلی در حمایت یکپارچه و فشرده تمامی مردم و نهادها و نیروهای انقلابی از خط انقلاب بود . در عوض بسیاری از جریان‌ها و عناصری که این بار انتخابات را تحریم کردند ، در دور قبلی انتخابات ریاست جمهوری مبلغین یا حیره و مواحب ( و ایضا بی‌جیره و مواحب ) تمسار مدنی و بی‌صدر بودند . در دور گذشته اگر حنای اینها رنگی داشت و اگر بسیاری از مردم بدون ساخت کافی آراء خود را به صندوق‌ها ریختند این بار با آگاهی و مسئولیت سنج و برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب و تداوم بخشیدن به آن به پای صندوق‌ها رفتند . این نکته بدویزه در میان کارگران و دهقانان و افسار زحمتکش جامعه بیش از هر زمان به چشم می‌خورد . در تهران و شهرستان‌ها و روستاها

روز جمعه دوم مرداد ماه در پایان دوره‌های پرتلاطم و آغاز مرحله‌ای نوی از مبارزه پیگیر مردم ایران ، سرانجام توده‌های میلیونی با حضور یکپارچه در پای صندوق‌های رای مشت محکم دیگری بر دهان امپریالیسم حاکم امریکا و صدانقلابیون رنگارنگ ریز و درشت کوبیدند . صدانقلاب که از قبل می‌دانست پیروزی مردم در این انتخابات به معنای پیروزی خط انقلاب و مشکل‌تر شدن صفوف خلق است مدبوحانه کوشید تا ترفندهای گوناگون موانع و مخاطراتی ایجاد کند . ترور حجت‌الاسلام بهشتی کاندیدای نمایندگی مجلس ، تیتراندازی به سوی حجت‌الاسلام فاضل‌هرندی سرپرست هیات‌های واگذاری زمین و کاندیدای مردم اقلید بمب‌گذاری و سراندازی به پاسداران و مسئولان اجرایی در نقاط مختلف کشور که محر به شهادت بیش از ۱۱ تن از پاسداران و مردم بی‌گناه در روز رای‌گیری گشت از حمله اقدامات مخرب صدانقلاب در تقابل با خواست توده‌های مردم برای تعیین سرپرست خویش و تداوم سرد غلبه امپریالیسم امریکا بود . در کنار این اقدامات بلندگوهای امپریالیستی سبزیس توان خود را برای سم‌پاشی علیه انقلاب و حرکت رزمنده مردم ایران در انتخابات به کار گرفتند . اما علیرغم همه این توطئه‌ها مردم و سازمان‌های انقلابی با سرک هم‌حاشیه در انتخابات نقشه‌های جبهه متحد

## مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



# طرح بیمه بیکاری کارگران طرحی است مثبت اما ناقص

در هفته گذشته، مقام وزارت کار و امور اجتماعی طی یک مصاحبه با خبرنگاری پارس طرح بیمه بیکاری را برای نظرخواهی از کارگران و دست اندرکاران مسائل کار و کارگری... ارائه داد که رئیس آن در روزنامهها درج گردید. با توجه به اینکه مسئله بیکاری از اهم مشکلات کارگران و زحمتکشان میهن ما بوده و هرگونه اقدامی در جهت حل و یا حتی تلاش برای تخفیف و تعدیل آن، مشخصا و مستقیما در زندگی میلیونها توده زحمتکش تأثیر میگذارد لذا ضروری می دانیم، طرح ارائه شده فوق الذکر را به طور جدی مورد ارزیابی و نقد قرار دهیم.

همچنین اظهارات قائم مقام وزارت کار و امور اجتماعی در مورد اینکه با اجرای این طرح ماده ۳۳ قانون کار (قانون کار رژیم سابق) ملغی می شود، البته در صورتی که لغو این ماده با تدوین تصویب و اجرای قانون کار و تأمین اجتماعی منقحی نوینی همراه باشد خواست همه کارگران است. اما طرح ارائه شده متأسفانه یک طرح جامع و اساسی برای مقابله با مشکل بیکاری (که یکی از مسائل حاد و عمده مبتلا به جامعه ماست) نمی باشد. در شرایط کنونی که متجاوز از ۲ میلیون تن از زحمتکشان میهن ما در بیکاری بسر می برند و این امر با جنگ تحمیلی تشدید شده است. مشکل بیکاری در جامعه ما یکی از حادترین مسائلی است که باید هرچه زودتر از طریق طرح های برنامه ریزی های جامع و مرحله ای تخفیف یافته و حل گردد تا اثرات مخربش را به تدریج از دست بدهد. گشایش این مشکل و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی و تأمین حداقل رفاه توده های بیکار و خانواده هایشان امید کارگران و زحمتکشان را به انقلاب و جمهوری اسلامی افزون می کند و بر اتحاد توده ها و استحکام انقلاب در مقابل امپریالیسم پیش ازینش می افزاید. با توجه به این مسئله که به طور کلی بسیاری از سکاران را نه صرفا کارگران بیکار شده، بلکه نیروی کار انسانی جدیدی (که وارد بازار کار می شوند) تشکیل می دهند و هر سال صدها هزار تن بر تعداد بیکاران افزوده می گردد (طبق آمار سازمان برنامه و بودجه هر سال بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر به بازار کار ایران افزوده می شود)، بنابراین ارائه طرح بیمه بیکاری فقط برای کارگرانی که به طور غیر ارادی بیکار شده اند نه تنها کافی نیست بلکه محدود و ناقص است. اکنون بیکاری حتی از فقر و دروغ بودن و در سرگردانگی حواس انسانی این مشکل باشد، هر چند از نظر پیاده شدن و به نفع درآمدش، لازم باشد که مدارحای طی مراحل معینی با کفایت امکانات

دولت جمهوری اسلامی است تا با طرح های انقلابی و موثر و ایجاد امکانات لازم، و ضمن برحورداری از حمایت توده های و متشکل کارگران و زحمتکشان، اصول قانون اساسی (اصل ۳ بند ۱۲، اصل ۲۸، اصل ۲۹، اصل ۴۳ بند ۲) را فراهم آورد. در اصل ۲۸ قانون اساسی دولت موظف شده است که امکان اشتغال به کار را برای همه افراد جامعه ایجاد نماید. در بند ۲ اصل ۴۳ دولت مکلف است که امکانات کار را برای همه کسانی که در سن کار بوده و قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، فراهم آورد. با توجه به این اصول که پایه آنها بر اصل "حق کار" همه افراد جامعه استوار است دولت وظیفه دارد برای هر ایرانی صرف نظر از جنس، ملیت، دین، مذهب، نژاد و عقیده که به سن قانونی کار می رسند به محض اعلام آمادگی برای کار امکان اشتغال فراهم آورد و بر طبق اصل ۲۹ و بند ۱ اصل ۲۸ قانون اساسی، دولت مکلف به تأمین حداقل شرایط معاش برای بیکاران آماده به کار شده است بنابراین طرح ارائه شده به واسطه دامنه شمول محدود آن (که فقط کارگران شاغلی را که "در جریان کار بطور غیر ارادی بیکار می شوند" دربر می گیرد) طرحی محدود و ناقص است از اینرو ضروری است که همه بیکاران را (اعم از کارگران بیکار شده و با کارگران جدید و بیکاران آماده به کار) را شامل گردد. شاید در اینجا عنوان شود که در حال حاضر دولت امکانات کافی برای تحت پوشش بیمه قرار دادن همه بیکاران را ندارد این درست است اما باید توجه داشت که وقتی طرحی برای بیمه بیکاری ارائه می شود باید طرحی با حتم اندازی حتی از فقر و دروغ بودن و در سرگردانگی حواس انسانی این مشکل باشد، هر چند از نظر پیاده شدن و به نفع درآمدش، لازم باشد که مدارحای طی مراحل معینی با کفایت امکانات

... حمایت از هنگام آغاز بیکاری تا اشتغال مجدد متناسب با مدت پرداخت حق بیمه صورت می گیرد. " که این قسمت مبهم و نارسا است و مشخص نمی کند که مدت پرداخت حق بیمه چه تاثیری در پرداخت بیمه بیکاری دارد. قید مدت پرداخت حق بیمه بجز مانع ترافی بیشتر بر راه حل نیست بلکه چه ضرورتی دارد؟ بند ۱۱ طرح مشارکت کارگران، کارفرمایان و دولت را در شورای صندوق که عانی ترین مرجع تصمیم گیری است، تعیین می کند ولی شش ماه نمی کند که نمایندگان کارگران و کارفرمایان به چه سمت و چگونه برکنار این صندوق و در تصمیم گیری شرکت می کنند. آیا متعین شکل های کارگری

در شورای صندوق حضور دارند یا نه و تعداد آنها با تعداد نمایندگان طرف مقابل (اعم از اینکه کارفرما دولت باشد یا بخش خصوصی) به چه نسبتی است؟ قدر مسلم آن است که مسائل مربوط به بیکاران بیش از آنکه به کارفرمایان مربوط باشد به مزدگیران و دولت مربوط است و آنها هستند که می توانند و باید نقش فعالتری در این مورد ایفاء کنند. در بند ۱۲ طرح آمده است:

... رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای قانون به مراجع حل اختلاف مندرج در قانون کار، ارجاع شده است. با توجه به اینکه در مراجع حل اختلاف مندرج در قانون کار فعلی نمایندگان واقعی کارگران حضور ندارند این مراجع در حال حاضر نمی توانند جایی جهت رسیدگی به شکایات قرار گیرند مگر اینکه قانون کار و تأمین اجتماعی منقحی و نوینی تدوین و تصویب گردد و به اجرا درآید. در آن صورت می توان صلاحیت مراجع حل اختلاف را مورد تأیید قرار داد. با توجه به بند ۲۴ طرح، بهر است به جای تشکیل یک سازمان مستقل و مجزا برای وصول حق بیمه، این کار به عهده سازمان تأمین اجتماعی گذاشته شود و از بوجود آمدن تشکیلات عریض و طویل دیگری که جز تشدید گسرسش روابط بوروکراتیک خاصی ندارند، جلوگیری به عمل آید.

در پایان بار دیگر ذکر این نکته را لازم می دانیم که این طرح در مجموع به عنوان قسمتی از طرح بیمه بیکاری می تواند مثبت باشد اما به خودی خود به عنوان یک طرح عاری از جامعیت بوده و ناقص و ناکافی است از اینرو تأکید می کنیم که مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی باید به کمک فعالان نمایندگان شکل های کارگری و صاحبان مسئول و متعهد به انقلاب، در جهت تدوین مجدد یک طرح جامع و منقحی بیمه بیکاری که پاسخگوی حوائج اولیه عامه کارگران بیکار باشد، اقدام نمایند.

## پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

## پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

### ترکمن صحرا

با ایجاد هماهنگی ،

رفع نواقص و اصلاح اشتباهات

« ارگانهای انقلاب را هرچه بیشتر به خدمت زحمتکشان درآورید »

طبق ضوابط مندرج در آئین نامه برداشت محصول تنظیم شده توسط هیات برداشت محصول در ترکمن صحرا ، امسال خرده مالکین و کارگران مهاجر فصلی از سهم بری در محصول علیرغم شرکت آنها در فعالیت های شورائی محروم گردیدند . به دنبال این مسئله خرده مالکان منطقه که قشر وسیعی را تشکیل می دهند و وضع چندان مناسبی هم ندارند لب به اعتراض گشودند و بر این سسر ، زمینهای نقابل بین بخشی از مردم روستاها بر علیه بخشی دیگر فراهم گردیده است . چنانچه در بعضی از روستاها شوراها محور شدند خرده مالکین را در دریافت محصول سهم کند و در برخی دیگر از روستاها اصرار شوراها در پیاده کردن دقیق و کامل آئین نامه " برداشت " اختلافات بین خرده مالکین و دهقانان کم زمین و بی زمین را دامن زد و جنبه ضد انقلاب و فتوادلها هم که مدام بر علیه شوراها و ارگان های انقلابی تبلیغ و سنگ اندازی می کنند از این اختلافات به نفع خود بهره برداری و سوء استفاده نموده و از هیچ کوششی در کنارین خرده مالکین به حربه خود دروغ سمودند . در شرایط کونی در مرحله فعلی انقلاب حذف خرده مالکینی که از وضع معیشتی خوبی برخوردار نیستند از سهم بری محصول و نیز کارگران مزدگیر که به دلیل وضع ناسامان کشاورزی و جامعه روستائی محبور به مهاجرت فصلی از روستاها شده و در شهرها به کارگری اشغال دارند و ناگون سستری همکاری را در زمین های

شورائی داشته اند عملی است غیر اصولی که عواقب سوئی به دنبال خواهد داشت . خرده مالکینی که زمین هایشان در دوران رژیم سابق توسط زمین داران بزرگ فتوادلها و نوکران رژیم شاهنشاهی غصب شده و طعم فقر و ورشکستگی را چشیده و سال های سال زندگی پرمشقتی را سپری کرده اند در حال حاضر احتیاج به کمک هایی از جانب دولت دارند . آنها که در اکثر نقاط کشور به همراه دهقانان زحمتکش روستاها بر حد توان خویش در جنبش دهقانی شرکت داشته اند و در ایجاد و ادامه فعالیت اکثر شوراها سهم و شریک بوده اند ، انتظار دارند که با کوتاه شدن دست زمین داران

بزرگ و فتوادلها و برجیده شدن بساط ظلم و تعدی از روستاها مافع آنها نیز در حدی معقول تا مین گردد و بهبود شرایط روستاها شامل حال آنها هم بشود . حذف آنان از بهره گیری از ثمرات انقلاب در شرایطی که آنها به نوبه خود با توجه به به آگاهی و توانائی هایشان قادرند به عنوان بخشی از نیروهای درون روستاها سهم بسزائی در پیشبرد اهداف انقلاب را به عهده گیرند ، نتیجه ای جز ضعیف کردن جنبه ی انقلاب در پی نخواهد داشت و قطعاً از یک طرف ضدانقلاب از اختلافات موجود بیشترین بهره را خواهد گرفت و از طرف دیگر بخش کثیری از ساکنین روستاها در اثر چنین سیاست های زودرس به دلسردی و جدائی از انقلاب کشیده خواهند شد .

مسئولین جمهوری اسلامی باید با رفع این اشتباهات و همچنین برخورد اصولی با کاستی ها و اشکالات درون بعضی از ارگان های انقلابی منطقه و اصلاح رفتار متناقض پاره ای از عناصر این ارگانها که نمونه آن را در گزارشی از روستای گرم آباد مشاهده خواهیم کرد ، گام های جدی در جهت از بین بردن این نقائص ، تعمیق و گسترش

بفیه در صفحه ۲۲

### خبرهایی از روستاهای کشور

با اجرای بند (ج) و (د) توطئه های

زمینداران بزرگ را خنثی سازید!

شهرکرد - بارده ، یکی از روستاهای اطراف شهرکرد است . در این روستا زمین داران بزرگ و خوانین به استثمار روستائیان مشغولند . از جمله می توان از سلطان مراد خان کرم پور و سلطان حسین مردانی نام برد . مرادخان کرم پور تقریباً ۱۵۰ هکتار از اراضی بارده را در اختیار دارد که حدود ۷۰ هکتار آن را به کشت بونجه اختصاص داده و بقیه را بایرنکه داشته است . حسین مردانی برادر مراد مردانی یکی از عوامل کودتا در منطقه فریدن که در حال حاضر فراری است نیز زمین های زیادی را در اختیار

### اقدام جهاد سازندگی

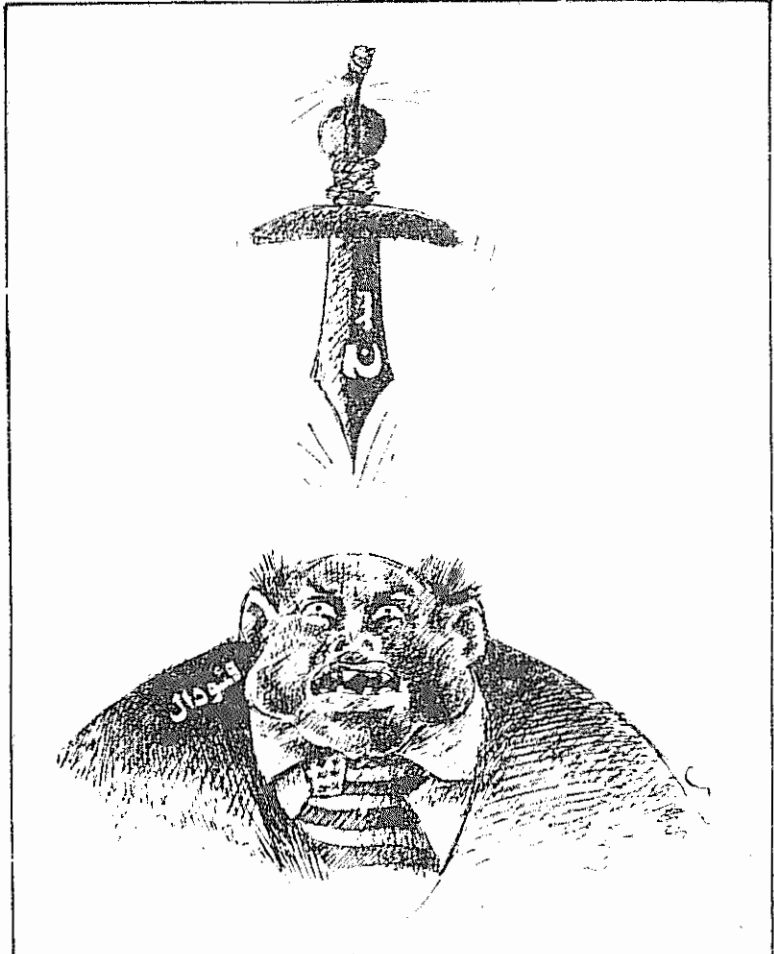
#### گامی در خدمت انقلاب

بیجار - جهاد سازندگی بیجار با اقدام انقلابی خود توانست چند تراکتور فتوادلها را که از آنها استفاده نمیشد مصادره کند و به خدمت کشت و کار منطقه درآورد . جهاد هم چنین هندار داده است که اگر فتوادلها کمیابینها را در فصل درو بخواباند آنها را نیز مصادره خواهد کرد . در ضمن برای جلوگیری از چپاول دسترنج روستائیان منطقه اعلام گردیده است که کمیابینها با قیمت تعیین شده از طرف جهاد در اختیار روستائیان قرار خواهد گرفت . این اقدام جهاد در فصل برداشت محصول می تواند گامی در جهت جلوگیری از هدر رفتن کار و زحمت روستائیان بوده و به خدمت برداشت به موقع گندم و جو افزایش میزان این محصولات درآید .

### تاخیر در اجرای بند ج و د

#### طرح اصلاحات ارضی

به نفع دشمنان انقلاب است



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

از میان اعلامیه ها و نشریات  
شاخه ها و هواداران سازمان

معلمان و دانش آموزان در تعطیلات  
تابستان نیز باید به خلق و انقلاب  
یاری رسانند

شهرکرد: هواداران سازمان در اعلامیه‌ای خطاب به معلمان و دانش آموزان متعهد و انقلابی لزوم شرکت فعال و همه جانبه آنان را در امر آموزش و سازندگی یادآور شده و ضمن انتقاد از روحیه انحصارطلبانه حاکم بر آموزش و پرورش و ممانعت مسئولین از به کارگیری نیروی همه معلمان داوطلب در امر سازندگی جامعه، متذکر شده اند که: "برای به کارگیری معلمان و دانش آموزان در تابستان و استفاده از نیروی آنها، لازم است برنامه‌های منطبق بر نیازهای انقلاب با هم فکری معلمان متعهد و انقلابی تدوین شود چنین برنامه‌ای می‌تواند در برگزیده موارد زیر باشد:

- (۱) - برگزاری کلاس‌های کمک درسی برای دانش آموزان تجدیدی، بخصوص دانش آموزان جنگ زده میهنمان.
- (۲) - تشکیل کلاس‌های سوادآموزی و گسترش آن در محلات و روستاها، و به کار گرفتن نیرو و توان کلیه معلمان و دانش آموزان متعهد به انقلاب.
- (۳) - استفاده از نیروی دانش آموزان و معلمان در جهت سازندگی کشور و کمک رسانی به جنگ زدگان.
- (۴) - تشکیل کلاس‌های بازآموزی به طوری که کیفیت معلمان را در رابطه با شیوه تدریس و آموزش‌های علمی و عملی ارتقا دهد.
- (۵) - تشکیل کلاس‌های کمک‌های اولیه و آموزش بهداشت، جهت معلمان روستاها خصوصا روستاهای دور دست.

سوقصد به جان امام جمعه به شهر  
توطئه ضد انقلاب است

مازندران - شاخه مازندران سازمان طی اعلامیه‌ای با عنوان فوق سوء قصد به جان امام جمعه به شهر را محکوم نموده و نوشته است: "ماطمینان داریم که حجت الاسلام جباری، چون گذشته، در خط مردسی و ضدامپریالیستی امام خمینی، با واقع بینی از جریان استقرار قانون که خارجشم صد انقلابیون است دفاع خواهند کرد."

از اقدامات انقلابی پرسنل زاندارمیری  
منوجان حمایت کنیم

منوجان - هواداران سازمان در منوجان ضمن اعلامیه‌ای اقدام انقلابی پرسنل زاندارمیری منوجان را در سرکوبی قاچاق چیان و اشترار مورد تأیید قرار داده و حمایت خود را از این عمل اعلام داشتند. در این اعلامیه ضمن تشریح اوضاع منطقه و فعالیت ضدانقلابی قاچاق چیان،

ضرورت همکاری وسیع نیروهای بومی و پرسنل زاندارمیری در سرکوبی قاچاق چیان را مورد تأکید قرار داده و خاطرنشان نموده‌اند: "اگر چه اقدام جوانان انقلابی و متعهد در آگاه نمودن مردم جهت از بین بردن اعیان موهتر بوده است، لیکن همکاری نیروهای انتظامی در منطقه ضروری است."

احیرا زاندارمیری منوجان با اجرای برنامه مبارزه با مواد مخدر، مأمورین گشتی خود را به طور شبانه روزی در منطقه گسیل داشته است که تاکنون تعدادی قاچاقچی دستگیر و راهی دادگاهها نموده‌اند این حرکت که در جهت ممانعت مردم و مصالح انقلاب می‌باشد، مورد حمایت است.

خروش خلق، در فریاد

(( مرگ بر آمریکا )) یرتوان توباد

کرمانشاه - عکس‌های فوق صحنه‌هایی از نمایش "سنگر انقلاب" را در محله کارگرنشین "دولت آباد" کرمانشاه نشان می‌دهد. در پایان این مراسم، که با استقبال خوب مردم زحمتکش

شناسائی و دستگیری عوامل باند

بختیار - پالیزبان

هواداران سازمان در مناطق غرب کشور در شناسائی و دستگیری عوامل مزدور وابسته به اوبسی و باند بختیار - پالیزبان، در کنار نهادهای انقلابی و نیروهای مردمی فعالیت می‌کنند. چندماه پیش، فقای ما در شهرستان "صحنه" از توطئه‌های یک شبکه براندازی وابسته به باند بختیار - پالیزبان مطلع شدند که با همکاری سپاه پاسداران اعضای این شبکه دستگیر شدند. از این عناصر مزدور مقادیری اسلحه و اطلاعات وسیعی به دست آمد که مشروح این گزارش در روزنامه کار به چاپ رسید. اخیرا به حکم دادگاه انقلاب یکی از اعضای موهتر این باند به نام "سید یار شاه ابراهیمی" اعدام شد که بلافاصله "رادپو بختیار" از او به عنوان یکی از عناصر فعال وابسته به خود تحلیل کرد. هم‌اکنون تعدادی دیگر از اعضای شبکه براندازی در زندان اوین، در انتظار ساقمه هستند.

عمجین در تاریخ ۶ تیر ۶۰ یک تانکر حمل سلاح و مهمات در نزدیکی کرمانشاه توسط پاسداران توقیف و سه تن سرشنس آن دستگیر شدند. این افراد که متهم به کمک گذاری در شهرهای ایران از جمله سیدان آزادی کرمانشاه هستند، هنگامی که در یکی از روستاها سرگرم بارگیری و جاسازی سلاح‌ها و مهمات بودند به وسیله رفقای ما شناسائی شدند. اسامی افراد دستگیر شده عبارتست از: احمد شیخ محمدی (درجه دار فراری و اسلحه‌بند)، رضا شیخ (اعل روستای بنجه سرپل ذهاب) و مراد ساصل (ماکن دروب گویان).

مردم و نیروهای انقلابی در کنار ارگان‌های مسئول حرکات و اقدامات توطئه‌آمیز ضدانقلابیون وابسته به باند بختیار - پالیزبان و ترال‌های فراری را زیر نظر دارند. اجازه نمی‌دهند این مزدوران نقشه‌های سوم امپریالیسم جنایتکار آمریکا را به اجرا در آورند.

همیاری هواداران به زلزله زدگان  
گلباف

شهر کرد - پس از وقوع زلزله در گلباف کرمان و در پی دعوت سازمان از مردم و اعضا و

محله روبرو شد. پرچم آمریکا به نشانه انزجار و نفرت از دسایس و توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به آتش کشیده شد. "سنگر انقلاب" در چند محله کارگرنشین دیگر کرمانشاه از جمله "شاطرآباد" و شهرک صنعتی در میان کارگران رنگ سازی و تعاونی‌ها و غیره... به نمایش گذاشته شد.



در برتو مشارکت همه نیروهای انقلاب در نمایش "سنگر انقلاب" در کرمانشاه شعار "مرگ بر آمریکا" طنین دیگری یافت

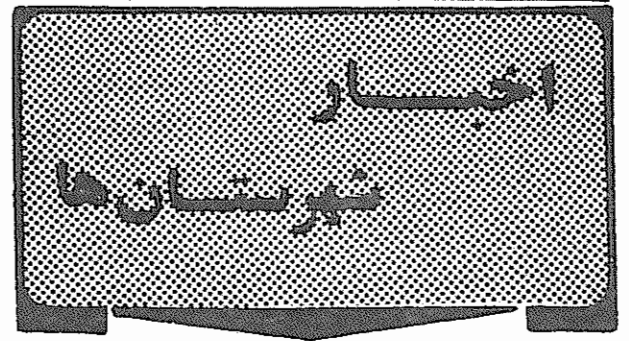
هواداران مبنی بر لزوم کمک به هم‌وطنان زلزله زده گلباف، از طرف هواداران سازمان در شهرکرد، کمک‌های نقدی و جنسی زیادی جمع‌آوری شد که در اختیار ستاد کمک‌رسانی و هلال احمر قرار گرفت.

جمع کمک‌های نقدی هواداران ۱۰۴۰۰۰۰ ریال بوده که ۵۰۰۰۰۰ ریال آن در اختیار ستاد کمک‌رسانی و ۴۴۰۰۰۰ ریال آن به حساب جنگ‌زدگان واریز گردید. کمک‌های جنسی شامل آرد (۱۰۶ کیلو)، چند کارت دارو - سفداری لباس و برس و غیره می‌باشد. همچنین درج این خبر، برای رفقای شهرکرد آرزوی توفیق بیشتر را می‌نمائیم.

هر یکی از رفقا از شهرکرد نام‌هایی که حکایت از روحیه بی‌گبری و بیادبانه او دارد، همراه با قبضه نقدی به زلزله زدگان کرمان، برایمان ارسال نمایند. این رفیق در نامه خود نوشته است: "من مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال و مقداری لباس و مواد غذایی و یک پتو تهیه کردم و به چند مسجد و مرکز مسیح رستم و از آنها خواستم این کمک‌ها را به نام سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بپذیرند. ما سفینه آن‌ها این کمک‌ها را قبول نکردیم. من به تلاش خود ادامه دادم و سرانجام مسئول یکی از مساجد حاضر به پذیرش کمک‌ها شد ولی گفت ما نمی‌توانیم به اسم سازمان بپذیریم، شما اسم یک نفر را بگوئید. من هم کفتم "سید" فرج بختیار" و او هم به همین نام کمک‌ها را پذیرفت و قبض صادر کرد."

بسمه تعالی  
شماره ۱۳  
تاریخ ۱۳۶۰/۴/۴  
مجلس شورای اسلامی  
کمیته فرهنگی و اجتماعی  
دریافت شد  
مجلس شورای اسلامی  
کمیته فرهنگی و اجتماعی  
مجلس شورای اسلامی  
کمیته فرهنگی و اجتماعی





### فعالیت براندازی اشرا و ضدانقلابیون بالا گرفته است

بوشهر - ضدانقلابیون و اشرا با راهزی و اقدامات خرابکارانه به فعالیت محرب خود در مناطق بوشهر و برازجان افزوده اند . بمب گذاری و حمله به مراکز نهادهای انقلابی از جانب گروه های ضدانقلابی در شهرها ، به راهزنان و اشرا مسلح فرصت داده است تا با بستن حاده ها به قتل و غارت مردم بپردازند ، در همین حال ، سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی می کوشد با دستگیری ضدانقلابیون ، مانع گسترش فعالیت های براندازی آنان شود . اخیرا عده های از راهزنان با بستن حاده های حمل گله دار و کنگان - جم به چپاولگری و آزار و اذیت مردم پرداختند که با اقدامات قاطع نیروهای انقلابی مواجه و مجبور به فرار شدند ، این راهزنان از وابستگان خویش و سران طوایف بهادری و رعیعی هستند . در تاریخ ۱۵ تیر ۶۰ میان پاسداران و عده های از اشرا مسلح که به وسیله " غلام معصومی " و " حسن رضائی " رهبری می شوند ، درگیری روی داد که منجر به شهادت سه تن از پاسداران شد . این دو نفر که تاکنون تعدادی از افراد نظامی و مردم بی گناه را به قتل رسانده اند ، پس از انقلاب " امان نامه " دریافت داشتند ولی همچنان به فعالیت های ضدانقلابی ادامه دادند . پاسداران در یک حرکت انقلابی عده های از اشرا و وابستگان آنان از جمله رئیس بسیج حم و روحانی محل بدنام " شیخ محمدتقی " را دستگیر کرده اند و در تعقیب سایر اشرا هستند . در اواسط تیرماه خانه استاندار بوشهر و محل انجمن اسلامی صلح آباد و دفتر حزب جمهوری اسلامی بوشهر از طرف ضدانقلابیون به رگبار بسته شد که خوشبختانه تلفاتی در بر نداشت . در تاریخ ۱۶ تیرماه ۶۰ مقر سپاه پاسداران و شعبه مرکزی یکی از بانک های برازجان نیز با کونکول مولوتف مورد حمله قرار گرفت که دو نفر از مهاجمین دستگیر شدند . در تحقیقات بعمل آمده مشخص شد که ضدانقلابیون در تدارک به آشوب کشاندن بوشهر و برازجان و مناطق اطراف می باشند و در این زمینه با خوانین قشقایی رابطه دارند .

### مردم از اقدامات پاسداران علیه خوانین و فتودالها حمایت می کنند

کهنوج ( کرمان ) - رحمتکشان روستایی و اهالی شهرستان کهنوج از اقدامات ضد فتودالی سپاه پاسداران این شهرستان سرسختانه دفاع می کنند و خواهان ادامه و گسترش فعالیت پاسداران در این زمینه می باشند . خوانین کهنوج و بخش " بیابان " که عموما به کار یاغیگری و قاچاق تریاک و اسلحه مشغولند ، یک لحظه از توطئه علیه انقلاب و روستائیان مبارز این مناطق ، فروگذار نمی کنند . در تاریخ ۵ تیرماه ۶۰ پاسداران انقلابی طی یک درگیری یکی از خوانین معروف منطقه " حنیم رودان " به نام " جلال بیژن پور " را که مشغول حمل تریاک بود به هلاکت رساندند و یکی از همراهان او را دستگیر کردند . در این درگیری دو تن از پاسداران به

شهادت رسیدند . روستائیی که سالها زیر ستم " جلال خان " بودند از شنیدن خبر کشته شدن او شادمان شدند و این خبر به سرعت در مناطق اطراف پخش شد . مردم ضمن حمایت از اقدامات سپاه ، خواهان مبارزه پیگیر علیه خوانین و احرای کامل اصلاحات ارضی هستند .

### دو بالن حامل بمب و وسایل عکسبرداری کشف شد

شیراز - در تاریخ ۲۶ خرداد ماه ۶۰ شب هنگام بالنی بر فراز پالایشگاه شیراز مشاهده می شود که با آتش پدافند سقوط می کند . روی این بالن با خط جینی نوشته هایی وجود داشت ، و بسته های کائوچویی به ابعاد ۴۰x۴۰x۲۰ به آن وصل بود پس از حضور کارشناس در محل مشخص می شود بسته مزبور حاوی بمب دست ساز با قدرت تخریبی زیاد بوده است .

همچنین در تاریخ ۲۹ خرداد ماه ۶۰ اهالی قریه " حایدشت " در ۶ کیلومتری فیروزآباد متوجه شیئی سفید رنگ بزرگی می شوند که پس از اعزام یک تیم از کارشناسان به محل مشخص می شود که شیئی مزبور یک بالن بوده که بر اثر برخورد با درخت متوقف شده است . به گفته کارشناسان این بالن که وسایلی را حمل می کرده ، ماء موریت عکسبرداری و شناسائی داشته است .

### خبرهای کوتاه

- \* عوامل ضدانقلاب و وابسته به امپریالیسم با آتش زدن چند خرمن در مناطق کرمانشاه ، سنقر ، سنندج ، همدان و ... حاصل یک سال تلاش روستائیان زحمتکش را از بین بردند . این تلاش های مدبوحانه عزم روستائیان را در مبارزه با آمریکا ، خوانین و ایادی آنها استوارتر می سازد .
- \* " جهانگیر دری " فتودال و سرکرده ضدانقلابیون در منطقه " صومای برادوست " ( آذربایجان غربی ) که با ضدانقلابیون خارج کشور ارتباط دارد در تاریخ ۷ تیرماه ۶۰ از ترکیه به ایران بازگشته است .
- \* بیش از هفتاد تن از زحمتکشان " فارسان " شهر کرد که در زمین بایری " دکه " زده و شرافتمندانه امرار معاش می کنند از طرف سرهنگ صولتی ( مالک زمین ) تحت فشار گذاشته شده اند . این زحمتکشان از دادگستری تقاضا کرده اند که راه حل مناسبی برای مشکل آنها پیدا کند .

### ضدانقلاب را افشاء کنیم (۱۴)

### سلاح های جدید در دست خوانین قشقایی

● بر اساس اخبار موثق اسلحه های جدیدی در اردوی خوانین قشقایی دیده شده و قرار است سلاح های گوناگون دیگری نیز که از طرف متحدین ضدانقلابی آنها در خارج تهیه شده است ، دریافت کنند .

در همین رابطه ناصرخان قشقایی اعلام کرده است که " باید هرچه زودتر برای مقابله با جمهوری اسلامی آماده شویم " اما خسروخان یا توحه به طرد بنی صدر و شکست سایر متحدین لیبرال خود اظهار داشته است : " که عجله حایز نیست و باید منبعد دقیق تر عمل کنیم " .

این اخبار حاکی از آن است که خوانین مزدور فارس خود را آماده حملات جدیدی علیه انقلاب و زحمتکشان منطقه می کنند .

### از میان نامه ها

### حرف های زحمتکشان

### مدیر لیبرال شرکت مرا به خاطر دفاع از انقلاب اخراج کرد

نشریه کار ارگان زحمتکشان ایران !

● با دروهای فراوان و آرزوی پیروزی برای تمامی زحمتکشان و درود بر سازمان پرافتخار فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

اکنون که این نامه را برای شما می نویسم ساعت ۲ بعد از ظهر است و من در زیر آفتاب داغ در کنار بساط دستفروشی ام نشسته ام . امروز فرصتی یافتم تا با شما از اعمال لیبرال ها ، این دیکتاتورهای که نقاب آزادی خواهی بر چهره کشیده اند ، سخن بگویم .

من تا چندی پیش کارمند فنی یک شرکت بزرگ بودم . مدیران این شرکت که همه وابسته به جنبه به اصطلاح ملی هستند ، شدیداً با کارگران و کارمندان هوادار نیروهای انقلابی بد رفتاری می کنند . آنها از هر دیکتاتوری ، دیکتاتورتر هستند . همانطور که مرا به خاطر افکارم اخراج کردند . و به هواداران خط امام می گویند جاسوس و مزدور . آری این لیبرال های دیکتاتور مرا به بهانه های واهی از حمله تحریک کارگران و کارمندان و یا اینکه چرا در میتینگ میدان آزادی ( در روز اول ماه مه ) شرکت کرده ای و یا روزی در دست تو " کار " بوده است ، اخراج کردند . در صورتی که اگر من چپلوسی آنها را می کردم و به آمریکا و وابستگان آنها از جمله به اصطلاح جنبه ملی کاری نداشتم یا اینکه بر علیه دولت و جمهوری اسلامی با آنها همصدا می شدم مرا به جای اخراج تشویق می کردند که البته این در شان یک کارگر آگاه فدائی نبوده و نیست و من اخراج را ترجیح دادم .

با این حال صرف نظر از ناراحتی ها و مشکلاتی که برایم به وجود آمده لازم دیدم صحنه های جالبی که هنگام رفتن از شرکت دیدم برایتان بنویسم .

هنگام خداحافظی با همکارانم تمامی آنها با چشمانی اشک آلود مرا بدرقه کردند . کارگر نوظافتچی شرکت موقع خداحافظی مرا در آغوش کشید و فریاد زد که همه اعتصاب می کنیم . من او را آرام کردم و توضیح دادم که در چنین شرایطی نباید اعتصاب کرد و از او خواستم که آرامش خود را حفظ کند .

سرایدار سال خورده شرکت که بیش از هفتاد سال سن دارد مرا غرق در بوسه کرد و خلاصه در میان اندوه همکارانم شرکت را ترک کردم .

گرچه در آن روزها می دانستم که تنها اخلاق کمونیستی من توانسته است در دل تمامی دوستانم ایجاد احترام و علاقه کند به این موضوع مهم نیز پی بردم که زحمتکشان علی رغم کارشکنی ها و تبلیغات مسموم ، لیبرال ها ، دوستان و دشمنان خود را به خوبی می شناسند و هیچگاه آنها را فراموش نمی کنند .

دانستم که تا اتحاد و همبستگی زحمتکشان وجود دارد آمریکا و دوستان لیبرالش هیچ غلطی نمی توانند بکنند و از سازمانم آموخته ام که بعد از همه این سختی ها و سردی ها سرانجام پیروز می شویم .

با احترام - کارمند سابق شرکت و دستفروش فعلی

# سیاست مالیاتی دولت باید در جهت منافع زحمتکشان سمت یابد

مالیات‌های غیرمستقیم باید کاهش یابد و در مقابل مالیات بر سود و ثروت سرمایه‌داران افزایش یابد.

لایحه بودجه سال ۶۰ که در فروردین سال جاری تقدیم مجلس شد، سرانجام با تأخیری زیاد، در دستور کار مجلس قرار گرفته است. چگونگی برخورد نمایندگان مجلس شورای اسلامی با لایحه بودجه بیانگر نحوه نگرش آنان به منافع توده‌های محروم و زحمتکش مبین و مصالح انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک مبین است.

ما در "کار" ۱۰۷ در باره کلیات بودجه پیشنهادی سخن گفتیم و در "کار" ۱۱۰ در باره سیاست افزایش صادرات نفت خام که محل اصلی تأمین درآمد بودجه دولت را تشکیل می‌دهد بحث کردیم. در این مقاله بحث ما در باره سیاست مالیاتی دولت است که در بودجه پیشنهادی سال ۶۰ انعکاس یافته است.

دومین منبع عمده درآمد دولت مالیات است. این سؤال مطرح است که دولت مالیات را از چه کسانی می‌گیرد. ما در این جا روشن خواهیم کرد که دولت چه مقدار مالیات و از کدام اقشار جامعه اخذ می‌کند، و این مهم‌ترین پرسشی است که در رابطه با سیاست مالیاتی دولت باید پاسخ داده شود.

در لایحه بودجه سال ۶۰ تأمین ۵۴۴ میلیارد ریال یا ۱۷ درصد از درآمدهای دولت از محل اخذ مالیات پیش‌بینی شده است. با دقت در ارقام ریز بودجه دیده می‌شود که از این مبلغ حدود ۱۱۱ میلیارد ریال آن مالیات بر درآمد شرکت‌های دولتی است. معنی این گفته آن است که دولت مقداری از درآمد شرکت‌های دولتی را که به هر حال منطبق به خود او است تحت نام مالیات به خزانه سرازیر می‌کند - به عبارت دیگر مقداری از درآمد موجود خود را از یک جیب به جیب دیگر منتقل می‌کند. ما بر این سیاست تأکید داریم که دولت باید با افزایش سطح تولید کارخانجات ملی و صادره شده، هم از بیکاری و کمبود کالاها بکاهد، و هم منبع درآمد قابل توجهی برای محارح خود ایجاد کند. اما برای تحلیل درست مالیات‌ها، ما این رقم را از مجموع کسر می‌کنیم و می‌پرسیم که ۴۳۳ میلیارد ریال باقیمانده از کجا تأمین می‌شود؟ چه سهم از این مالیات از جیب سرمایه‌داران پرداخت می‌شود، و کدام قسمت آن بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند؟

## مالیات بر سود سرمایه‌داران

لایحه بودجه پرداخت ۵۶ میلیارد ریال مالیات توسط شرکت‌های غیردولتی منطبق به سرمایه‌داران را پیش‌بینی کرده است. این رقم تنها ۱۳ درصد از مالیات‌ها (از ۴۳۳ میلیارد ریال) را تشکیل می‌دهد. دقت کنید که سرمایه‌داران بابت تمامی سودهای کلانی که می‌برند چه مالیات اندکی باید پرداخت کنند. چندی قبل در مجلس عنوان شد که در سال ۵۹ تجار به تنهایی ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود برده‌اند. چنانچه این رقم برآما ر قابل اطمینانی مبتنی باشد نمایندگان مجلس باید

از دولت سؤال کنند که چگونه سرمایه‌دارانی که متجاوز از ۴۰ درصد درآمدهای دولت درآمد دارند باید تنها ۲ درصد به هزینه‌های دولت کمک کنند.

نکته دوم در رابطه با مالیات بر سود سرمایه‌داران با حساب سازی‌های گوناگون همواره از پرداخت مالیات متناسب با سودهای کلان خود طفره می‌روند، و آن قدر پرداخت مالیات را به تأخیر می‌اندازند تا مشمول مرور زمان شود و یا دولتی نظیر دولت لیبرال بازرگان بدهی‌های معوقه چندین سال آنان را با تخفیف‌های کلان به رقم ناچیزی تنزل دهد. در بهترین شرایط، سرمایه‌داران مالیات سردهای کلان خود را حدود یک سال بعد از کسب آن پرداخت می‌کنند و در طی این یک سال از محل وجوهی که متعلق به دولت و مردم است مجدداً سود می‌برند. ما در همین نوشته خواهیم دید که در مورد زحمتکشان درست برعکس این وضع صادق است و آنها باید مالیات خود را حتی پیش از دریافت دستمزد و حقوق و یا به هنگام خرید کالاهای مصرفی پرداخت کنند.

## مالیات بر ثروت

مبحث این عنوان در لایحه بودجه وصول حدود ۲۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. مالیات بر ثروت عمدتاً آن مالیاتی است که هنگام خرید و فروش زمین، معازنه (سرقفلی) و... دریافت می‌شود و علاوه بر این مالیات بر سرارث است. به این ترتیب تقاسمی این رقم را ثروتمندان - به معنی درست کلمه - پرداخت نمی‌کنند و بخشی از آن بر دوش اقشار متوسط و زحمتکش قرار می‌گیرد. اما ما در تحلیل خود از بودجه این مبلغ را مالیات بر ثروت ثروتمندان و سرمایه‌داران فرض می‌کنیم و نشان می‌دهیم که با وجود این ارفاق سرمایه‌داران مالیات اندکی پیش نمی‌پردازند.

## مالیات بر مستغلات و بهره

لایحه بودجه پیش‌بینی کرده است که در سال ۶۰ از صاحبان مستغلات ۵/۸ میلیارد ریال مالیات دریافت خواهد شد. این پیش‌بینی ممکن است محقق بسود یا نبود. ما به این نکته نمی‌پردازیم، اما چگونه می‌توان پذیرفت در کشوری که اکثر مردم آن فاقد محل سکونت با حداقل شرایط مناسب برای زندگی، و یا اجاره نشین هستند. سرمایه‌داران بزرگی که هر یک در ماه از دهها واحد مسکونی اجاره دریافت می‌کنند چسب رقم ناچیزی بابت مالیات بپردازند. ما اگر فرض کنیم درآمد صاحبان مستغلات از اجاره مسکن در حدود همان سطح دریافتی سال ۱۳۵۶ است، و در مورد درآمد آن سال ۵۶ به آمار دولتی آنکفا کنیم گزایه مسکن دریافتی آن سال به ۲۸۱ میلیارد ریال بالغ می‌شود. با فرض این رقم، صاحبان مستغلات تنها ۲ درصد اجاره‌های دریافتی را بابت مالیات به دولت می‌پردازند. چنین مالیات اندکی چگونه قابل

توجیه است؟ هم چنین است در مورد بهره. برای تمامی بهره‌هایی که صاحبان سرمایه و ثروت دریافت می‌کنند تنها ۲۱۶ میلیون ریال مالیات پیش‌بینی شده است که این رقمی ناچیزبیش نیست.

سهم سرمایه‌داران و ثروتمندان از هزینه‌های دولت

جمع مالیات بر سود شرکت‌های غیردولتی، مالیات بر ثروت، مستغلات و بهره حدود ۸۲ میلیارد ریال است. این تمامی مالیاتی است که سرمایه‌داران بابت سود و ثروت در سال ۶۰ به دولت پرداخت خواهند کرد. این مبلغ ۱۹ درصد از مجموع مالیات‌های پیش‌بینی شده (۴۳۳ میلیارد ریال) و حدود ۲ درصد از جمع هزینه‌های سال ۶۰ دولت یعنی ۳۳۰۰ میلیارد ریال است. مالیات بر دستمزد و حقوق

حال ببینیم کارگران و سایر کارکنان چقدر مالیات می‌پردازند. برطبق لایحه بودجه در سال ۶۰ کارگران و کارمندان بخش دولتی و غیر دولتی باید ۹۰ میلیارد ریال مالیات پرداخت کنند. این رقم را با مالیات پیش‌بینی شده برای سرمایه‌داران مقایسه کنید. در حالی که سرمایه‌داران باید بابت سردهای کلان و ثروت سرشار خود حداکثر ۸۱ میلیارد ریال پرداخت کنند، کارگران و کارمندان فقط ۹۰ میلیارد ریال بابت مالیات مزد و حقوق پرداخت می‌کنند. ما خواهیم دید که این تنها مالیات پرداختی کارگران، کارمندان و سایر زحمتکشان نیست. علاوه بر مالیات‌های زحمتکشان تماماً بطور خطی و از قبیل پرداخت می‌شود و با مالیات اختصاص یافته به سرمایه‌داران که تنها به صورت پیش‌بینی است تفاوت دارد.

در اینجا ذکر این نکته نیز لازم است که در حالی که مالیات بر سود و ثروت از حدود ۵۹ میلیارد ریال در سال ۵۸ به رقم ۸۲ میلیارد ریال در سال ۶۰ افزایش یافته، مالیات بر مزد و حقوق در همین مدت از ۶۰ میلیارد ریال به ۹۰ میلیارد ریال افزایش یافته است. در مورد اول ۴۰ درصد و در مورد دوم ۵۰ درصد افزایش. به عبارت دیگر دولت نه تنها در جهت اصلاح ترکیب نادرست مالیات‌ها پیش نرفته، بلکه متأسفانه تا اندازه‌ای آن را تشدید نیز کرده است.

## مالیات‌های غیر مستقیم

در لایحه بودجه سال ۶۰ متجاوز از ۷۸ میلیارد ریال به مالیات بر مصرف بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نوشابه، سیگار... و بر نقل و انتقال اتومبیل و... تحت عنوان "مالیات بر مصرف فروش" اختصاص یافته است. این رقم بخشی از مالیات‌های غیر مستقیم است. معنی مالیات غیر مستقیم چیست و بار عمده آن بر دوش کدام اقشار جامعه سنگینی می‌کند؟ از بهای فروش بسیاری از کالاها مبالغ معینی بقیه در صفحه ۲۰

اعلامیه مشترک

# احزاب کمونیست و کارگری

## کشورهای عرب

مصوبه آوریل - مه ۱۹۸۱

حزب کمونیست اردن - جبهه آزادیبخش بحرین - حزب کمونیست تونس - حزب پیشرو سوسیالیستی الجزایر - حزب کمونیست عربستان سعودی - حزب کمونیست سودان - حزب کمونیست سوریه - حزب کمونیست عراق - حزب کمونیست لبنان - حزب کمونیست مصر - حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش

مانندگان احزاب کمونیست کشورهای عرب برای بحث بیرونی اوضاع جاری در کشورهایشان با هم ملاقات کردند در این ملاقات وظایفی که این احزاب در شرایط حساس کنونی و خطیر با آن مواجه می‌باشد و به ویژه تهدیدات و تجاوزات اسرائیل و امپریالیسم امریکا با یورش دشمنانه به سوریه و حملات نابود کننده به جنوب لبنان و متوجه کردن ضربات علیه جنبش مقاومت فلسطین را مورد بررسی قرار دادند.

### تیرگی اوضاع جهانی و

### افزایش فعالیت‌های تجاوزگران امپریالیسم

تحولات و دگرگونی‌های جدید در کشورهای عربی خاورمیانه در شرایطی صورت می‌گیرد که مبارزه بین نیروهای سوسیالیسم جنبش‌های رهاییبخش و نیروهای مدافع دیکتاتوری و صلح از یک طرف و نیروهای امپریالیستی، تجاوزکاران جنگ‌افروزان و سرکوبگران آزادی‌های دموکراتیک از سوی دیگر تشدید و گسترش یافته. این مبارزه زمینه‌های سیاسی ایدئولوژیکی و اقتصادی را دربر می‌گیرد. امپریالیسم جهانی به سرکردگی ایالات متحده امریکا می‌کوشد جلوی پیشرفت‌های مهم و ملموسی که در راه تحقق صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز رهایی، استقلال حلقه‌ها و ترقی اجتماعی صورت گرفته بگیرد. امپریالیسم امریکا با کلیه شیوه‌ها برای افزایش میزان سلاح‌ها و گسترش استقرار نوسنگ‌های اتمی در اروپای غربی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در نقاط مختلف جهان کوشش می‌کند. امپریالیسم به تشنج و بحرانی کردن روابط با اتحاد شوروی و کشورهای اردوگاه سوسیالیسم دامن می‌زند و موجب شده که اوضاع جهانی در مقیاس وسیعی متشنج و تیره شود.

مداخله امپریالیسم در شؤونات داخلی کشورها و امور خلفها افزایش یافته و برای صدور ضدانقلاب و توجیه عملیات جنایتکارانه خود علیه جنبش‌های رهاییبخش فعالیت می‌کند. امپریالیسم مدعی است که این جنبش‌ها تروریسم بین‌المللی می‌باشد. و اتحاد شوروی در پشت سر آنها قرار دارد. امپریالیسم همچنین فعالیت‌های خود برای تسلط بر منابع و ثروت‌های طبیعی کشورها و درآمدهای آنها را گسترش داده و استثمار حلقه‌های جهان را تشدید نموده است. در سیستم جهانی امپریالیسم تغییرات عمیقی به وجود آمده بدون آنکه یک نظام انحصاری جهانی عادلانه جایگزین آن شود. امپریالیسم در رهبری چین هم پیمان کاملی برای اجرای بوطقه‌های خود پیدا کرده است.

و خامت هرچه بیشتر بحران عمومی جهان سرمایه‌داری موجب تعمیق و تشدید این سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا شده است. بعد از به قدرت رسیدن رگ‌ان این وضع شدت یافته و تهدیدات خطرناکی برای صلح جهانی بوجود آمده است. خطر ایجاد یک جنگ هسته‌ای نابود کننده افزایش یافته است.

### واکنش اتحاد شوروی

### آمادگی دفاعی و طرح‌های صلح طلبانه

اتحاد شوروی قاطعانه با این سیاست امپریالیسم به مخالفت برخاسته و در مقابل آن سیاست صلح، آرامش، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری متقابل را مطرح می‌کند. برنامه کنگره ۲۶ حزب کمونیست برپرویی اتحاد شوروی از سیاست تحقق صلح جهانی و تقویت آن با ابتکارات جدید تاکید می‌کند. این برنامه استمرار سیاست اتحاد شوروی را در تقویت مبارزات رهاییبخش حلقه‌های جهان و مواضع آن علیه صدور ضدانقلاب و علیه هر نوع توطئه و تجاوز به خانواده کشورهای سوسیالیستی نشان می‌دهد. اتحاد شوروی به جای سیاست بکار بردن زور و فوه قهریه که امپریالیسم همیشه آن را مطرح می‌کند ابتکار انجام مذاکرات را طرح کرده و آن را یگانه راه حل معقول برای حل مسائل مورد اختلاف معرفی کرده است.

این امر موجب شده که ماهیت سیاست امپریالیسم هرچه

بیشتر برای خلفهای جهان آشکار شود و عق نیت تجاوزکارانه آنان برای مردم روشن و در پیشگاه مردم رسوا شوند. این سیاست اتحاد شوروی باعث جلب خلقها به امر برقراری صلح و آرامش و علیه خطر جنگ شد. طرح‌ها و ابتکارات صلح‌طلبانه اتحاد شوروی در محافل سیاسی و در میان حلقه‌های جهان انعکاس وسیعی داشته است. احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب پشتیبانی و تایید کامل خود را از این ابتکارات صلح‌طلبانه اعلام می‌دارند و افکار عمومی در کشورهای عرب‌رأبه نایب‌دین طرح‌ها و بسیج در پیرامون آن دعوت می‌کنند.

### کامیابهای جنبش انقلابی جهان

طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری پیروزی‌های گوناگونی در مبارزه علیه انحصارات و حفظ دستاوردهای سیاسی اقتصادی و تکامل آن به دست آورده است. جنبش‌های آزادیبخش ملی در جهان به پیروزی‌های بزرگی در اکثر نقاط جهان نائل آمده است و محتوای آن تعمیق یافته است این پیروزی‌ها به صورت خاصی در استقرار رژیم‌های انقلابی در اتیوپی، افغانستان، آنگولا، موزامبیک و در پیروزی انقلاب ایران نیکارگفته و سرنگونی رژیم نژادپرست زیمبابوه و تحقق استقلال آن منعکس می‌باشد. انقلاب ایران صرف نظر از ابهامات، کرها و مشکلاتی که با آن مواجه است به تغییر موازنه قوا به نفع جنبش‌های آزادیبخش ملی در منطقه و تقویت مبارزات خلق عرب فلسطین کمک کرده است.

### دستاوردهای جنبش رهاییبخش

### ملی عربی

در جنبش رهاییبخش عرب نیز دستاوردهای مهمی به دست آمده است در جمهوری دموکراتیک خلق یمن یک رژیم مترقی روی کار آمده است. جنبش مقاومت فلسطین نفسش مهمتری پیدا کرده و اهمیت آن در سطح جهانی بیشتر شده است. احزاب کمونیستی و کارگری و نیروهای ترقیخواه نیز نقش مهمتری پیدا کرده‌اند طبقه کارگر و سازمانهای سندیکایی آن پیشرفت و گسترش یافته‌اند و ایده‌های سوسیالیسم علمی در جهان عرب نفوذ و گسترش پیدا کرده است. در همان حال بینش‌ها و افکار ارتجاعی و شوونیسم ملی روز به روز عقب نشینی می‌کنند رشتنهای دوستی و همکاری بین خلفهای عرب و اتحاد شوروی ریشه گرفته است که از مظاهر آشکار آن می‌توان از انعقاد پیمان دوستی و همکاری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با هریک از کشورهای عرب سوریه و یمن دموکراتیک نام برد. در مقابل آن در چهارچوب جنبش رهاییبخش ملی عرب مشکلات و عقب‌نشینی‌هایی بوجود آمده که منجر به برگشت بعضی از رژیم‌های ملی شده است.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا خارج از استرانی عمومی آن در برابر پیروزی‌هایی که در اثر مبارزات سمنبروی انقلاب جهانی یعنی اردوگاه سوسیالیسم، جنبش رو به تکامل کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش آزادیبخش ملی بدست آمده و اثرات مثبتی بر اوضاع کلی جهان داشته‌اند یورش خود را علیه سوسیالیسم جهانی، جنبش‌های آزادیبخش ملی و ار حمله جنبش‌های رهاییبخش عربی تشدید نموده است.

هدف این یورش در منطقه ما بازگشت سطره امریکا بر منطقه و نابودی انقلاب فلسطین و از بین بردن دستاوردهای جنبش آزادیبخش ملی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ایجاد شبکه‌ای از پایگاه‌ها و یک رشتن پیمان‌ها است. امریکا می‌خواهد با بکار گرفتن این امکانات در جهت منافع استراتژیک خود و سرکوب نیروهای انقلابی منطقه و درهم شکستن پیمان‌های دوستی اتحاد شوروی با کشورهای عربی و مقابله با پایکوت سیاسی رژیم منزوی شده سادات و بازگرداندن اعتبار آن، ارتجاع عربی را در محورهایی که در خدمت دیسپنسه‌های امپریالیسم باشد متحد کند.

حفظ سطره امپریالیسم بر نفت و گاز. منابع طبیعی، راه‌های حمل و نقل، بازارها و غارت ثروت‌های منطقه و تضمین ایقای درآمدهای نفت در خدمت مصالح امپریالیسم برای باری دادن به آن در جهت تخفیف بحران اقتصادی رویه و خامت جیان سرمایه‌داری و نیز تحقق نقشه‌های وابستگی اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه از هدف‌های مهم امپریالیسم می‌باشد این یورش امپریالیستی تاکنون به نتایجی رسیده ولی نتوانسته است به تمام هدف‌های خود دست یابد.

### راس نیزه: توطئه کمپ دیوید

انعقاد پیمان کمپ دیوید نشانه بارز این یورش امپریالیستی می‌باشد که هدف آن بستن یک پیمان نظامی دشمنانه در جهت منافع صهیونیسم، تبدیل حق حاکمیت فلسطین به "خودمختاری اداری" و نهی کردن آن از جوهر و محتوای اساسی یعنی بازگشت به سرزمین خود و تعیین سرنوشت خویش به دست خود و ایجاد یک دولت ملی و مستقل و مبارزه با الحاق سرزمین‌های عربی به اسرائیل می‌باشد.

این پیمان راه را برای تحمیل سلطه نظامی و اقتصادی امپریالیسم بر منطقه و برانگیختن اختلافات و منازعات منطقه‌ای، قومی، دینی و مذهبی و جدا کردن بعضی از حلقه‌های عرب منطقه از بعضی دیگر باز کرده است. پیمان خائنانه کمپ دیوید جوآنتی کمونیسم را دامن می‌زند و در جهت دور کردن اتحاد شوروی از مشارکت در حل بحران خاورمیانه و محروم کردن جنبش آزادیبخش عرب به‌ویژه جنبش فلسطین در مبارزات عادلانه خود از این پشتیبان امین و استوار فعالیت می‌کند.

علیرغم خطراتی که معاهده کمپ دیوید با انتقال مصر به اردوگاه دشمن برای جنبش آزادیبخش عربی بوجود آورده است و علیرغم کوشش‌های وسیعی که امپریالیسم امریکا و دیگر هم پیمانانش از اسرائیل، سادات و دولت‌های اروپای غربی و زامداران مرتجع عرب گرفته تا نقشی که بین‌الملل سوسیالیست ایفاء می‌کنند. معاهده کمپ دیوید امروز با یک بن‌بست حقیقی مواجه شده است.

### کمپ دیوید در بن بست

معاهده کمپ دیوید با مخالفت عمومی حلقه‌های عرب مواجه شده و نیروهای ملی و ترقیخواه مصر از آغاز در برابر آن ایستادگی کردند. حملات مخالفان این پیمان روز به روز گسترش می‌یابد. نوده‌های خلق عرب فلسطین در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه بر علیه توطئه "خودمختاری" به مبارزه برخاسته‌اند. سوریه، انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بطور قاطع در برابر خطر کمپ دیوید ایستادگی می‌کنند.

کمیته سوجیه ملی و جبهه ملی در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه نقشی اساسی در قیام توده‌های خلق عرب فلسطین در سرزمین‌های اشغالی ایفاء کرده‌اند. حزب کمونیست اسرائیل "زکاح" این پیمان را به شدت محکوم کرده و به نوبه خود در داخل اسرائیل نقش اساسی در تقویت مبارزه خلق فلسطین بازی کرده است. محکومیت قاطعانه سیاست خائنانه سادات از جانب حلقه‌های عرب در کنگره خلق عرب به‌عنوان چهارچوبی برای فعالیت مشترک نیروهای مختلف جنبش آزادیبخش ملی عرب انعکاس یافت. در سطح رسمی، دولت‌های ملی و ضد امپریالیست در سوریه، لیبی و الجزایر و یمن دموکراتیک و سازمان آزادیبخش فلسطین به سرعت این پیمان را محکوم کردند و در جهت همبستگی و هماهنگی مواضع خود و مقاومت در "جبهه پایداری" سرعت عمل به خرج دادند. تحت فشار توده‌های خلق عرب و متاثر از جبهه پایداری بیشتر کشورهای عرب پیمان کمپ دیوید رارد کردند. این موضوع در دو کنفرانس عالی سران کشورهای عرب در بغداد و تونس انعکاس یافت. در سطح جهانی هم پیمان کمپ دیوید با مخالفت



اعلامیه مشترک

نصفه از صفحه ۱۲

حسب و خبر و اعتراف همه اعلام همبستگی می‌کند . و از نیروهای دمکرات عرب و جهان می‌خواهد که در این همبستگی با آنها سهیم بود .

همبستگی بی‌وزنی بدون بی‌اندازه‌ها و نیروهای میهن پرست و انقلابی بدست نمی‌آید

سود طعمانی و ساسی در میان نیروهای ملی و انقلابی سنی سنی اینها می‌گردد و سانس صورت و حد در مبارزه علیه امپریالیسم می‌باشد . بحربه مبارزه طولانی بر این واقعیت تا کند دارد که نیروی‌هایی که حسیس راهی بخت ملی بدست آورده ما آنچه که طبقات و گروههای اجتماعی ضدامپریالیست از هم پیمانی ، پیوند و تعالیت مشترک بدست آورده اند و یابرای تحقق آن تعالیت کرده اند ارتباط دارد سختی ها و شکست های موفق این جنبشها با انتخابات و احتلافا ت در صف واحد و درگیری های این نیروها با همدیگر مظان بوده است . تشکیل حسیه میینی و همبستگی و اتحاد نیروها بر اساس یک برنامه ملی و دمکراتیک در سطح هر کشور و در سطح کلی جهان عرب عسیت می‌باشد . بدونی که بتواند نوده های خلق را در مبارزه استوار علیه امپریالیسم ، ارتجاع و صیونیزم و برای تحقق دمکراسی و پیشرفت اجتماعی بسیج کند .

چسبه باید تقویت همبستگی با نیروهای انقلابی جهان و پیاسیش آن اتحاد سوری و کشورهای اردوگاه سوسیالیسم را مد نظر قرار دهد . همچنانکه ممکن است یک همبستگی برای هدف های محدود و مناسب با مامیت و شرایط مرحله کنونی انقلاب فراهم آید .

امروز طبقه کارگر نواناسی آن را دارد که تنش اساسی را در این بیوندها و به سوری رساندن آن در دست گیرد . خنده کارگر بیش از هر نیرویی توانایی تعالیت درجیت جهانی ملی با به آخر را دارد و قادر است از مصالح بودن های خلق دفاع و آن را منعکس کند .

حسیه دمکراتیک ملی و ضدامپریالیست باید بر اساس احترام متقابل به استقلال سیاسی ، تسکیلاتی و ایدئولوژیکی . کلیه شرکت کنندگان در حسیه باید وجه صورت یک ارتجاع سیاسی تسکیلاتی فعال ، وحدت و همبستگی سوری های خود را در حسیه جمع های بودهای بوجود آورد .

برای آنکه حسیه ملی بتواند مصر مطلوب خود را ایجاد کند ، دست گرفته باید بر اساس دو جنبه اساسی : اول : ایجاد یک حسیه سوری بر پایه یک تعالیت سوسیالیستی و دوم : ایجاد یک حسیه ملی در سطح هر کشور و در سطح کلی جهان عرب . حسیه ملی باید به نقش و تعالیت بنیادهای فانونی احترام بگذارد . تجربه نشان داده که عدم رعایت این اصول و قواعد منجر به تضعیف حسیه و فلیخ کردن تعالیت سیاسی ، فکری و ایدئولوژیکی و سازمانی حسیه و تبدیل آن به یک ارگان شکلی ( فرمالیته ) از بالا و جدا از نوده می شود . که منجر به نابودی و سقوط آن خواهد شد . شکست حسیه میینی دمکراتیک ترقیخواه در عراق عنال با زری از صحت این دیدگاهها رایج دست می‌دهد .

نجر به حسیه میینی در عراق درس خوبی است که باید به دست مورد توجه قرار گیرد و برای تضمین استمرار فعالیت حسیه های و تحکیم پیوند ملی و تقویت و تکامل آن لازم است مراعات شود .

پیوند با اتحاد سوری

پیوند جنش رهایی بخش ملی عربی با اتحاد سوری ضرورتی است که بر بیان هدف های محکمی ایجاد شده و از مصالح خلقیای ما در تقویت و حکیم استقلال ملی و تحقق پیشرفت اجتماعی و تضمین صلح و امنیت جهانی سرچشمه می‌گیرد . چنین پیوند و همپیمانی با اتحاد سوری یک مانع حقیقی در مقابل اجرای دسیسدهای امپریالیسم و صهیونیزم ایجاد خواهد کرد . امپریالیسم و مردوزرائش بطور مداوم در جهت تضعیف و تخریب روابط دوسانه اعراب و سوری فعالیت می‌کنند و این فعالیتها بعد از خیانت سادات افزایش یافته است . گرچه این کوششها در برابر آگاهی خلقیای عرب و مبارزات آنان و درک درست آنان از اهمیت فراوان روابط همپیمانی و همبستگی با اتحاد سوری و رغبت خلقیای عرب به حفظ و تقویت آن با شکست مواجه شده است .

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب صمیمانه با اتحاد سوری این خلقه عظیم و محکم ساززات ملی جهان برای صلح ، استقلال خطیای ، دمکراسی و سوسیالیسم ستایش می‌کند . احزاب ما به سوره وجدان بدار وسیع ترین بخش نوده های خلق و نیروهای ملی و ترقیخواه کشورهای عرب عمیق ترین احساس امتنان و قدردانی خود را از اتحاد سوری و حزب بزرگ آن به خاطر کنکهای کنسوده های که در زمینه های مختلف و به اشکال گوناگون سیاسی ، اقتصادی فنی و نظامی بد خلق های ما و برای پاسرد مبارزات ملی و اجتماعی داده و می‌دهد ابراز می‌دارد .

مبارزه با ارتجاع

مبارزه با ارتجاع عرب جز لاینجزای مبارزه برای درهم شکستن و حسیس کردن نوظنه های امپریالیستی - صیونیستی و مقاومت در برابر بورش امپریالیسم می‌باشد . خطرات ارتجاع سعودی که نفس تحریبی باری می‌کند نه تنها

در سطح کشورهای حلیخ ، اسلامی و عرب بلکه در سطح یک بد کشورهای سرمایه داری پسرینده بطور مداوم افزایش می‌یابد . حکام سعودی در این مورد از امکانات مالی و فنی که در حوره تدریب آنها - اسناده می‌کنند همچنانکه از نوعیت مذهبی کشورهای برای حذیت به مصالح خود و ممانع امپریالیسم بری برداری می‌مانند . عرسسان سعودی امکانات مالی خود را برای نابودی دساورد های اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن امکانات مالی برای عملی کردن نوظنه علیه رژیمها و نیروهای ملی به کار می‌گیرد . کشورهای ارتجاعی صادر کننده نفت به رهبری عربستان سعودی در تولید نفت و صرف درآمد های حاصل از آن ساسی را در پیش گرفته اند که عملا به صورت سلاحی در خدمت بیان امپریالیسم - صیونیسم و ارتجاع عرب در آمده است این رژیمها تحت شعار " احساس مسئولیت در برابر جامعه جهانی " تولید نفت و عرضه آن در بازار های سرمایه داری جهانی را بالا برده اند و در شرایطی که نرخ واردات این کشورها از کشورهای غرب به حداقل بالا رفته نفت را با قیمت بسیار نازل عرضه می‌کنند .

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب در حالی که این سبب را محکوم می‌کنند از نوده های عرب نیز برای مبارزه علیه آن و تحقق شعار "نفت اعراب برای اعراب " دعوت می‌نمایند .

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب نگرانی شدید خود را از نشیخ میزبند در منطقه غرب میهن کبیر عربی ابراز می‌دارند و از دسیسه جینی و آتش افروزی های امپریالیسم در منطقه که ارتجاع عرب به اشکال مختلف آن را تقویت می‌کند . ابراز انزعاج می‌کند . این احزاب کلیه خلقیای و نیروهای ضد - امپریالیست را به اشتراک مساعی و فعالیت برای خنثی کردن نوظنه های امپریالیسم و کوشش برای برقراری صلح و حل مسالمت آمیز اختلافا ت غنابین دعوت می‌کند .

بر آوردن خواست های اساسی زحمتکشان

برای دست زدن به مبارزه پیروز مندانه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای تحقق نحلوات ملی و دمکراتیک احزاب کمونیستی و کارگری بیش از پیش به خواست ها و مبارزات طبقه کارگر و دیگر اشزار زحمتکش علیه استثمار بورژوازی اهمیت می‌دهند . اشکال مختلف بورژوازی ، افزایش قیمت ها و بحران مسکن ، نابرابری بودن امور بهداشت و درمان در کشورهایی که سوری سرمایه داری بیکانه و محلی فدالییت می‌کنند به شکل جدی بر سطح زندگی کارگران ، کشاورزان ، زحمتکشان و کلیه بخشها و اشزار خلق که فعال هستند تاثیر گذاشته است احزاب کمونیستی و کارگری برای بر آوردن خواست های حیاتی زحمتکشان فعالیت می‌کنند .

در زمینه پیشرفت های اقتصادی متفاوت در کشورهای عرب ، باید گفت : در دهسال اخیر ، پدیده مهاجرت نیروی کار از تعدادی از کشورهای عرب که مناسبات سرمایه داری در آن حاکم است به کشورهای تولید کننده که به نیروی کار احتیاج دارند سرعت بیشتری یافته است . مهاجرت کارگران بر افزایش آگاهی طبقانی آنان تاثیر منفی گذاشته و نیروهای معینی در کشورهای مرتجع این عدم رشد آگاهی طبقانی کارگران را برای جدایی و تفرقه در صف واحد ( وحدت ) طبقه کارگر به کار می‌گیرند و این خطری است که ناشی از محرومیت کارگران مهاجر حتی از حقوق سندیکیایی اجتماعی و فرهنگی است که کارگران محلی از آن برخوردار می‌باشند .

از سایر نیروها و سازمان های ترقیخواه و سندیکایی عرب دعوت می‌شود که به دفاع از وحدت مبارزات کارگران و حقوق آنان و مصالح مشترک آنها صرف نظر از تابعیت کارگران برخیزند .

جنبش های سیاسی اسلامی

مبارزه ضدامپریالیستی ، ضد دیکتاتوری و ضد ستم اجتماعی و ضد فساد و مبارزه برای حمایت از استقلال ملی گروههای اجتماعی وسیعی از حمله جنبش های سیاسی با عنوان اسلامی به خود جذب کرده است این پدیده تازه ای نیست و مبارزه ضد - امپریالیستی در گذشته نیز شاهد شرکت موثر و مثبت رهبران دینی میهن دوست در این مبارزات بوده است .

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای عرب به خاطر اهداف سترگ ، در جهت وحدت و اشتراک مساعی با این جنبش های اسلامی و سایر جنبش های میهنی دیگر فعالیت کرده و می‌کند . در مقابل این کوششها ، امپریالیسم و ارتجاع می‌خواهند بین این جنبشها و جنبش های ملی دیگر سنگ اندازی کنند و ایستادگی نمایند . احزاب ما در همان حال در برابر این پدیده اجتماعی هم هوشیار هستند که نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی کوشش می‌کنند : زیرپوش فعالیت دینی گروه های ارتجاعی و وابسگرا را به کار گیرند و در وحدت ملی تفرقه و جدایی به وجود آورند ، آنها این گروهها را تشویق می‌کنند که دشمنی با کمونیسم و هر نوع پیشرفت اجتماعی را دامن بزنند و آتش اختلافا ت دینی و مذهبی را شعله ور کنند و به این ترتیب این گروهها در خدمت مقاصد امپریالیسم و ارتجاع قرار می‌گیرند چنانکه دارودسته اخوان المسلمین امروز این کار را در سوره انجام می‌دهند .

باید هوشیار بود آن دسته از گروههای ارتجاعی که در زیر پوشش شعارهای دینی و مذهبی پنهان شده اند در غیاب آزادی های دمکراتیک و در سایه فراهم کردن محدودیت و

اعلامیه مشترک

بعد از صفحه ۱۳

تنگنا برای احزاب و جنبش‌های انقلابی به ویرانه احزاب کمونیستی و سرکوب آتپا زمینه پیدا کرده و تقویت می‌شوند .

پشتیبانی از خلق کرد و حق تعیین سرنوشت

وضع گیری در مورد ملیت‌های موجود در کشورهای عربی مسئله مهمی در متحد کردن همه امکانات و نیروها در مبارزه بزرگ علیه امپریالیسم و صهیونیسم می‌باشد . جنبش رهایی‌بخشی ملی کرد دوازدهمین جنبش رهایی‌بخش ملی عرب برای استقلال و حاکمیت ملی و رهایی ملی و بپره‌مند شدن از حقوق ملی مبارزه کرده است . شعار مبارزه مشترک خلق‌های کرد و عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع دورنمای درختانی در مبارزه رهایی‌بخشی انقلابی در این کشور بوجود آورده است مسئله ملی و آزادی خلق کرد جز لاینجراه دیگر کسی می‌باشد و با سرکوب ، تیر و نابودی یک خلق آزادی‌های دمکراتیک تحقق نمی‌یابد . همچنانکه طایفه واتیب را در عراق ، ایران و ترکیه می‌بینیم . خلق کرد عراق از دهیای سال پیش تا به امروز مورد حمله یک یورش صهیونیستی و حیثانه ترا گرفته است . سیاست عربی کردن و میاجرت اجباری خلق کرد به دیگر مناطق عراق و خارج از آن ، ممنوعیت استفاده از زبان کردی در آموزش و پرورش ، مبارزه با رشد و شکوفایی فرهنگ ملی خلق کرد و تحمیل یک جنگ نابودکننده سیاست‌هایی است که علیه خلق کرد اتخاذ شده است احزاب کارگری و کمونیستی در کشورهای عرب از حقوق خلق کرد در دانستن حق تعیین سرنوشت حمایت می‌کنند و از راهی که خلق کرد عراق انتخاب کرده یعنی راه مبارزه مشترک و اتحاد با خلق برادر عرب عراق علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع و بر اساس استیفای حق خودمختاری در چهارچوب نظام دمکراتیک در عراق بطوری که اولیت‌های ملی دیگر از حقوق اداری و فرهنگی بزرگوارتر باشد حمایت می‌کند .

وظایف کمونی

وظایف اساسی که احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب برای آن مبارزه می‌کنند در اوضاع سیاسی جاری به این شرح است :  
- مبارزه در جهت مقابله با یورش امپریالیسم و حتی کردن آن با فعالیت برای نابودی عتیدنامه‌های کم‌دیوید و عدم توسل به هر نوع معاهده سازش‌طلبانه دیگر .  
- مبارزه علیه هر نوع پایگاه و پیمان نظامی و تمامی اسکال مختلف حضور نظامی امپریالیسم آمریکا .  
- تقویت بایبدری سوریه در برابر فشار امپریالیسم آمریکا صهیونیسم و ارتجاع و تقویت بایبدری آن در برابر تیدیدات اسرائیل و تمامی یوئنه‌های داخلی و خارجی .  
- حمایت از مبارزه خلق فلسطین برای بازگشت به سرزمین خویش و تعیین سرنوشت خود بد دست خویش و برپایی دولت مستقل در سرزمین ملی خود و بد رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین نه عنوان یگانده نماینده متروغ و فانونی خلق فلسطین - ناپید و پشتیبانی از جنبش ملی لیبان در دفاع از وحدت لیبان و استقلال ملی و عربیت لیبان و بیینرفت دمکراسی در این کشور و علیه عملیات دشمنانه و تجاوزکارانه اسرائیل و بر حق تفاوت و حضور در اراضی لیبان .  
- همسنگی با جنبش ملی مصر و عنصر پیشار آن یعنی حزب کمونیست مصر در مبارزه علیه رژیم سادات و پیمان کم‌دیوید و برای بازگشت سادات کامل مصر بر سرزمین سنا و بابا دان در وایسکی اقتصادی مصر به امپریالیسم و صهیونیسم .  
- تقویت و تحکیم مبارزه حزب کمونیست سودان و بنایی سروهای ملی و دمکرات در مبارزه آبان علیه رژیم نظامی دیکتاتوری و حکومت نردی و درخواست آزادی دستگیرشدگان ما رام‌ها و مسلک‌های مختلف سیاسی و سیاسی آن رهبری حسن سندیگانی سودان .  
- پشتیبانی از سروهای ملی در سودان و عمان و سومالی در مبارزه با رژیم‌های غلبه رژیم‌های حاکم که برخلاف اراده بوده‌های عرب و خصمات کنگره‌های خلق عرب و اجتماع بران عرب به برقراری روابط با رژیم سادات اندام کرده‌اند .  
- تقویت فعالیت " حیدیه بانداری زرد " و فعالیت در جهت اجرای تصمیمات آن و تسخیر و فراهم کردن توانایی‌های بوده‌های خلق عرب و سازمان‌های بوده‌های آن و اجرای تصمیمات کفبراس خلق عرب .  
- همسنگی با مبارزه خلق‌های مصر و لیبی در دفاع از کشورهای غلبه بیدیداد امپریالیسم و برای باسرها و تکمیر دیگری‌های اجتماعی و سیاسی مخالف امپریالیسم .  
- همسنگی فعال با جنبش‌های دمکراتیک خلق مصر و عرب و صهیونیسم .  
- همسنگی برای تحقق پیروزی‌های انقلاب ملی دمکراتیک و گذار به احسان سوسیالیسم و وحدت دوجنس سن با راهبنای صالح‌آمر و براساس دمکراتیک و ناطعانه اساسی در کنار آن علیه یوئنه‌های امپریالیسم و ارتجاع .  
- همسنگی با مبارزه خلق عراق و حزب کمونیست این کشور برای ایجاد یک نظام دمکراتیک که بد کله اسکال سرکوب و سرور باآن دهد و به تعیین ملی ، مذهبی و دسی باآن داده و

آزادی‌های دمکراتیک و خودمختاری حتمی برای مردم کردستان عراق بوجود آورد .  
- پشتیبانی از بوده‌های مردم فلسطین در اراضی اشغالی و ساحل غربی رود اردن و تقویت مبارزه و بایبدری آن و حمایت و ناپید جنبش ملی و کبید بوجبه ملی در اراضی اشغالی و همسنگی با زندانیان فلسطینی در زندان‌های اسرائیل و درخواست آزادی فوری آبان پشتیبانی از جنبش میلی اردن در مبارزه علیه تجاوزات اسرائیل و خواسته‌های بوسعه‌طلبانه صهیونیستی و برای خاتمه دادن بد وایسکی کنسوران به امپریالیسم و آزادی کلبه زندانیان سیاسی و مبارزان جنبش مقاومت فلسطین در زندان‌های اردن .

همسنگی با خلق بین در جمهوری عربی بین به رهبری جنبه دمکراتیک برای حاکمیت ملی و دمکراتیک و اتحاد دو بخش سرزمین بین و همسنگی با مبارزه خلق عمان بدرهبری جنبه آزادیبخش عمان و حمایت از مبارزه کلبه نیرهای ملی و دمکراتیک در مملکت عربستان سعودی و بحرین و کویت و بنیه کشورهای خلیج علیه حضور نظامی امپریالیسم در منطقه و برای آزادی‌های دمکراتیک و تقویت روابط نیروهای ملی و دمکراتیک در خلیج و حیزره‌العرب .

پشتیبانی از حزب کمونیست تونس و سایر نیروهای ملی - دمکراتیک در راه ایجاد یک حکومت سیاسی انقلابی و احیای آزادی‌های عمومی و برای تحقق سیاست اقتصادی اجتماعی که به مصالح بوده‌های خلق در وسیع‌ترین زمینه‌ها خدمت کند .  
- پشتیبانی از مبارزاتی که خلق مغرب و نیروهای تربیخواه و سوسیالیست این کشور و بین‌اینکه آن حزب سوسیالیست تربیخواه با آن درگیر می‌باشند برای رهایی ... آن از سلطه استعمار اسپانیا و نجات کشور از زنجیر وابستگی و وایسگرایی و تعیین دمکراسی و تحقق عدالت اجتماعی .  
- تحکیم همکاری و هم‌بمانی بین کلبه نیروهای ملی و تربیخواه داخل کل سرزمین عربی و در سطح جیان عرب علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع .  
- مبارزه در راه اعلام و گسترش آزادی‌های دمکراتیک برای توده‌های خلق و نیروهای تربیخواه و متوقف کردن تعصب و پیگیری کمونیست‌ها و عناصر و نیروهای تربیخواه و کلبه هموطنان ضد امپریالیست و ضد پیمان کم‌دیوید در مصر ، سودان ، سومالی و دولتی‌های خلیج فارس و آزادی تمام دستگیر شدگان میزبیرت .

مبارزه در راه پیشرفت اقتصادی مستقل و تکامل نیروهای مولده و برای حمایت از بخش دولتی و اجتناب از به هدر رفتن تولید عمومی و تراز دادن آن در خدمت توده مردم . فعالیت در جهت ایجاد محدودیت برای فعالیت انصار بورژوازی وابسته و ممانعت از به هدر بردن و تخریب اقتصادی ملی .  
- مبارزه در راه تحقق خواسته‌های توده‌های خلق در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و بر علیه افزایش هزینه‌های زندگی و مسکن و باسن حقوق طبقه کارگر و دهقانان و سایر زحمتکشان .  
- مبارزه در مبارزه جیبانی برای صلح و علیه خطرات جنگ هسته‌ای جیبانی و پشتیبانی از ابتکارات اتحاد سوری در مورد خلق سلاح اتمی و محدود کردن تولید سلاح .  
- استراتژیک و اتمی و به کار گرفتن آن و حمایت از ابتکارات و طرح‌های اتحاد سوری در مورد خاورمیانه خلیج و اقیانوس هند .

تحکیم روابط دوسی و همکاری با اتحاد سوری و حزب برک آن و با سایر کشورهای اردوگاه سوسیالیسم و شرکت فعالانه آن و انضام فعالیت‌های امپریالیسم ، که هدف آن سرنگونی نظام سوسیالیستی در جمهوری خلق لیبان است . همسنگی و حمایت از کمونیست‌های لیبان برای حراست از لیبان سوسیالیستی .  
- همسنگی با خلق‌های وینام ، کامبوج و لانوس در مبارزه آتپا برای حفظ دساوردهای آتپا و ساختمان بوین کشور خود و علیه مداخلات رهبری جین در امور داخلی آتپا .  
- همسنگی با انقلاب کوبا ، علیه کوشش‌های تجاوزکارانه آمریکا در برابر آن و با انقلاب سکاراکوتنه و مبارزه خلق السالوادور در راه آزادی خود و علیه باند نظامی - دیکتاتوری و مداخله نظامی آمریکا علیه انقلاب السالوادور .

پشتیبانی از رژیم‌های انقلابی ، انناسان ، آنکولا و موزامبیک در راه برنی ( سرفرت ) اجتماعی و سوسیالیسم .  
- حمایت از مبارزه خلق نامیبیا و خلق جنوب افریقا علیه تبعیض‌زدایی و برای سرنگونی نژادپرستان و تحقق استقلال ملی .  
- همسنگی با مبارزه حلفی‌های آسیا و افریقا و آمریکای لاسین علیه استعمار و امپریالیسم و برای حقوق و تحکیم استقلال ملی دمکراسی و برنی اجتماعی .  
- مبارزه برای تقویت و تحکیم وحدت جنبش جیبانی کمونیسم بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و ارتناسوسالیسم بزرگسری .

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای عرب از همه حلقه‌های عرب و کلبه سروهای ملی و تربیخواه و کارگران و دهقانان و روسفکران عرب دعوت می‌کند که برای تحقق گسترده‌ترین وحدت و بویید مبارزاتی بین تمامی وطن‌پرستان و نیروهای تربیخواه بحاضر سکت اتحاد امپریالیسم - صهیونیسم و حتی کردن یوئنه‌های آبان فعالیت کنند . این اطمینان وجود دارد که بوده‌های خلق عرب و در بین‌اینکه آتپا طبقه کارگر عرب ، دهقانان و زحمتکشان که همیشه علیه استعمارالنگرو سنا‌ها و بایگاه‌های نظامی مبارزه کرده و آتپا را سکت داده‌اند و برای استقلال برنی اجتماعی سوسیالیسم و وحدت عربی فعالیت کرده و ناطعانه‌هایی از شیدا داده‌اند . امروز سز فادرد با بایبدری و وحدت اراده و مبارزه دسیسه‌های

حیدر امپریالیسم را با شکست مواحه سازند . احزاب کمونیستی و کارگری که دائما در پیشاپیش مبارزات ملی بوده‌اند بر سر اجرای وظیفه ملی خود باقی می‌مانند و با افتخار در راه مبارزه برای میب - و خلق ایستادگی می‌کنند . همه بطور وسیع در جنبه دمکراتیک ملی علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع متحد تویم ... دوشادوش هم به پیش برای درهم شکستن دشمن و متحد برای کامیابی در مبارزه ملی و اجتماعی بزرگمان .

ترجمه از " طریق الشعب " ارگان حزب کمونیست عراق شماره ۸ سال ۴۵



توضیح و تصحیح

در ضمیمه کار ۱۱۹ در مقاله لیبستان ... قسمتی از این مقاله در صفحه ۱۳ ستون اول جا به جا شده است با چاپ دوباره این قسمت از خوانندگان بوزش می‌خواهیم

کار پایه صاهی " همسنگی " از لحاظ اقتصادی به هیچ وجه از تجدید سازمان سوسیالیستی کشاورزی کاهش میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های امپریالیستی و دیگر تدابیری که بطور واقعی درحل بحران می‌تواند موثر باشد سخنی به میان نمی‌آورد بلکه ، برعکس ، خواهان آن است که اقتصاد لیبستان براساس قواعد اقتصادی سرمایه‌داری از قبیل : " آزادی رقابت " " لغو کنترل دولتی بر بازار " ، " رقابت بین اشکال گوناگون مالکیت و تشویق بخش خصوصی در کشاورزی به زبان بخش تعاونی و دولتی ، سازمان باید ، سندسترشه خواهان است که اقتصاد متمرکز و با برنامه سوسیالیستی ترک شود و شالوده اقتصاد بر مگانه‌بم بازار استوار گردد . نویسندگان این ترزا پیمان نمی‌کنند که اجرای این برنامه به نایچار به " تجزیه اجتماعی وسیع تر " و بیدایش بنگاری منجر خواهد شد و اعلام داشته‌اند که اقتصاد مطلوبشان ، اقتصادی از نوع اقتصاد فرانسه با آلمان عربی است .  
" بالاخره از لحاظ ایدئولوژیک نویسندگان " ترزایی برای مباحثه " در پوششی از عبارت برداری‌های شه دمکراتیک و بلند پروازانه نظراتی را طرح نموده‌اند که اساسا با ایدئولوژی طبقه کارگر بیگانه است . آنها به جای ایدئولوژی روشن و کاملا حابدار طبقه کارگر از " ایدئولوژی فوق طبقاتی " دفاع می‌کنند . بر طبق ادعای سند مذکور این ایدئولوژی باید از ترکیب " بهترین سنت‌های مردم ، اصول اخلاقی مسیحیت ، دمکراسی سیاسی و اندیشه اجتماعی سوسیالیستی " بوجود آید .

آنجانکه از مواضع ایدئولوژیک ، سیاسی و اقتصادی ارائه شده در " ترزا " رمی آید ، اتحادیه " همسنگی بصورت سخنگوی تمام سروهای بدل شده است که خواهان تخریب بنیادهای سوسیالیسم و احیای سرمایه‌داری در لیبستان هستند . از جمله این نیروها می‌توان سازمان ضد انقلابی موسوم به " کمیته دفاعی کارگران " ( " کر " ) ، " کفدراسیون لیبستان مستقل " و کلیهای کاتولیک لیبستان را نام برد . این سروها رهبری واقعی اتحادیه همسنگی را به عهده دارند . مطبوعات لیبستان اطلاع می‌دهند که متن " جهات اصلی فعالیت اتحادیه همسنگی در شرایط کنونی کشور " توسط عده‌ای از کارشناسان که شامل بسیاری از نمایندگان سازمان " کر " می‌شود ، تهیه شده است در حال حاضر اتحادیه همسنگی فعالیت خود را در هماهنگی با متحدین خارجی خود که از سازمان‌ها و احزاب مائوئیستی و سوسیال دمکرات تا دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی را دربر می‌گیرد به پیش می‌برد . حتی دولت‌های امپریالیستی سیاست خود در قتال به اصطلاح " ککشان " به لیبستان را بر سنای برخوردار حزب کمونیست و دولت لیبستان به نیروهای ضد سوسیالیستی و از جمله اتحادیه " همسنگی " تنظیم می‌کنند . نشریه " لیبراتورنایا گازتا " هماهنگی نیروهای ضد سوسیالیستی در داخل لیبستان با متحدین خود در خارج را چنین توضیح می‌دهد :  
" شواهد نشان می‌دهد که نیروهای ضد سوسیالیستی در داخل و خارج لیبستان استراتژی واحدی را به پیش می‌برند : هرچه اوضاع وخیم‌تر باشد ، بهتر است . آنهایی که خطر افراطی مخالف را از خارج مورد پشتیبانی قرار و از دیون لیبستان به مثابه اهرم فشار استفاده می‌کنند ، مسئله را اینطور طرح می‌کنند : به ضدانقلاب کاری نداشته باشید و اعتبار و کمک بگیرید . در واقع منظور ریگان نیز هنگامی که به دولت لیبستان هشدار داد که نباید به هیچ " اقدام قاطعی " در رابطه با اوضاع خطرناک موجود در کشور دست بزند همین بود "

### سیاست خارجی ترقیخواهان جمهوری اسلامی را تحکیم و امپریالیسم امریکا را تضعیف می کند

● تحولات مثبت وزارت خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه را مایوس می کند.

● فرماندهان سپاه واکنش سریع: "ما برای اشغال چاههای نفت جنوب ایران آماده می شویم و فعالیتمان را در این زمینه متمرکز کرده ایم."

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در دورانی که سوسیالیسم، جنبش‌های رهاپخش جهان و کارگران و زحمتکشان دنیای سرمایه‌داری مواضع آن را یکی پس از دیگری نسخیر می‌کنند بیش از همیشه در تفلای مدبوحانه نجات خود از مرگ محتوم بیش از پیش به سیاست تجاوزگرانه و جنگ - طلبانه پناه برده است.

در ماههای اخیر دنیا شاهد افزایش اقدامات جنگ طلبانه، تجاوزکارانه و ضد بشری امپریالیسم آمریکا در تمامی قاره‌های جهان بوده است.

گسیل نیروهای امریکایی به مصر که با موافقت سادات خائن صورت گرفت، افزایش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه تهدید دولتهای ترقیخواه منطقه توسط نیروهای دریایی و هوایی و فوق‌العاده امریکایی بویژه تهدید استقلال و حاکمیت ایران

لیبی، سوریه، یمن، دموکراتیک در ماههای اخیر تجاوز و توحیحانه صهیونیسم بد لبنان و کسار مدتها فلسطینی و لسانی که با حمایت صریح و آشکار باوگان‌های امریکایی حاضر در مدیریت احام گرفت، کنسار خلق انقلابی السالوادور، تهدید رژیم ترقیخواه نیکاراگوئه، نفوخت رژیم‌های فاشیستی افریقای جنوبی، نیلی، پاکستان، ترکیه و غیره

عقد قراردادهای تجاوزکارانه میان امپریالیسم آمریکا و رهبران حاکمیت‌ساز و نه‌بند برزهای هندوستان توسط دولت امریکایی پاکستان و دهها شاهد و سوبه‌نگان دهنده دلیلی که بازگو کننده سیاست خطرناک امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان است، خنجر تلخ سلاطین سرمایه و خون‌آسمان تاریخ در سرازوختن آتش جنگ در جهان می‌دهد.

مهمترین کانون آتجاجی به قول معروف شاه‌رگ حیاتی غرب از آن می‌گذرد امروز خلیج فارس است و مهمترین تهدید برای شاه‌رگ حیاتی غرب، انقلاب ایران است. امپریالیسم آمریکا تمامی تلاش خود را برای حفظ سلطه خود در خلیج فارس اعزام هرچه بیشتر نیرو در این منطقه و تدارک برای سرکوب جنبش آزادیبخش ایران و به عنوان نخستین اقدام اشغال خوزستان، متمرکز کرده است. امپریالیسم آمریکا خوزستان را منطقه‌ای بسیار حساس و استراتژیک برای منافع آمریکا می‌داند و از همبرو قبل از هر چیز در جهت یافتن بهانه برای ورود به این منطقه محب‌خیز سرزمین ماست.

امپریالیسم آمریکا تلاش دارد با اتحاد ناآرامی در ایران و کسرس درگسری و تشنج در ایران و در منطقه سپاه لازم را برای اشغال خوزستان بدست آورد.

اگر رژیم تجاوزگر صدام توانست با حدا کردن خوزستان از ایران عقبه امپریالیسم آمریکا را عملی سازد و به همت خلق ما و نیروهای مسلح ما خوزستان به کورستان ارتش تجاوزگر بدل شد، امروز امپریالیسم آمریکا بین از هر زمان بر آن است تا خود مستقیماً وارد عمل گردد.

محلله نام، که سیاست ارجحیاتی بر سر محافل امپریالیستی را منعکس می‌کند در آخرین شماره خود، شماره ۳۵، ۲۷ جولای ۱۹۸۱، شمعی از تدارک آمریکا را برای دخالت در ایران در

کمال وقاحت و بشرمی ذکر کرده است.

این مجله آشکارا و در کمال گستاخی نوشته است که نیروهای واکنش سریع تمام هم خود را برای ورود احتمالی به ایران متمرکز ساخته‌اند. در این مجله افسران عالی‌رتبه آمریکا و فرماندهان سپاه واکنش سریع آشکارا اعلام داشته‌اند آنها ۲۵۰ هزار نیروی تحت فرماندهی خود را برای تحولات ایران آماده می‌سازند. تا اگر لازم شد منطقه جنوب ایران و چاههای نفت این منطقه را در اختیار گیرند.

آنها حتی استفاده از برخی سلاح‌های هسته‌ای نیز برای مقابله با تحولات آتی منطقه را بعید ندانسته‌اند. البته آنها فرار است هم‌نشین اقدامات تجاوزکارانه را "برای مقابله با خطر دخالت شوروی" خطری که هرگز وجود نداشته و ندارد و تنها اختراع امپریالیسم آمریکا و ابادی آن است، انجام دهند.

بدون تردید امروز همه نیروهای انقلابی و آگاه ایران موظفند در جهت حتی سازی اس اندامات تجاوزکارانه امپریالیسم هرچه در توان دارند انجام دهند.

بنا اتحاد هرچه بیشتر خلق ما و سرده‌تر شدن صفوف مقاومت مردم ناممکن و سر همبستگی و اتحاد همه دولتهای ضد امپریالیست و جنبش‌های منطقه است که تمامی پروری برای نجات‌آوزاد امپریالیسم آمریکا بوده و خواهد بود.

دولت جمهوری اسلامی امروز باید بیش از هر زمان دیگر به اتخاذ سیاست‌ها و اقداماتی که ضامن اتحاد هر چه بیشتر همه نیروهای ضد - امپریالیست در داخل و صامن همبستگی و اتحاد هر چه بیشتر دول ترقیخواه منطقه است روی آورد و زمان را از دست ندهد. در مورد سیاست‌های اصولی و روش‌های درستی که ضامن اتحاد خلق ماست ما بارها سخن گفته‌ایم و بازهم خواهیم گفت در اینجا منظور ما بیشتر ضرورت اتحاد یک سیاست خارجی روشن و منطبق با مصالح استقلال و انقلاب است.

بیش از همه امپریالیسم آمریکا است که از مخدوش شدن صف دولتهای دوست و دولتهای دشمن انقلاب ایران سود می‌برد. هم‌اکنون نیز این رادیوها و رسانه‌های گروهی امپریالیسم است که تلاش دارد با بهره‌برداری از برخی سیاست‌های غلط و نیز به هم دولت جمهوری اسلامی تصویری مخدوش از ماهیت حکومت جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد و روابط جمهوری را با دول ترقیخواه منطقه دچار سردی و اختلال کند.

بمباران راکتورهای اتمی عراق توسط دولت صهیونیستی اسرائیل، پخش شایعاتی مبنی بر این که دولت ایران از اسرائیل و آمریکا اسلحه می‌خرد، استفاده از سلاح کهنه و افشا شده "خطر دخالت شوروی در ایران" و غیره همگی بیانگر تفلای امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از استقرار روابط متقابل و سارده‌مان دولتهای ترقیخواه منطقه و جمهوری اسلامی ایران است.

امپریالیسم آمریکا می‌داند که هرچه سیاست خارجی ایران روشن‌تر باشد، هرچه روابط برادرانه و متقابل ایران با دول ترقیخواه جهان و منطقه گسترش بیشتری عدا کند به همان سبب امکان دخالت در ایران و اشغال چاههای نفت جنوب دشوارتر و غیر ممکن‌تر می‌گردد و از همین رو است که امروز تمامی رسانه‌های گروهی خود و تمامی ابادی خسود را در ایران برای جلوگیری از

گسترش روابط برادرانه میان دولت جمهوری اسلامی و دول سوسیالیستی ترقیخواه و ضد امپریالیست جهان و منطقه به کار گرفته است. وقتی ایران دارای سیاست ترقیخواهانه خارجی روشن و صریحی باشد، از طرفی در داخل هرچه بیشتر تحکیم و تثبیت می‌گردد، از طرفی خلقهای منطقه و جهان هر چه بیشتر به حمایت از آن برمی‌خیزند و از طرفی از حمایت و پشتیبانی بیدریغ دول ترقیخواه و ضد امپریالیست جهان برخوردار خواهد بود که طبعا تهاجم علیه چنین دولتی دشوار و حتی غیر ممکن است.

با توجه به همین واقعیت‌های روشن است که ضرورت اتخاذ سیاست روشن و صریح خارجی، سیاستی که منطبق بر مصالح مردم و انقلاب ایران باشد، سیاستی که از یک سو راستای روشن و مشخص ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی آن روشن باشد و از سوی دیگر در جهت گسترش روابط متقابل با دولتهای ترقیخواه و ضد امپریالیست منطقه و جهان باشد بیش از همیشه احساس می‌گردد. این سیاست مستلزم حظیت فعال از سازمان آزادیبخش فلسطین، از جنبش آزادیبخش خلق عمان و سایر جنبش‌های آزادیبخش منطقه است، این سیاست مستلزم اتحاد عمل و نزدیکی هرچه بیشتر با دولتهای حبه پایداری عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم است این سیاست مستلزم به دور افکندن بینشی است که دولتهای سوسیالیستی جهان این دوستان واقعی و صمیمی استقلال و انقلاب ما را در کنار دشمنان سوگندخورده انقلاب ما یعنی امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار می‌دهد.

ما هرچند که عناصر مثبت و سسارنده امیدبخشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وزارت خارجه جمهوری می‌بینیم، اما هنوز شاهد اتخاذ آن سیاست خارجی روشن و سازنده‌ای که بتواند بیشترین ضربات را بر امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه وارد سازد نیستیم.

بقیه در صفحه ۱۸

گسسته بساد همسه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا

( قسمت آخر )

مصاحبه رفیق مهدی فتاپور و رفیق دانشگری کاندیدای سازمان برای انتخابات میاندوره ای مجلس

## در برابر خط سازش همچنان از خط امام بدون کوچکترین تزلزل دفاع خواهیم کرد

### پیکر انقلاب از دست انحصارطلبان و تنگ نظران زخم ها دیده و خواهد دید

س - رفیق فتاپور ، شما در صحبت های قبلی خود ، به تحولات اخیر اشاره کردید . لطفاً پیرامون مضمون و سمت این تحولات توضیح بیشتری دهید و بگوئید که امکان تعمیق و گسترش انقلاب را ، چه اندازه واقعی می بینید ؟

ج - ما در همان آغاز این دوره از تحولات ، با صراحت اعلام کردیم که مضمون حرکتی را که آغاز شده است ، انقلابی و سمت آن را مترقیانه تلقی می کنیم . همانطوری که امروز شاهد هستید ، جریان زندگی صحت این ارزیابی را به عیان نشان داد و البته باز هم بیشتر نشان خواهد داد . امروز دیگر به وضوح ثابت شده که جمهوری اسلامی در روند دو ساله حرکت خود ، علیرغم افت و خیزهای بسیار و گاه توقفها و حتی در مواردی عقب گرد ها ، در مجموع در مبارزه های رو به گسترش با کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ و به ویژه نمایندگان سیاسی آنها یعنی سازمان ها ، احزاب و دستجات ضدانقلابی و لیبرال ها قرار داشته است . برکناری بنی صدر را هم که مفهوم اساسی آن در واقع تحدید قدرت بورژوازی در جمهوری اسلامی بود ، تنها می توان در ادامه و بسط چنین سمت گیری توضیح داد . عزل بنی صدر ، ضربه ای جدی به تمام نیروهای ضدانقلاب بود که به سرعت زیر پرچم ریاست جمهوری متشکل می شدند . به همین دلیل هم ، این امر را باید پیروزی بزرگی برای انقلاب رو به پیش ما به شمار آورد . در واقع ، با برکناری بنی صدر ، یکی از نقاط انکاء امپریالیست ها در دشمنی با جمهوری اسلامی فروریخت و دیگر بار شعار اصلی انقلاب ما ، یعنی مرگ بر آمریکا ، بر فضای میهنمان طنین انداخت . با برکناری بنی صدر ، جریانی حذف شد که می کوشید در مودیانترین شکل ممکن ، نهادهای قانونی جمهوری اسلامی و حتی کل آن را به سود آمریکا و متحدان اروپائی و ژاپنی آن از درون بیوساند . در یک کلمه ، تحولات اخیر ضربه سنگینی به آمریکا و همه جریانات رنگارنگ پیرو خط آمریکا و به همین دلیل هم راه گشای انقلاب بود . و طبعاً پس از پیروزی کاملاً قابل پیش بینی مردم در انتخابات ریاست جمهوری در روزهای آینده ، این پیروزی سیاسی تکمیل خواهد شد و شرایط مساعدی برای دست ردن به اقدامات حدی و اساسی مورد درخواست مردم بدین خاسته مان ، فراهم خواهد آمد .

امروز جمهوری اسلامی در وضعیتی قرار دارد که می تواند و باید قاطعانه به نیارهای انقلاب پاسخ داده و ضدانقلاب را به طور بنیادی خلع سلاح نماید . جمهوری اسلامی در زمینه اقدامات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی داخلی باید در جهت اجرای بندهای " ج " و " د " اصلاحات ارضی ، نداوم ملی کردن کارخانجات و مراکز تولیدی وابسته ، ملی کردن بازرگانی خارجی ، حذف موانع موجود بر سر راه گسترش تعاونی ها ، شوراهای و دیگر تشکلهای دموکراتیک مردمی ، تدوین هرچه سریع قانون مترقیانه کار ، تأمین آزادی فعالیت احزاب و گروه های وفادار به انقلاب در چارچوب قانون اساسی و ... . مجدانه بکوشد . در زمینه سیاست خارجی هم باید گفت که خوشبختانه در هفته های اخیر حرکات مثبتی در جهت شناخت دوستان و دشمنان بین المللی انقلاب ما به چشم می خورد . اما متأسفانه هنوز

هم کم نیستند آن دسته از مقامات جمهوری اسلامی که با یک سان نمودن ماهیت دشمنان قسم خورده انقلاب یعنی دول امپریالیست با دوستان صدیق انقلاب ما یعنی کشورهای سوسیالیستی ، جدا از نیاتی که دنبال می کنند ، راهی را می روند که در دو سال گذشته امیرانتظام ها ، یزدی ها و بنی صدرها هموار کننده آن بوده اند .

بله ! امروز جناح های طرفدار سازش با آمریکا و مخالفین سر سخت اجرای قاطع اقدامات فوق تا حدود بسیار زیادی از مواضع قدرت به نفع خط امام بیرون رانده شده اند . ولی در عین حال نباید در کنار این دستاورد بزرگ و مثبت ، فراموش کنیم که متأسفانه هنوز نیروهای قدرتمند در درون جمهوری اسلامی هستند که یا به دلیل گرایش های قشری ، تنگ نظرانه و محافظه کارانه شان و یا به دلایل ماهیت ضدانقلابی اما در پوشش طرفداری از جمهوری اسلامی شان ، سد راه انقلاب هستند . بنابراین در پاسخ به این که تحقق واقعی امکان پیشرفت همه جانبه برای انقلاب چه اندازه است بدون آن که سمت گیری کنونی جمهوری را مخدوش نمائیم باید به تحولات آینده چشم بدوزیم . همه تجاربی که از انقلاب های نظیر انقلاب ما در دست است بر خوش بینی های یک جانبه خط بطلان کشید ، باید گفت که جمهوری اسلامی تنها با غلبه بر سیاست ها و گرایش های سازشکارانه و انحصارطلبانه است که قادر خواهد شد انقلاب را به پیش برد و اتفاقاً راه غلبه بر چنین گرایش های نیز تنها از کانال پاسخ گوئی به خواست های مبرم انقلاب و نتیجتاً بسیج توده ها از طریق تائین وحدت همه نیروهای طرفدار انقلاب علیه خطوط سازش و انحصارطلبان راست که در پوشش آئین پرستی اسلامی پنهان اند ، می گذرد . آن چه را که در این جا می خواهیم بر آن تأکید کنم این است که به اعتقاد ما ، امکان پیشرفت برای انقلاب ما هنوز هم یک امکان واقعی است .

س - امروز عواقب وخیم سیاست های رهبری مجاهدین خلق در طول دو سال گذشته ، خود را به عیان نشان می دهد ، در صورت امکان توضیحات بیشتری حول سیاست های آنها در گذشته و نتایج امروزی آن بدهید .

ج - واقعیت این است که رهبری مجاهدین خلق از همان روزهای پس از انقلاب ، علیرغم ارائه برنامه های نسبتاً ترقی خواهانه ، در عمل سیاست خود را نه بر اساس پیشبرد آن برنامه ، بلکه بر پایه کسب قدرت به هر طریق قرار داد . و برای رسیدن به این هدف هم ، سیاست اتحاد با همه مخالفان " قدرت مداران کنونی " را از یک سو و جذب نیرو (هرنیرو و به هر قیمتی ! ) را از سوی دیگر در پیش گرفت . نتیجه این سیاست علیرغم حارو حنحال های به ظاهر انقلابی گام به گام اتخاذ یک سیاست ضدانقلابی در عمل ، گام به گام دور شدن از برنامه اعلام شد و فراموش کردن آن بود . ما در یک سال اخیر بارها و بارها عواقب این سیاست خطرناک رهبری مجاهدین خلق را گوشزد نمودیم . ما بارها خواستار آن شدیم تا سازمان مجاهدین خلق مواضع خود را در قبال بورژوازی لیبرال و دیگر نمایندگان سرمایه داری روشن نمایند . بارها به آنها گفتیم که یک سازمان انقلابی نمی تواند بپذیرد که بورژوازی لیبرال دشمن استراتژیک است و در همان حال

مجاز باشد که با آن بر علیه نیروئی که متفق استراتژیکی است ، متحد شود؟! بارها گفتیم رهبری این جبهه های که مجاهدین خلق در پی ایجاد آن هستند نه با آنها ، که با ضدانقلاب خواهد بود و این مجاهدین هستند که سرانجام کارگزار سیاست امپریالیسم و نیروهای سازش خواهند بود و نه این که آنها جاده صاف کن مجاهدین باشند ! ما در نامه سرگشاده به سازمان مجاهدین خلق یادآور شدیم که مسیری که شما در پیش گرفته اید خلاف راهی است که بنیان گزاران سازمانتان انتخاب کرده بودند . ما در همان جا به آنها گفتیم که یک سازمان سیاسی به ویژه اگر جوان باشد و اوضاع بفرنج ، هر آن می تواند دچار خطا شود ولی لجاجت در ادامه و تکرار آن خطا دیگر بخشودنی نیست . تداوم این خطا برای جنبش انقلابی فاجعه خواهد بود و نهایتاً هم رهبری آن سازمان را در ورطه خیانت خواهد افکند . اما متأسفانه علیرغم همه این هشدارها و اخطارهای دوستانه ، رهبری مجاهدین سر مست از نیروی تصنعی و غیر واقعی که فکر می کرد متشکل نموده ، تنها نوک بینی خود را دید ! برای آقای رجوی و شرکایش تنها این مهم بود که روز به روز به تعداد هواداران سازمان افزوده می شود و ایشان به صندلی قدرت نزدیک تر می گردند ! باند رجوی برای این که بگذارند هزاران مجاهد صادق و پر شور با حقایقی که از طرف ما و دیگر نیروهای انقلابی مسئول مطرح می شد ، آشنا گردند ، آنها را از خواندن نشریات ما و نیز بحث با اعضاء و هواداران ما منع نمودند ! در عوض با استدلالی کودک فریب به هواداران کم آگاه خود وعده دادند که تا چند ماه دیگر جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد ، بنی صدر قدرت را به دست خواهد گرفت و آن گاه مجاهدین خلق در یک طرفه العین قدرت را از چنگ او خواهند ربود !

آری ! ما تمام تلاش خود را برای این که نشان دهیم سرانجام راهی که آقای رجوی پیش پای مجاهدین گذاشته چه اندازه فاجعه بار است ، به کار بردیم . بارها از آنها خواستیم که مسایل را به طور بی پرده با یکدیگر به هرگونه که مایل باشند به بحث بگذاریم ، اما منافع باند قدرت طلب رجوی - خیابانی اجازه نمی داد تا حقایق به گوش هزاران هوادار صادق سازمان برسد . و سرانجام ، همان گونه که امروز ملاحظه می کنید آن چه که نمی بایست می شد ، شد و سازمان مجاهدین خلق به دردناک ترین وضعی که می شد تصور کرد ، سقوط نمود .

به اعتقاد ما ، رهبری این سازمان آشکارا به آرمان ها و ایدآل های بنیان گزاران آن خیانت کرده است . امروز دیگر حتی یک هوادار ساده دل هم نمی تواند انکار کند که رهبری مجاهدین خلق به سرکردگی رجوی - خیابانی در کنار نیروهای بورژوازی و در کنار امپریالیسم به سرکردگی آمریکا قرار گرفته اند . امروز دیگر برای دیدن سقوط سازمان مجاهدین خلق ، برای قبول شکست قطعی و فرجام تلخ این سازمان به دلیل رهبری خیانت کارانه رجوی - خیابانی ، به چشمان تیزبین احتیاج نیست و هر فرد کم آگاهی هم می تواند آشکارا آن را روایت کند . زیرا هم اینک دیوار بن بستنی که ما قبلاً آن را پیش بینی کرده بودیم ، ... .



بقیه از صفحه ۱۶

مصاحبه رفیق مهدی فتاپور ورقه دانشگری

### دربار خط سازش ...

... پیش روی مجاهدین سرکشیده و مجاهدین را به تروریسم ضدانقلابی که هیچ مضمونی جز مقابله با انقلاب و قربانی ساختن تبهکارانه نیروهای جوان و ناآگاه این سازمان ندارد سوق داده است و اینجاست که ابعاد خیانت عظیم رهبری کنونی مجاهدین خلق رخ می نماید .

البته این روشن است که نیروهای تشری و تنگ نظر ، سهم مهمی در تسریع بروز انحرافات در رهبری مجاهدین و نیز در تضعیف گرایشهای واقع بینانه درون این سازمان برعهده داشته و دارند و امروز نیز با اقدامات خطاآلود خود آب به آسیاب رجویها ریخته و می ریزند و نمی گذارند که نیروهای مجاهد اصیل مسیر انحرافی شان را اصلاح نمایند . ولی ، هیچ کدام اینها نمی تواند توجیه گر خیانت های رهبری مجاهدین خلق نسبت به انقلاب ، نسبت به آرمان های اولیه سازمان و نسبت به هزاران نوجوانی باشد که می توانستند و می توانند خدمتگزار واقعی انقلاب باشند ، و نه می تواند و باید که نیروهای صادق مجاهدین خلق را از تلاش در راه طرد این باند خیانتکار بازدارد . مسئولیت مستقیم و تعیین کننده در سرنوشت کنونی مجاهدین تنها و تنها بر عهده رهبری آن است .

س رفیق فتاپور چه پیامی برای مردم ایران و هواداران سازمان دارید ؟

ج - پیام من برای مردم انقلابی میهنمان جز این که از آنها دعوت کنم که به مبرم ترین نیاز انقلاب با قاطعیت بیشتری پاسخ دهند ، چه می تواند باشد ؟ و این مبرم ترین نیاز انقلاب هم حر کوش همگانی همه ما در راه نامین و تقویت وحدت و همبستگی همه نیروهای ضد امپریالیست . صرف نظر از اعتقادات مسلکی آنها ، چه چیز دیگری مانع باشد ؟ به اعتقاد ما ، امر وحدت ، امر غیرممکنی نیست و نتیجتاً هم مبارزه در راه آن نمی تواند بی نتیجه بماند . این را صرف نظر از دهها تجربه پیروز خلق های جهان روند دو ساله و نیم اخیر به ما نشان می دهد . در واقع هرچه انقلاب ما جلوتر رفته است ، زمینه عینی برای نزدیک تر شدن نیروهای انقلاب به هم دیگر و علیه سر بسپاریار پیش داورهای خطایار ، بیشتر فراهم آمده است ، از نظر عینی می توان به جرات گفت که امروز مایع غیرقابل رفعی سر راه وحدت وجود ندارد ، اما حقیقت این است که از نظر ذهنی هنوز کار بسیار زیادی در بخش روی خود داریم که باید انجام دهیم . برای ما قابل ترس است که وحدت ، امری نیست که به آسانی بتوان آن را به دست آورد . وحدت از استئال بسیار ساده و عملی آغاز می شود و در جریان روند مبارزه نیروهای انقلابی با دشمن مشترک ، یعنی امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا و متحدین داخلی آنان ، مدام اشکال تکامل یافته تری به خود می گیرد . و ظمناً در این روند سنگین ترین وظیفه بددوش آن دسته از نیروهای انقلابی است که به ضرورت این وحدت آگاهند و موظفند تا با کار متین آگاه گرانه ، ضرورت

را نه صرفاً از جنبه عاطفی و اخلاقی - که به نوبه خود حائز اهمیت است - آن چنان که ضدانقلاب سعی در عمده کردن آن دارد ، بلکه از زاویه مصالح و منافع انقلاب بررسی کنیم .

این روزها مردم ما شاهد یک سری درگیریها و تشنحاتی هستند که سازمان مجاهدین خلق ایران یکی از عوامل تعیین کننده آن به شمار می آید . این سازمان طی یکسال گذشته با زیر پا گذاشتن برنامه اعلام شده خود از اوایل پیروزی انقلاب ، عملاً در سمتی قرار گرفت که نتیجه نهائی آن چیزی جز تقابل آشکار با انقلاب نمی توانست باشد ، گروه رجوی - خیابانی ، با خیال واهی کسب قدرت ، عملاً سازمان مجاهدین را به نیروی ضربتی ضدانقلاب و لیبرالها مبدل ساخت و زمانی هم که با ضربه قاطع انقلاب بر جریان بنی صدر روبرو شد ، ناچار از موضع گیری صریح و آشکار گردیده و ماجرای ۳۰ خرداد را به وجود آورد . سایر گروهکها نیز که منتظر چنین فرصتی بودند ، با عجله پیوستگی خود را با این حرکت ماجراجویانه و ضدانقلابی اعلام کردند تا به اصطلاح از قافله عقب نمانند .

حال اگر سیاست مجاهدین را نه از زاویه حسن نیت هواداران کم آگاه آنان ، بلکه از زاویه مصالح و منافع انقلاب و بخصوص با توجه به شرایط ناشی از جنگ تحمیلی رژیم صدام مورد توجه قرار دهیم ، به سادگی متوجه ابعاد فاجعه آمیز این حرکات خواهیم شد . و در چنین فضائی هم طبیعتاً ، اعمال قاطعیت از جانب جمهوری اسلامی جهت دفاع از موجودیت خود ، مسأله ای است تأیید درک و پیش بینی ، در این جا صحبت از زن و مرد بودن و یا نیت حسنه افراد در میان نیست بلکه بای دفاع از موجودیت انقلاب و در هم شکستن جبهه متحد ضدانقلاب در میان است .

به اعتقاد ما جمهوری در عین حال که حق دارد از موجودیت خود در برابر توطئه گران به دفاع برخیزد ، به هیچ وجه مجاز نیست که سیاست خود را در برخورد با گروه های ماجراجو صرفاً بر اساس اعدام و سرکوب قرار دهد . ما می گوئیم که برای مقابله با تشنج و توطئه های امپریالیسم ، باید هرچه قاطع تر به دفاع از انقلاب برخاست . داشتن این موضع انقلابی به هیچ وجه به معنی دفاع از اعدام هائی که بدون کمترین رعایت موازین قانونی و صرفاً به خاطر هواداری یا عضویت افراد در این یا آن گروه صورت پذیرفته است . چنین اعدام هائی نمی تواند نتیجه ای جز گسترش تروریسم ، القاء بی ثباتی ، دامن زدن به خشونت و تیر بی اعتمادی مردم به جمهوری ، سلب احساس اعتماد و امنیت قضائی و حقوقی از مردم و ارائه چهره های غیرانسانی از جمهوری اسلامی داشته باشند ، این درست است که مجازات ، نیروئی که علیه انقلاب ، قانون و جمهوری اسلامی اقدام کند می تواند و باید بارها به وازین عاقبتی و بر سیای قانون صورت پذیرد ، اما اعدام های بی رویه و مجازات و اعدام افراد و عناصری که در درگیری های مسلحانه نقشی نداشته اند ، منجر به آن می شود که عمال امپریالیسم با تبلیغ در این رابطه ، عملیات تروریستی خود را توجیه نمایند . اعمال انتقام جویانه و گاه حتی شخصی ضرباتی جدی به جمهوری اسلامی ایران وارد نموده است . سازمان ما این هشدار بجا را قبلاً به مسئولین

وحدت نیروهای خلق را بر بستر عمل مشترک ، برای دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهند . به همین دلیل هم ، پیام من به رفقای هوادار و کلیه نیروهای انقلابی مسئول ، این است که در تمام عرصه های مبارزه با امپریالیسم ، هرگز از کار توضیحی روی ضرورت امر وحدت خلق و نیز اقدام های ولو ظاهراً کوچک که در جهت نزدیک تر کردن نیروهای انقلاب می تواند مفید واقع بیفتد ، غفلت نکنند . در عرصه مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی با امپریالیزم و متحدین داخلی آن ، در جبهه های جنگ مقاومت علیه جنگ تحمیلی صدام ، در پشت جبهه ها و در میان آوارگان جنگ ، در عرصه مبارزه برای تولید ، در میان کارگران و دهقانان ، در درون همه مراکز و مجتمعات توده ای ، باید بگوئیم که مبارزی صدیقی و پرشور در راه به تحقق رساندن این مبرم ترین وظیفه و این خطرترین هدف باشیم . هر کدام از ما در عین حال موظف هستیم که در راه پی ریزی وحدت کمونیست های میهنمان ، که خود تلاشی است مستقیماً در خدمت تحقق امر وحدت خلق ، یک لحظه را نیز از دست ندهیم . مبارزه در راه نیل به وحدت کمونیست ها ، اینک در صدر وظایف ما کمونیست ها قرار دارد و این امر سترگ را ما همه در یک تلاش جمعی و مشترک پیش خواهیم برد . همه ما در این مبارزه سهم داریم و برای فرا رسیدن لحظه قطعی موفقیت ، مجاز نیستیم حتی لحظه ای از پای بنشینیم . از رفقای هوادار دعوت می کنم که در اهمیت خطیر شرایط سیاسی کنونی ، بیشتر تأمل کنند . اینک انقلاب ، با شریکی از دشوارترین پیچ های راه تکاملی خود قرار دارد . چشم انداز چنان است که ما را متقاعد کند که می توان این پیچ را با موفقیت پشت سر گذاشت . هرگاه انقلاب ما بتواند با موفقیت کامل این پیچ را پشت سر ببرد ، آن گاه می توانیم با قاطعیت بیشتری از آینده روش انقلاب سخن بگوئیم . امروز صف بندی طبقات با وضوح بسیار بیشتری خود را می نمایاند . امواج تعرض به مواضع بزرگ زمین داران و کلان سرمایه داران ، لیبرالها و دیگر دوستان امپریالیسم آمریکا و اروپا و ژاپن دامنه بیشتری بر خود گرفته است . جمهوری اسلامی در برابر خواست های اساسی توده های میلیونی زحمتکش قرار گرفته و ما می توانیم و باید که یار و یاور صدیق این جمهوری در تلاش های مثبت آن در پاسخ به این نیازها باشیم ، ما می توانیم و باید که به توده های مردم کمک کنیم که دشمنان داخلی خود را بیشتر از پیش بشناسند تا در تنجیمی دوست از دشمن در عرصه داخلی و بین المللی راه خطا نروند . در یک کلمه ما امروز عرصه بسیار وسیع تری برای تعمیق انقلاب و گسترش دست آوردهای آن داریم . پس بگوئیم به مثابه انقلابیون پرشور و کمونیست های سلیسته ، رغبو پی گیر این راه باشیم .

س - رفیق رقیه ، اخیراً تعدادی از دختران جوان که متهم به فعالیت در گروه های ماجراجو بودند اعدام شدند ، لطفاً نظرتان را در باره این اعدام ها و بی آمدهای آن بگوئید .

ج - قبل از این که به مسأله اعدام تعدادی از دختران و پسران جوان توسط دادگاه های انقلاب بپردازیم لازم است اول به عوامل و شرایط بوجود آورنده این قتل خشونت ها توجه کنیم و مسأله

بقیه در صفحه ۱۸

## گسترده باد همگامی و همکاری

### همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

### سیاست خارجی...

بقیه از صفحه ۱۵

وزارت خارجه از عکام تصدی آقای موسوی فعال شده است. سیاست خارجی وزارت خارجه در محسوع با گذشته قابل مقایسه نیست و تحولات مثبتی را نشان می‌دهد. اما هنوز اینجا و آنجا اتحاد شوروی که قطعا دوست و مدافع انقلاب ما و همه انقلاب‌های جهان است در کنار سرکرده امپریالیسم جهانی یعنی امپریالیسم آمریکا گذاشته می‌شود، که این قطعا ۱۸۰ درجه با سیاست دول ترقیخواه عرب که دولت جمهوری اسلامی آنان را مستقل و ضد - امپریالیست و همراه خود می‌داند متفاوت است.

در اعلامیه وزارت خارجه ایران در فبال خلیج فارس در آن بد حق و نه درستی بر ضرورت حفظ امنیت خلیج توسط دولت‌های مطعده و بیرون رفتن نیروهای تجاوزگر تاکید شده است. بار هم با تکرار شرق و غرب عملا این توهم ایجاد می‌شود که گویا اتحاد شوروی در کنار امپریالیسم آمریکا گذاشته شده است. در حالی که سیاست حفظ امنیت خلیج فارس و اقیانوس هند توسط ساکنان منطقه که دولت جمهوری و وزارت خارجه خواهان آن است، سیاستی است مورد حمایت همه کشورهای سوسیالیستی از

حمله اتحاد شوروی که خود مستکر چنین سیاستی بوده است. اینگونه مواضع مخدوشی که در مضمون خویش تحریف حقایق امروز جهان را نهفته دارد قطعا نمی‌تواند مورد قبول دول ترقیخواه و ضد - امپریالیست منطقه که تمایز میان سیاست ارتجاعی امپریالیست‌ها را با سیاست ترقیخواهانه و بشردوستانه دول سوسیالیستی بخوبی درک می‌کنند باشد. مورد دیگری از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که مورد انتقاد ماست شیوه برخورد جمهوری اسلامی با سازمان آزادیبخش فلسطین است. این سازمان از طرف تمام دولت‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست جهان نماینده به حق مردم فلسطین شناخته شده است. هیچ دولت سوسیالیست و ضد امپریالیستی در جهان وجود

ندارد که بر چنین واقعیتی صحنه نگذارد. وجود سفارت فلسطین در ایران نشانه آن است که دولت جمهوری اسلامی ایران سزاین سازمان را نماینده مردم فلسطین می‌شناسد. با این همه در جریان مبارزان وحشیانه و جنایتکارانه صهیونیست‌ها بد لبنان ویا در موارد گذشته دیگر دولت ایران همواره به جای ابراز تسلیت و ارسال تلگرام به رهبری این سازمان برای مقامات دیگری پیام فرستاده است. به هر حال امروز با وجود تناقضات متعدد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ما شاهد سمتگیری ترقیخواهانه در سیاست خارجی ایران هستیم و شاهدیم که محافلی از قبیل آیت و همفکرانش، لیبرالها و غیره برای جلوگیری از اتحاد سیاست خارجی منطبق با مصالح انقلاب به هر کاری

دست می‌زنند. مخالفت آیت با انتخاب آقای موسوی به وزارت خارجه و دلایلی که در مجلس ارائه داد نمونه بارزی از تلاش‌هایی را نشان داد که برای جلوگیری از اتحاد سیاست خارجی ضد امپریالیستی روشن و ترقیخواهانه صورت می‌گیرد. آیت و همفکرانش در برخورد با آقای موسوی درست همان موضعی را گرفتند که بنی‌صدر و همفکرانش به دلیل آن با انتخاب آقای موسوی به وزارت خارجه مخالفت داشتند. جمهوری اسلامی ایران، انقلاب و مردم تاکنون از فقدان یک سیاست خارجی روشن و ترقیخواهانه آسیب‌های جدی خورده‌اند. زمان زمان جبران این آسیب‌ها و درپیش گرفتن سیاست خارجی روشن و ترقیخواهانه است. ما با تمام توان از چنین سیاستی حمایت می‌کنیم.

بقیه از صفحه ۱۷

مصاحبه رفیق مهدی قباور و رفیق دانشگری

### در برابر خط سازش...

جمهوری اسلامی داده است و می‌بینیم موکدا آن را تکرار هم می‌کند.

۳ - رفیق رفیق، اگر پیامی برای زحمتکشان میهن‌مان دارید، بگوئید.

ج - زحمتکشان ما خود در عرصه پیکار با گوشت و پوست خویش مشکلات، موانع و خطراتی را که بر سر راه تعمیق انقلاب وجود دارد احساس کرده و با بسیاری از آن‌ها پنجه در افکنده‌اند. آن‌چه سازمان خطاب به زحمتکشان می‌تواند بگوید این است که هوشیارتر باشند، امپریالیسم برای به شکست کشاندن انقلاب ما به وسائل گوناگون متوسل می‌شود. یکی از این وسائل ایجاد انحراف در شعار اصلی انقلاب یعنی "مرگ بر آمریکا" است. مدافعی چنین توطئه‌ای در ایران، بزرگ مالکان، کلان سرمایه‌داران، لیبرال‌ها، مائوئیست‌های آمریکائی و همه آن جریاناتی که این اواخر بنی‌صدر در رأس آن‌ها قرار داشت، هستند. زحمتکشان ما باید همواره به‌خاطر داشته باشند که دشمن اصلی ما آمریکا است و همان‌گونه که امام خمینی نیز به درستی تأکید می‌کند باید "همه فلم‌ها و مسلسل‌ها به طرف آمریکا" نشانه گرفته شود و بکشند تا شعارهای انحرافی و وحدت شکنانه را خنثی کنند. ایجاد آشوب و درگیری‌های داخلی نیز یکی دیگر از برنامه‌های آمریکا است. زحمتکشان باید با متانت و خوسردی انقلابی این نقشه را نیز عقیم گذارند. جنگ نحیلی رژیم صدام یکی دیگر از دسیسه‌های امپریالیسم است که سرک فعال زحمتکشان در جبهه‌های جنگ برای بیرون راندن نیروهای صدام از خاک میهن‌مان، قطعا ما را در این جنگ پیروز خواهد کرد. پیروزی در این جنگ یعنی فائق آمدن بر امپریالیسم در یکی از مهم‌ترین صحنه‌های نبرد. جانبازی‌های دلیرانه برادران پاسدار و ارشی، شرکت شجاعانه زحمتکشان داوطلب و رفقای فدائی در جبهه‌ها

قطعا ضامن این پیروزی بزرگ خواهد بود، سازمان با صمیمانه‌ترین درودهای خود از شرافت، انسانیت و میهن دوستی این جانسازان سیاستگری می‌کند.

سهم زنان زحمتکش ما که تاکنون با حضور فعال خود در صحنه، به انقلاب ما چهره‌ای خاص بخشیده‌اند در این عرصه‌های مبارزه نیز بسیار چشمگیر خواهد بود. هرچه زنان ما آگاه‌تر باشید به همان میزان اولاً با حضور مستقیم خود، ثانیاً با تاءثیرگذاری روی همسران و فرزندان خود، انقلاب را بارورتر خواهند ساخت. یک همسریا مادر بی تفاوت قطعا در کند کردن آهنگ حرکت شوهر و فرزندان انقلابی‌اش بی‌تأثیر نخواهد بود. در کتابی می‌خواندم که در انقلاب روسیه یکی از مشکلات مردان انقلابی ایالات عقب‌مانده این سرزمین، دفع مقاومتی بود که همسران و مادرانشان در مقابل حرکت انقلابی آن‌ها داشتند. منظورم از گفتن چنین مطلبی نشان دادن میزان نقش زنان در تعمیق انقلاب خونبار مردم ایران است. امروز پشت جبهه ما عمدتا توسط زنان زحمتکش تقویت می‌شود. شرکت هرچه گسترده‌تر زنان در کارهای گوناگون پشت جبهه اعم از تهیه لباس، خوراک، دارو، پول و سایر امکانات زندگی برای برادران مبارزمان در جبهه یکی از کارهای بسیار مثبتی است که صورت می‌گیرد. شرکت زنان در بسیج، جهاد سازندگی، سپاه وکلبه نهادهای انقلابی ضروریست. مساجد و محافلی که زنان را برای شرکت در کارهای کمکی پشت جبهه دعوت می‌کند باید از حضور ما زنان بهره‌ور شوند. زنان آگاه ما امکان تماس و برخورد با زنان زحمتکش را در اجتماعات و مجامع سیاسی و مذهبی و کلبه اماکن عمومی دارند. نباید فرصت را از دست بدهند، صدانقلاب در همین جاها به شایعه پراکنی، ایجاد روحیه یا س و نومیدی، پاشیدن تخم بدبینی نسبت به جمهوری، بهره‌برداری از حرکت‌های نادرست حکومت و از این قبیل مشغول است. زنان و دختران آگاه ما نیز در همین جاها باید با این دسیسه‌ها مقابله کنند. برزنان آگاه ماست که با ایجاد روابط دوستانه با زنان زحمتکش، آنان را به سوادآموزی ترغیب و در آموزش و کسب حقوق خود و کسب آگاهی اجتماعی

آن‌ها را یاری دهند. بسیج زنان زحمتکش برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس از وظایف این دسته از زنان انقلابی است.

هواداران سازمان در موقعیت خطیر کنونی باید وظایف خود را هوشیارانه‌تر و قاطعانه‌تر از پیش انجام دهند.

افشاء دسیسه‌های ضدانقلاب و شناساندن سیاست‌های ضدانقلابی گروهک‌ها در محیط کار در میان خانواده و در هرکجا که توده‌ها حضور دارند، جزء وظایف مبرم هواداران مبارز است. هر یک از هواداران سازمان با الهام از رهنمودهای کمیته مرکزی سازمان از طریق مطالعه نشریه کار و اعلامیه‌های سازمان می‌تواند خود را تبدیل به یک رزمنده واقعی در جهت تحقق وحدت نیروهای متعددی بکنند. هرکدام از این رفقای مبارز با حفظ متانت و هوشیاری خود در مواقع بحرانی، جامعه می‌توانند سرمشقی برای اطرافیان خود باشند، جلوگیری از تشنج و تفرقه در محیط کار و فعالیت خود، اقدامی است به سود انقلاب. دلجوئی از خانواده‌های شهدای جنگ و قربانیان توطئه‌های گوناگون امپریالیسم و همدردی با آنان از طرف رفقای هم‌محله‌ای این خانواده‌ها، پیوند بین سازمان و آنان را مستحکم‌تر خواهد کرد. شرکت فعال در شوراهای محلی، مساجد و نندارکات پشت جبهه، تقویت انقلاب است. رفقای هوادار سازمان نقش آگاه گرانه خود را نباید کوچک شمرده و از انجام وظایف عاجل انقلابی خود غافل بمانند.

سیاست‌های انقلابی سازمان با تلاش شبانه‌روزی این رفقا به میان توده مردم برده می‌شود پس بجاست تعهد و مسئولیت انقلابی هرچه بیشتری در این امر مهم بکار گرفته شود. با آرزوی موفقیت برای این دسته از رفقا دستشان را به گرمی می‌فشاریم. باشد که حاصل تلاش صمیمانه آن‌ها آینده‌ای مالمال از خوشبختی و سعادت برای مردم ما باشد.

در این‌جا بهترین فرصت را یافته‌ام که یاد کلبه شهدای انقلاب به ویژه شهدای جنگ تحمیلی، و شهدای انفجارات و ترورهای جنایتکارانه اخیر را گرامی داشته و به بازماندگان آن‌ها از طرف سازمان تسلیت بگویم.

بعبه از صفحه ۲۴

به مناسبت دومین سال برگزاری نماز جمعه در دانشگاه تهران

### نماز جمعه

## منادی مبارزه علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و لیبرالیسم

معرفی شده است ، اما متأسفانه خط حاکم بر نمازهای جمعه در تعیین دوستان از دشمنان انقلاب دچار سردرگمی و اغتشاش است . از این سردرگمی و اغتشاش که متأسفانه سیاست حاکم بر کل جمهوری اسلامی ایران است تنها امپریالیسم و ایادی وابسته به آن سود برده اند و از آن در جهت به انحراف کشادن مسیر انقلاب استفاده کرده اند .

تربیون های نماز جمعه در مواردی متأسفانه در اختیار کسانی قرار گرفته است که نمی توانند دوست واقعی مردم و انقلاب باشند . حضور چنین نیروهایی در نمازهای جماعت مانع از آن است که نماز جمعه به معنی واقعی کلمه ، منادی وحدت صفوف خلق و همه نیروهای سیاسی مدافع انقلاب باشد . در پایان این مختصر به دو نکته با اهمیت دیگر نیز پیرامون نمازهای جماعت باید اشاره کرد :

نکته اول نقش نمازهای جمعه در تشکل و بیداری زنان محروم و زحمتکش میهنمان است . هر هفته میلیون ها زن ایرانی آن هم از محروم ترین لایه های اجتماعی در نمازهای جماعت حضور می یابند ، از جنایات امپریالیسم جهانی و توطئه های جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا آگاهی یافته و برای شرکت فعال تر در پیکار علیه امپریالیسم و متحدان آن آماده می شوند . بدون تردید از جمله بزرگترین دست آوردهای نماز جماعت بسیج میلیونی زنان زحمتکش و محروم جامعه در مبارزات سیاسی و اجتماعی است .

نکته دوم ، نقش فعال نماز جماعت به ویژه در دو مرکز مهم آن تهران و قم در تحکیم پیوندهای انقلابی خلق های ایران و منطقه در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم است . - خطبه های عربی امامان جماعت اثرات ترقی خواهانه در بسیج همه خلق های مسلمان منطقه و جهان علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا صهیونیسم بر جای گذاشته است .

از تربیون های نماز جمعه بارها علیه دوستان و مدافعان پیگیر و صدیق انقلاب تبلیغ شده ، مواضع آنان تحریف گشته و سخنانی که به وحدت خلق آسیب می رساند بر زبان ها جاری شده است . باید گفت که هر چند امپریالیسم آمریکا همواره در نمازهای جمعه ، دشمن اصلی مردم و انقلاب

نماز جمعه هر چند در آگاهی و بسج توده های مردم نقش مهمی برعهده داشته است اما عناصری از قشریت و انحصار طلبی ، تبلیغ ستیزه و دشمنی با پیگیرترین انقلابیون ایران نیز گاه و بی گاه اعتبار مردمی و ترقی خواهانه این آئین سیاسی - مذهبی را لکه دار کرده است

نوطه های ، فشرده تر از پیش مکان های نماز جمعه را پر ساخته ، نشان دهنده این واقعیت است که توده های مردم به " نماز جمعه " به منابه سنگر مبارزه علیه امپریالیسم و دفاع از انقلاب نگریسته و انتظار دارند که این سنگر همچنان علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن پایدار باقی بماند .

ساخته و حيله های آن را در مقابل با انقلاب ایران رسوا سازند . فریادهای رسای " مرگ بر آمریکا " در نمازهای جمعه نوید بخش ادامه مبارزه قاطع مردم علیه دشمن اصلی مردم ایران امپریالیسم آمریکا است . نماز جمعه یا به پای پیشرفت انقلاب خصلت آگاه گرانتری به خود گرفته است . اکنون به موازات آشکار شدن کارشکنی ها و تلاش های حنایتکارانه لیبرال ها و دیگر پیروان خط سازش ، نماز جمعه نیز بیش از پیش خصلت ضد لیبرالی گرفته و تربیون آن به اسلحه های برای مبارزه با امپریالیسم تبدیل شده است . بدون تردید نماز جمعه نقش مهم و انکار ناپذیری در افشای لیبرالیسم و خط سازش و شکست توطئه های منادیان سازش و تسلیم برعهده داشته است . مبارزه علیه امپریالیسم و لیبرالیسم دو خصیصه سیاسی عمده نماز جمعه در طول ۲ سال گذشته بوده است .

خصلت انقلابی دیگر نماز جمعه در شرایط کنونی نقش بسج کننده و وحدت آفرین آن است . نماز جمعه محصور دائم مردم در صحنه و بسیج و تشکل محروم ترین مردم میهن ما نقش قاطعی ایفا کرده است . استقبال کنندگان از این آئین سیاسی - مذهبی که جنبه مردمی ، ترقی خواهانه و صهیونیسمی ندارد ، از میان زحمتکش ترین اقشار جامعه ما بوده و این توده عظیم با حضور خود در نماز جمعه در سراسر ایران همواره نشان داده است که در صحنه حاضر حاضر و آماده هرگونه خانجازی و فداکاری برای دفاع از انقلاب خونبار میهنمان بوده اند . به هیچ وجه سادگی نیست که هر بار امپریالیسم آمریکا و نادانی داخلی آن به توطئه های آشکار علیه انقلاب دست زند ، مردم با صفوفی سرده تر در آئین های نماز جمعه شرکت کرده و آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب نشان داده اند . معرفی و کرد مردم که بنا بر مثال هر

## هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد مشتی که بر پیوزده امپریالیسم و صهیونیسم فرود می آید قوی تر است

امام خمینی در نخستین سال پس از انقلاب بهمین . آخرب جمعه رمضان را روز جهانی قدس اعلام کردند . اعلام روز جهانی قدس توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران ستاره اراده مردم ما در مبارزه برای آزادی فلسطین اشغالی و سرنگونی رژیم نجاورگر و نژادپرست صهیونیستی است . میهن ما پیش از انقلاب به منابه یکی از کشورهای زیر سلطه امپریالیسم جهانی ، تکیه گاه دولت صهیونیستی بود و رژیم شاه به همان میزان که از انقلابیون ایران دشمنی داشت با انقلابیون فلسطین و با خلق فلسطین نیز دشمن بود .

انقلاب ایران شور و امید و پیروزی در سال های مردم منطقه دمید اما بدون تردید پیروزی این انقلاب برای خلق فلسطین از اهمیت ویژه ای برخوردار بود چرا که با پیروزی انقلاب بهمین که یکی از مهمترین تکیه گاه های صهیونیسم به سبک گاه نیرومند انقلاب فلسطین بدل گشت .

انقلابیون ایران و مردم ایران که همواره خود را در کنار خلق فلسطین احساس کرده اند ، امروز می توانند دست بردار از فلسطینی و سایر برادران عرب خود علیه امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه کنند . روز قدس تحلی همبستگی خلق ما با خلق فلسطین و سایر خلق های سارر منطقه است .

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) بنا به ساسات انقلابی خود در مراسم روز قدس شرکت می کند و همه مردم مبارز ایران را به شرکت هرچه فعالتر در این روز فرا می خواند . هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد ، مشتی که بر پیوزده امپریالیسم و صهیونیسم فرود می آید ، قوی تر است .

### مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلق های ماست

بقیه از صفحه ۱۰

### سیاست ...

کسر و تحت نام‌های گوناگون به دولت پرداخت می‌شود. در مورد کالاهایی که انحصار واردات، تولید و یا فروش آن با دولت است، دولت خود مبالغ مربوط را بر بهای تمام شده آن کالاها می‌افزاید و سپس آنها را به فروش می‌رساند. این مبالغ که تحت هر عنوان از قیمت فروش یک کالا کسر و به دولت پرداخت می‌شود مبالغ غیر مستقیم نام دارد.

ویژگی مالیات غیر مستقیم آن است که بار عمده آن بردوش اقشار زحمتکش جامعه سنگینی کرده و فشار آن با کاهش درآمد افراد بطور تصاعدی افزایش پیدا می‌کند. به عنوان مثال مالیات بر مصرف سیگار را در نظر بگیریم. فرض کنیم که ۳۰ ریال از بهای هر بسته سیگار ۶۰ ریالی بابت مالیات به دولت تعلق بیاید. از آنجا که سیگار کالای مصرفی سرمایه‌داران و زحمتکشان هردو است (صرف نظر از رواج مصرف این کالا در بین دو گروه) و زحمتکشان از نظر تعداد به مراتب کثرت از سرمایه‌دارانند بار عمده مجموع دریافتی دولت از محل مالیات بر سیگار بردوش زحمتکشان قرار می‌گیرد. اما مشکل به اینجا ختم نمی‌شود. فرض کنیم که مصرف‌کننده‌های هر روز یک بسته سیگار خریداری کند. در این صورت چه آن کارگری که در ماه ۲۰۰۰ تومان مزد دریافت می‌کند و چه آن سرمایه‌داری که ماهانه ۴۰۰ هزار تومان درآمد دارد هر دو ماهانه ۹۰ تومان مالیات مصرف سیگار به دولت می‌پردازند. این مبلغ که برای سرمایه‌دار پیشیزی بیش نیست در بودجه ماهیانه کارگر رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد. به بیان متفاوت دولت حدود یک هزارم درآمد سرمایه‌دار و معادل ۶ درصد مزد ماهیانه کارگر از آنان مالیات کسر می‌کند و روشن است که نرخ این مالیات با درآمد افراد نسبت معکوس دارد و فشار آن بر بودجه افراد کم درآمد به طور تصاعدی افزایش پیدا می‌کند. باین توضیح مالیات غیر مستقیم اگر چه با سهولت بیشتری وصول می‌شود اما با منافع اقشار زحمتکش جامعه منطبق نیست و باید از سهم آن در مالیات‌ها کاسته گردد.

لایحه بودجه سال ۶۰ زحمتکشان جامعه ما را موظف می‌کند که بابت خرید کالاهای ضروری، بیشتر از سرمایه‌داران از بابت سود مالیات بپردازند. در این رابطه مقایسه برخی ارقام مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم سودمند است.

اقشار زحمتکش جامعه ما بابت مصرف نفت سفید باید ۶۹۷ میلیارد ریال مالیات بپردازند. این رقم از مجموع مالیاتی که صاحبان مستغلات و سرمایه‌داران احیاناً بابت کرایه مسکن و بهره پول خود خواهند پرداخت (حدود ۶ میلیارد ریال) بیشتر است. همین‌طور است مالیات بر خرید سیگار که در لایحه بودجه حدود ۷ میلیارد ریال تعیین شده است. هم‌چنین مالیات بر مصرف نوشابه‌های غیرالکلی که کالای مصرفی عموم مردم است معادل ۱/۳ میلیارد ریال یا ۶ برابر مالیات بر بهره‌ای که سرمایه‌داران باید پرداخت کنند تعیین شده است. و ارقام دیگری از این قبیل.

#### \* مالیات بر کالاهای وارداتی \*

بزرگ‌ترین رقم از مالیات‌های پیشینی شد در لایحه بودجه حدود ۱۷۰ میلیارد ریال مالیات بر واردات است که تماماً در زمره مالیات‌های غیر مستقیم قرار می‌گیرد و دارای

همان خصلت و ویژگی است. مالیات بر واردات مجموعه حقوق گمرکی، سود بازرگانی و اقلیمی از این فسل است که از کالاهای وارد شده توسط تجار و سرمایه‌داران و توسط کارحاجات و مؤسسات دولتی اخذ می‌شود. تجار و سرمایه‌داران وجوه پرداخت شده را تماماً سرعریه‌های اولیه خرید و حمل کالا می‌افزایند و آن را به دوش مصرف‌کننده منتقل

می‌کنند. مالیات بر واردات از این نظر هیچ تفاوتی با مالیات بر مصرف و فروش ندارد و در بردارنده همان نتایج است.

از مجموع مالیات بر واردات حدود ۶۵ میلیارد ریال به حقوق و عوارض گمرکی واردات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اختصاص داده

بقیه در صفحه ۲۱

## حذف نامزدهای سازمان ما و حزب توده ایران نقض اصل تعیین سرنوشت مردم بدست خود است

دست دشمنان انقلاب و در رأس آن امپریالیسم امریکا بوده و هست

جمهوری اسلامی ایران برای آنکه به سمت‌گیری عمومی قانون اساسی وفادار بماند برای آنکه وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیسم جهانی را ریشه‌کن سازد. برای آنکه به سود "کوح سینان" به سود لایه‌های محروم جامعه دست به اقدام ریشه‌ای بزند، ناگزیر است که نیروهای مدافع انقلاب را گردآورد و متحد کند. و به این منظور می‌بایست تعبیرات معین و ناگزیری را در قانون اساسی بنویسد و در آن منعکس نماید.

در مقدمه قانون اساسی بدرستی از پیش تعیین شده‌ای که "همسنگی" کلمه "مردان و زنان از همه اقشار و حاکم‌های مذهبی و سیاسی" در ضروری انقلاب است سخن رفته است. در همین قانون اساسی در آنجا که از "سود حکومت اسلام" سخن می‌گویند صراحتاً نام نوشته شده است که قانون اساسی "در حفظ گنجینه سرزمین سرخس مردم بدست خودشان تلاش می‌کند" در همین فصل آمده است.

قانون اساسی زمینه چنین مبارک‌کنی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد.

علیرغم حسن صرح‌هایی در قانون اساسی وضعی که حکومتی دولت به دلیل مارکسیست بودن نامزدها حذف آن را موجه می‌نماید عملاً برخلاف قانون اساسی حسن مبارک آکادمی سرهای اجتماعی مردم و یکپارگی نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، سرنوشت‌ساز انگار می‌کند. حکومتی دولت آشکارا می‌گوید که هر تعداد از مردم ایران هرگاه سازمان و برنامه‌های دانش‌حلیق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران را بپذیرند حق انتخاب نامیده خود را دارند و این در حالی است

حذف نامزدهای سازمان و

حزب توده ایران از لیست نامزدهای انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در تهران و اغلب شهرستان‌ها برخلاف رهنمودهای امام خمینی عطفاً به معنی منع از شرکت فعال و همه‌جانبه مردم و یکپارگی نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری در مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای خط‌سازش بود. این اقدام با اعتراضات بخش‌های وسیعی از مردم آگاه و نیروهای بزرگوار مردمی روبرو شد بطوری که سختگوی دولت و وزیر کشور ناگزیر شد طی مصاحبه‌هایی علل این حذف را برای مردم ایران توجیه نماید.

بیزاد نبوی سختگوی دولت "مارکسیست بودن نامزدها" را دلیل حذف دانست و آقای کنی با تکیه بر تفسیر شورای نگهبان از اصل صحت و هضم قانون اساسی که نمایندگان را ملزم به ادای سوگند مذکور در این اصل می‌نماید حذف نامزدهای سازمان و حزب توده ایران را توجیه کرد.

توجیهات سختگوی دولت و وزیر کشور بکار دیگران - رسانیهایی را که در قانون اساسی جمهوری وجود دارد برملا کرد و هشدار داد برای همه نیروهای آگاه و مسرورینی تا در دفاع از دستاوردهای انقلاب تلاش خود برای رفع رسانیهایی قانون اساسی بفرمایند.

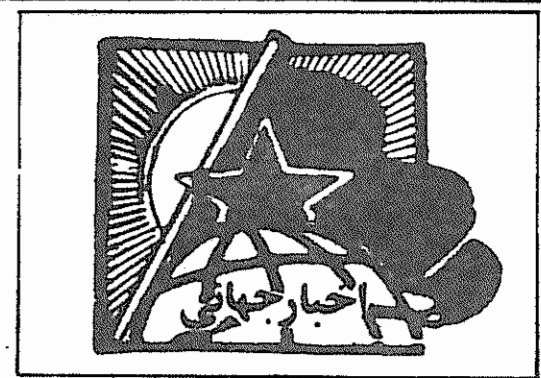
تأخر رسانار و مغایرت محرز حذف نامزدهای سازمان و حزب توده ایران اختلال در مبارزه متحد همه نیروهای خلق علیه حبه برداری به سرکردگی امپریالیسم امریکا است. بحرفه انقلاب ایران سر نماند همه انقلاب‌های جهانی حسن اهمیت و غیر اتحاد مردم و وحدت همه نیروهای مدافع انقلاب را در درجه یکس حسابات و مؤسسه‌های امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکا و حبه متحد مدافعان داخلی آشکار کرده است. طرفه و تراکندگی در صفوف مردم و نیروهای مدافع انقلاب همواره خودای در

که اولاً بر طبق اصل بیست و سه قانون اساسی "هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت" و ثانیاً بر پایه اصل بیست و سوم "تقتیس عقاید مسموع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف دامن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد"

با هر مصطفی که به سخنان سختگوی دولت بگیریم جز حذف گروه‌هایی از مردم از مبارزه علیه امپریالیسم سرکردگی امریکا از بکار با حبه متحد ضد انقلاب داخلی از دفاع از انقلاب، جمهوری و خط امام و از محرومان جامعه آن هم تنها به دلیل اعتقاد سوسیالیسم علمی معنی دیگری درمی‌یابیم.

در پاسخ به آقای کنی سر کافی است اشاره کنیم که تاریخ هیچ انقلابی را محک سوگندنامه به تیزر دوست و دشمن انقلاب نسیسد است. تنها انقلاب خونبار مردم ایران به اندازه کافی حجه و برهان برای رد خطرات آقای کنی در اختیار گذاشته است. آقای وزیر کشور بدون تردید حائس تراوانی را می‌نماید که بسیار هم دوآند در مجلس شورای اسلامی ایران آنقدر که مورد ناکندمان است سوگند خورده‌اند. بی‌شک در به مرحب اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی در سیکاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به حدیث نادر و سوال سوگند نادر کرد که باسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشد.

به کمان ما اگر به موجب اصل صد و هفتم قانون اساسی قرار بر این است که حسی از مردم ایران تنها به این دلیل که فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران را که در چهارحوب قانون اساسی تعالی می‌کنند قبول دارند می‌باید از حق اسباب مساعدگان مورد قبول خویش محروم گردند اصل صد و هفتم قانون اساسی است که می‌باید اصلاح شود. برپا در غیر این صورت خضر این وجود دارد که اساس قانون اساسی که بر سرزمین سرخس مردم بدست خودشان و مبارک آنان در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز ناکید دارد نادیده گرفته شده و پایمال گردد.



### دعوت روحانیون مسلمانان

### شوروی از مسلمانان سراسر جهان

رهبران روحانی مسلمان اتحاد شوروی طی اعلامیه‌های نگرانی عمیق خود را از سیاست‌های جنگ‌افروزان امپریالیسم اعلام داشتند. در این اعلامیه آمده است:

دنیای اسلام با به قرن پانزدهم هجری گذاشته است و مسلمانان که به اصول اسلام وفادارند از صمیم قلب آرزو دارند در قرن جدید هجری شاهد پیروزی عدالت اجتماعی و پیشرفت و شکوفایی و برادری ملت‌ها در شرایط صلح با دوام باشند. "در شرایط اعلامیه سپس گفته می‌شود:

"محافل حاکمه آمریکا و متحدان آن برای استتار ماجراهای نظامی و نقشه‌های میلیتاریستی خود از افسانه موهوم خطر نظامی شوروی استفاده می‌کنند و اذهان ملل را با این اباطیل مسموم می‌سازند. روحانیون مسلمان شوروی در جای دیگری از اعلامیه خود اظهار می‌دارند شوروی در طول تمام موجودیت خود هیچکس را تهدید نکرده و در راه حصول برتری نظامی تلاش ننموده است. اعلامیه سپس به سیاست تامین صلح دولت شوروی اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که:

"ما مسلمانان شوروی یکدل و یکجان از این سیاست پشتیبانی می‌کنیم. مسلمانان شوروی ایمان دارند که تحقق ابتکارات صلح‌آمیز شوروی می‌تواند از خطر بروز جنگ هسته‌ای جلوگیری به عمل آورد... ما از پیشنهاد پیشوای کلیسای ارتدکس روس درباره تشکیل کنفرانس جهانی نمایندگان تمام ادیان جهان به منظور جلوگیری از فاجعه هسته‌ای پشتیبانی می‌کنیم و از جانب مسلمانان شوروی از تمام دنیای اسلام دعوت می‌کنیم برای پشتیبانی از تشکیل این مجمع رهبران مذهبی بپا خیزند

### مطبوعات امپریالیستی وقیحانه به

### ارتباط آمریکا با ضدانقلابیون

### افغانستان اعتراف می‌کنند

روزنامه دلی تلگراف چاپ لندن گزارش داد که سازمان سیا آمریکا به هماهنگ ساختن عملیات مخفی برای تعلیم باندهای ضدانقلابی جهت مبارزه علیه دولت افغانستان مشغول می‌باشد.

این روزنامه با استناد به منابع آمریکایی می‌نویسد که سازمان سیا در تماس مستقیم با چین و مصر و پاکستان عمل می‌کند. چین موشک‌های ضدتانک و ضد هوایی در اختیار باندهای ضدانقلابی قرار می‌دهد و سلاح‌های ساخت آمریکا و مصر را به افغانستان منتقل می‌سازند و این باندها در خاک مصر تعلیم

می‌بینند. روزنامه سپس تاکید می‌کند که آمریکا برای اجرای نقشه مداخله نظامی در افغانستان بیش از ۱۰۰ میلیون دلار تخصیص داده است

### سیاست تجاوزکارانه آمریکا در

### السالوادور محکوم است

جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی السالوادور که متشکل کننده سازمانهای توده‌ای و میهن پرست السالوادور است در پیامی که برای خلقهای جهان فرستاد از کلیه خلقهای جهان دعوت کرد سیاست تجاوزکارانه آمریکا در مورد مردم السالوادور و آمریکای مرکزی را محکوم کنند. این جبهه همچنین از خلقهای جهان دعوت کرده است مبارزه علیه مداخله آمریکا در امور داخلی السالوادور و دیگر کشورهای این منطقه را شدت دهند.

رژیم وابسته السالوادور به اتکا کمک‌های نظامی و مالی و اقتصادی آمریکا زمام امور را در دست دارد. تنها در ظرف چند ماه اخیر آمریکا ۴۲۰ تن سلاح‌های مختلف و حدود ۱۰۰۰ مستشار نظامی به السالوادور فرستاده است. مشاوران آمریکایی که اکثر آنان تجربه جنگ و سرکوب جنبش‌ها در ویتنام را دارند رهبری عملیات سفاکانه رژیم حاکم علیه میهن پرستان را به عهده دارند.

در دو هفته اخیر بیش از ۲۳۵ تن قربانی ترورهای دارودسته نظامی السالوادور شدند.

### اخبار کوتاه

\* دولت ویتنام طی اعلامیه‌ای که در هانوی منتشر ساخت کنفرانس امپریالیستی درباره مسئله کامبوچیا را رد کرد.

\* شرکت کنندگان در راهپیمایی صلح ۱۹۸۱ با پیمودن بیش از ۷۰۰ کیلومتر راه مضمند صدها کیلومتر دیگر راهپیمایی کنند تا پیام صلح بشریت آگاه و مترقی را به گوش جهانیان برسانند.

\* دو هزار تن از معدنچیان سیاه‌پوست یکی از معادن آفریقای جنوبی به منظور افزایش دستمزدها دست به تظاهرات خشونت‌آمیزی زدند.

\* در مراسمی که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند نیکاراگوئه در ماناگوئه برگزار شد، یکی از رهبران این کشور ضمن محکوم کردن سیاست‌های امپریالیسم آمریکا، مصادره پاره‌ای از زمین‌ها و موسسات بازرگانی را اعلام کرد.

\* تعداد بیکاران انگلستان به ۲/۸۵/۰۰۰ نفر که ۱۱/۸٪ نیروی فعال این کشور است، رسید.

\* بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی ترکیه در اعتراض به شکنجه دست به اعتصاب غذا زدند.

\* سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل اعلام کرد قریب به ۴۲۰ میلیون نفر در جهان دچار کمبود مواد غذایی هستند و در آستانه مرگ قرار گرفته‌اند و این در حالی است که مخارج تسلیحات در سال جای به ۴۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

## سیاست...

بقیه از صفحه ۲۰

شده است. بخشی از این مبلغ توسط دولت و بابت کالاهایی که مورد مصرف غیرتولیدی خود آن است پرداخت می‌شود و از این نظر پرداخت از یک جیب به جیب دیگر است. بخش دیگر آن به بهای کالاهایی که توسط مؤسسات دولتی وارد و یا تولید می‌شود افزوده شده و به دوش مصرف کنندگان غیردولتی و عموم مردم منتقل می‌شود.

\* ترکیب واقعی مالیات در لایحه بودجه \*

اینک در موقعیتی هستیم که به این سؤال که مالیات‌ها از جیب چه کسانی پرداخت می‌شود پاسخ گوئیم. از ۴۳۳ میلیارد ریال مالیات، حداکثر ۸۲ میلیارد یا ۱۹ درصد آن توسط سرمایه‌داران تحت عنوان مالیات بر سود، ثروت، مستغلات و بهره پرداخت خواهد شد. معادل ۹۰ میلیارد ریال یا ۲۱ درصد از کل مزد حقوق کارگران و کارمندان بخش دولتی و غیر دولتی کسر خواهد گردید. معادل ۲۴۸ میلیارد ریال یا ۵۷ درصد کل تحت عنوان مالیات بر مصرف‌فروش و مالیات بر واردات از بهای فروش نهایی کالاها و خدمات اخذ خواهد شد (که بخشی از این مبلغ را نیز خود دولت پرداخت می‌کند و در صورت معین بودن این بخش می‌باید همچون مالیات بر سود شرکت‌های دولتی از مجموع مالیات‌های مذکور در لایحه کسر می‌گردید).

باتوجه به این ارقام و توضیحاتی که در باره هر یک از اقلام داده شد می‌توان گفت که از مجموع وجوهی که دولت از مؤسسات غیردولتی و مردم اخذ خواهد کرد حدود ۲۰ درصد آن توسط سرمایه‌داران و متجاوز از ۷۰ درصد آن توسط اقشار زحمتکش و عموم مردم تحت عنوان مالیات بر مزد، حقوق و مصرف پرداخت خواهد شد. روشن است که چنین ترکیبی از مالیات به سود زحمتکشان و به مصلحت انقلاب و پیشبرد آن نیست.

سیاست مالیاتی دولت باید سمت و سوی تازه‌ای یابد. مالیات‌های غیر مستقیم باید کاهش بیابد و در مقابل، مالیات مستقیم بر سود و ثروت سرمایه‌داران افزایش یابد. نرخ‌های مالیاتی باید مشوق آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی باشد که در راستای تأمین استقلال اقتصادی قرار می‌گیرند و بعکس فعالیت سرمایه‌های وابسته را غیر سودده و بیش از پیش محدود کند. سهم مالیات در درآمدهای دولت باید افزایش یابد و تکیه بودجه بر درآمد نفت و ادامه فروش نفت به انحصارات امپریالیستی را کاهش دهد. کارخانجات و واحدهای تولیدی دولتی و غیردولتی باید در راستای استقلال به حرکت آورده شوند و افزایش سطح تولیدات آنها منابع تازه و قابل اطمینانی برای دولت فراهم آورد. این سیاست که تنها سیاست منطبق با مصالح انقلاب در شرایط کنونی است هم درآمد دولت از کارخانجات و مؤسسات دولتی را افزایش خواهد داد و هم امکانات وصول مالیات بیشتر از بخش غیر دولتی را فراهم خواهد آورد.

مجموعه این سیاست‌ها است که درآمدهای دولت را بر تکیه‌گاه‌های قابل اطمینان و استوار قرار خواهد داد و به چرخش بودجه به سمت استقلال اقتصادی کمک خواهد کرد. اتخاذ این سیاست‌ها پاسخ قاطعی به حملات لیبرال‌ها و گام مؤثری در پیشبرد انقلاب است.

## « ارگانهای انقلاب را... »

بعبه از صفحه ۷

دست آوردهای انقلاب و جذب توده‌های زحمتکش بردارید .  
گزارشی از برداشت محصول در روستای گرم آباد روستای گرم آباد در نزدیکی گند قرار دارد و زمین‌های ربر کشت شوری آن عبارت بودند از ۲۵۰ هکتار زمین‌های فتودال معروف عطا محمد توری و ۴۰ هکتار زمین‌های عطا حاجی دوجی . کشت شوری در این روستا امسال برای اولین بار صورت می‌گرفت و طبیعتاً مشکلاتی نیز به همراه داشت از قبیل :  
- کمبود تراکتور که این مشکل با مصادره انقلابی ۲ دستگاه تراکتور متعلق به مشرفی و احمد محمدی و نیز مصادره ۲ دستگاه دیگر به اتفاق شورای روستای آق‌قاپه متعلق به بابایی و آق‌پور ( همگی از زمین‌داران بزرگ منطقه ) تا مین گردید .  
- در زمان کشت هر چند بدر گندم با قیمت دولتی از اداره کشاورزی تا مین گردید ولی بذر جو اخبار از بازار آزاد و با قیمت پوپی ۵۱ تومان در مقابل نرخ دولتی ۴۰ تومان تهیه شد .  
- کمبود بذر پاش که با مصادره یک دستگاه بدر پاش متعلق به زمین‌دار بزرگ دوجی توسط شورا و تعمیر آن جبران گردید اما متأسفانه آقای یغمائی یکی از اعضای مرکز شوراهاى اسلامی حکمی مبنی بر بازپس گرفتن بذرپاش را به دوجی (فتودال) می‌دهد که باعث حیرت و تاأسف روستائیان گردید .  
- مشکل تا مین هزینه‌های کاشت و داشت و برداشت

سهری از مسئولین هیئت کسب و مرکز شوراها استدلال - اعضای شوراها را بدین‌صورت و حتی آنان را نهدند به برداشت می‌ماند .  
سراجام فرارند کد به روسای گرم آباد رفتند و از مردم همه‌پرسی کند کد آیا ۴۰ هکتار زمین را به فتودال پس‌دهند یا نه مردم روستا سر با شعار : مرگ بر فتودال مرگ بر توری از اسباب استقبال کرده و متقاعدشان می‌سازد که زمین‌ها باید به فتودال پس داده شود . آنان سر این مسئله را پذیرفته و سپس به بازدید از زمین‌های شوری می‌پردازند و علیرغم سمپاشی‌های قبلی توری فتودال ، کشت محصول را خوب ارزیابی می‌کنند .

- پس از برداشت محصول شوراها حو را به سیلو حمل می‌کنند . اما سیلو با عنوان این که محصول خیس است از تحویل آن سر باز می‌زنند که شورا مجبور می‌شود محصول را در محوطه عیدنمار " گندم آباد آفتاب کند و این کار حدود ۴۷ هزار تومان برای شورا خرج برداشته است .

در هر حال و با همه این اشکالات و زحمت‌ها امسال محصول زمین‌های شوری گندم آباد نسبتاً خوب بود و زحمتکشان روستا بخصوص اعضای فعال شورا نتیجه رضایت‌بخشی از تلاش‌ها و کوشش‌های خود گرفتند . پس از برداشت ، مردم با نگاه کردن به انبوه محصولی که در محوطه " عیدنمار " جمع شده بود با تحجب به هم می‌گفتند : در زمان شاه چند تا فتودال به تنهایی این همه محصول را می‌بردند اما پس از انقلاب این‌ها همه نصیب عده زیادی از ما مردم زحمتکش می‌شود .  
رویه‌برفته ۱۷۲ خانوار از محصول شوری سهم برده‌اند که تقریباً همگی از اقشار زحمتکش و کم‌درآمد می‌باشند . همچنین شوراها تصمیم دارند که در سال زراعی آتی با کمک هیئت ۷ نفره واگذاری زمین و مرکز شوراهاى اسلامی ، حدود ۱۱۰۰ هکتار از زمین‌های را که در حوالی روستاهای چاق‌قویم و آگری‌بوقوز قرار داشته و متعلق به فتودال‌هایی نظیر ابوطالبی ، حاجی بیگی حبیب علی کاظمی و عابدینی است به زیر کشت شوری برند .

## کارگران سازمان گوشت تهران خواهان تامین حقوق از کارافتادگی و بازنشستگی اند

سازمان گوشت تهران که شامل قسمت‌های کله‌پاک‌کنی سیرابی ، تحویل گوشت و غیره است در حدود ۷۰۰ کارگر دارد . این کارگران که عموماً متجاوز از ۳۰ سال سابقه کار دارند با وجود آنکه از سالها پیش بطور مرتب حق بیمه خود را پرداخت کرده‌اند اما هنوز از حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و دیگر مزایای تامین اجتماعی برخوردار نشده‌اند . زیرا پیمانکاران سابق سازمان گوشت با سوء استفاده از ضعف تشکلهای کارگری و عدم برخورد مسئولان دولت ( در دفاع از حقوق کارگران و تعقیب قانونی کارفرمایان متخلف و ... ) نه تنها مانع ارسال لیست حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی شده‌اند ، بلکه حق بیمه پرداختی کارگران را نیز به جیب زده و به اروپا گریخته‌اند . در این وضعیت سازمان گوشت ، کارگران را در بلاتکلیفی گذاشته و ماهیانه ۲۵۰۰ تومان ( بدون هیچگونه مزایا ) به آنان می‌پردازد . سازمان تامین اجتماعی نیز عدم ارسال حق بیمه توسط کارفرما را بهانه قرار داده و از شمول حقوق از کارافتادگی و بازنشستگی در مورد این کارگران سر باز می‌زند . هر چند مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی ، خود در مصاحبه‌ای در روزنامه اطلاعات ( ۳۰ اردیبهشت ۶۰ ) بر حقانیت این کارگران در برخورداری از حقوق تامین اجتماعی صحنه نهاده است .

در قسمت‌های مختلف سازمان گوشت تهران کارگران بسیاری را می‌یابیم که مدت‌هاست با این مسئله بطور حادی دست به‌گریبانند کارگری به نام درویش علی کلیاتی که ۴۵ سال سابقه کار دارد ، در حدود ۶ سال پیش تصادف کرده و اکنون دیگر قادر به کار نیست ، ولی سازمان تامین اجتماعی از پرداخت حق بیمه او به دلیل همان سوء استفاده‌های پیمانکاران سابق امتناع می‌کند . کارگر دیگری به نام ابوالقاسم بیات پس از ۳۵ سال کار طاقت‌فرسا در اثر از کارافتادگی ناشی از یک حادثه تنها به همان دلیل فوق‌الذکر اکنون از حقوق تامین اجتماعی ( بازنشستگی از کارافتادگی و ... ) محروم مانده است .  
برای کارگران سازمان گوشت که بیشترشان بیش از ۳۰ سال کار کرده‌اند و دیگر توانی برای ادامه کار ندارند و برخی از آنها نیز در اثر حوادث مختلف مدت‌هاست زمینگیر شده‌اند ، مسئله حق بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی از جمله مبرم‌ترین مطالبات صنفی بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است . کارگران مبارز سازمان گوشت باید برای حل این مشکل ( که مشکل بسیاری از کارگران و زحمتکشان همسنگشان نیز هست ) قبل از هر چیز به تشکیل و تحکیم تشکلهای واقعی خود ، از طریق انتخاب نمایندگان مبارز و شایسته‌شان اقدام نموده و دست در دست دیگر برادران کارگر خود ، فعالانه در تدوین و اجرای یک قانون تامین اجتماعی انقلابی شرکت نمایند . دولت جمهوری اسلامی ایران نیز باید با تدوین و تصویب یک قانون کار و تامین اجتماعی مترقی و نوبن متناسب با روح اصل ۲۹ قانون اساسی - که این نیاز اساسی و مبرم انقلاب متعهدانه پاسخ گوید .

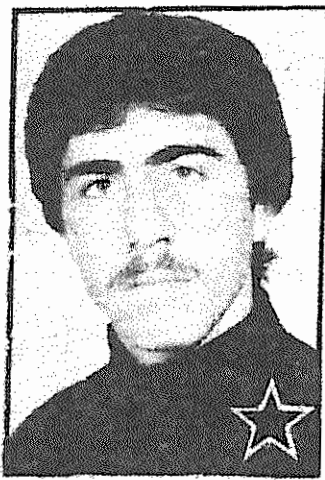
تامین آب زراعی ، کود ، سم بذر و ماشین‌آلات تعیین قیمت‌های مناسب و تضمین خرید و بیمه محصولات کشاورزی ، ایجاد و مرمت راه‌های روستایی ، درمانگاه مدرسه و حمام بهداشتی خواست مشترک دهقانان زحمتکش سراسر کشور است .

### حاکم شرع سنج

## بدون آنکه به متهمان اجازه دفاع بدهد رفقا خسرو مائی و شفیع رضانی را به جوخه اعدام سپرد



فدائی خلق رفیق شهید شفیع رضانی



فدائی خلق رفیق شهید خسرو مائی

سحرگاه روز شنبه ۲۵ تیر ماه، به دستور رامندی حاکم شرع سنندج، دو نفر از رفقای ما به نامهای شهید خسرو مائی و شهید شفیع رضانی همراه دو نفر دیگر به جوخه اعدام سپرده شدند در همان روز از رسانه‌های گروهی، حکم صادره درباره اعدام این رفقا اعلام شد که در این حکم، این دو رفیق به عنوان اقلیتی معرفی شده بودند! صرف نظر از اینکه خود رفقا، چه در جریان دستگیری و بازجویی در دفاع صریح و قهرمانانه‌شان از مواضع سازمانی خود یعنی اکثریت، نشان داده بودند که وابسته به "اکثریت" هستند، از طرف شاخه کردستان سازمان نیز اقدام‌های رسمی صورت گرفته بود و در لیستی که به مسئولین امر در سنندج ارائه شد، صریحا قید گردید که این دو رفیق به سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" تعلق دارند؛

جمهوری اسلامی از پرشورترین و استوارترین مدافعینش آن هم در منطقه‌ای نظیر کردستان که ضدانقلاب در آن هر روز دسیسه تازه‌ای علیه انقلاب ساز می‌کند با هیچ یک از اصول و موازین، قابل توضیح نیست ما ضمن اعلام اعتراض شدید خود نسبت به این جنایات، توجه مسئولین جمهوری اسلامی را به زیان بار بودن این اقدامات غیرمسئولانه جلب می‌کنیم و جدا خواهانیم و اعلام می‌داریم که هرگونه تاخیر و تسامح در برخورد با اقدامات خودسرانه حکام شرع در شهرستان‌هایی همچون سنندج و بهشهر عواقب سیاسی ناگواری برای جمهوری اسلامی به وجود خواهد آورد که برای هر نیروی ضدامپریالیستی به ویژه در شرایط حساس کنونی واقعا دردآور و نگران کننده است.

در زیر قسمتی از آخرین نامه‌ای که رفیق شهید خسرو مائی از زندان سنندج نوشته است می‌خوانید!

بادرودهای فراوان و رفیقانه: با آرزوی پیروزی برای تمامی رزمندگان جبهه‌های جنگ تحمیلی برعلیه رژیم ضدمردمی عراق، لزوم گزارشات و خواسته‌های زندان ما را برآن داشت تا باردیگر برای شما نامه

اما، آقای رامندی بدون توجه به همه این واقعیات حکم اعدام این دو رفیق را صادر و آنها را پای جوخه اعدام فرستاد. از نظرایشان دلیل "مجرم" بودن رفیق شفیع رضانی ۱۶ ساله این بوده که سال گذشته یعنی هنگامی که از عمر او تازه چهارده سال گذشته بود، "رهبری" تحصن مردم سنندج را بر عهده داشته است!! و دلیل "مجرم" بودن رفیق مائی نیز فعالیت او در طول دو سال گذشته به نفع سازمان ما عنوان شده است!! همان‌گونه که بارها خاطر نشان کرده‌ایم، دست زدن به چنین حرکات غیر مسئولانه‌ای، هیچ نتیجه‌ای جز آسیب رساندن به بیکر انقلاب و جمهوری اسلامی نخواهد داشت اعدام کسانی چون رفقا مائی و رضانی هیچ‌کس جز ضد انقلاب را خوشنود نخواهد ساخت محروم کردن

بنویسم . قبل از هرچیز خبرخوشایند بازگشت جواهری می‌باشد و اما وضع زندان در طول دو هفته اخیر بسیار ناخوشایند و نحوه برخورد پاسداران با تمامی بچه‌ها به نحو چشمگیر تغییر کرده و از کوچک‌ترین مسائل بهانه تراشی می‌کردند و ناسزا و بیبراه و متلک می‌گفتند و مواردی پیش آمد که آن‌ها گزارش تهیه کرده و به پیرونده شخص مقابل ضمیمه می‌کردند و از لحاظ وضع رفاهی و بهداشتی نیز نزول داشته یعنی نه کسی را جهت درمان و مداوا به بیمارستان بردند و نفت و ... چیزهای دیگر که برای رعایت بهداشت محیط زندان ضروری بوده قطع کردند و غذا کم شده و ماء شور خرید که سابقا یکی از پاسدارها وسائل مورد احتیاج بچه‌ها را تهیه می‌کرد نیز نمانده و به هیچ وجه نمی‌گذارند در روزهای هفته چیزی وارد زندان شود . وضع ملاقات نیز بسیار بد شده ، هم از لحاظ کمی و کیفی و بسیاری موارد دیگر که مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود و در چند روز اخیر که رامندی دوباره شروع به کار کرده نحوه برخوردش نه تنها بهتر نشده بلکه بعضی‌ها را در جلسه محاکمه تهدید به اعدام کرده و اجازه دفاع نداده و گفته است که من چه بدی داشته‌ام که خانواده‌هایتان به قم و تهران رفته‌اند و ...

بادرودهای فراوان و رفیقانه: با آرزوی پیروزی برای تمامی رزمندگان جبهه‌های جنگ تحمیلی برعلیه رژیم ضدمردمی عراق، لزوم گزارشات و خواسته‌های زندان ما را برآن داشت تا باردیگر برای شما نامه بنویسم . قبل از هرچیز خبرخوشایند بازگشت جواهری می‌باشد و اما وضع زندان در طول دو هفته اخیر بسیار ناخوشایند و نحوه برخورد پاسداران با تمامی بچه‌ها به نحو چشمگیر تغییر کرده و از کوچک‌ترین مسائل بهانه تراشی می‌کردند و ناسزا و بیبراه و متلک می‌گفتند و مواردی پیش آمد که آن‌ها گزارش تهیه کرده و به پیرونده شخص مقابل ضمیمه می‌کردند و از لحاظ وضع رفاهی و بهداشتی نیز نزول داشته یعنی نه کسی را جهت درمان و مداوا به بیمارستان بردند و نفت و ... چیزهای دیگر که برای رعایت بهداشت محیط زندان ضروری بوده قطع کردند و غذا کم شده و ماء شور خرید که سابقا یکی از پاسدارها وسائل مورد احتیاج بچه‌ها را تهیه می‌کرد نیز نمانده و به هیچ وجه نمی‌گذارند در روزهای هفته چیزی وارد زندان شود . وضع ملاقات نیز بسیار بد شده ، هم از لحاظ کمی و کیفی و بسیاری موارد دیگر که مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود و در چند روز اخیر که رامندی دوباره شروع به کار کرده نحوه برخوردش نه تنها بهتر نشده بلکه بعضی‌ها را در جلسه محاکمه تهدید به اعدام کرده و اجازه دفاع نداده و گفته است که من چه بدی داشته‌ام که خانواده‌هایتان به قم و تهران رفته‌اند و ...

ملی  
شماره شناسنامه: ۲۵۷۱  
تاریخ صدور: ۱۳۴۴  
نام: ...  
پدر: ...  
مادر: ...

رفیق شهید فدائی خلق  
علی اکبر حیدریانی  
که بحکم دادگاه انقلاب  
بهشهرتیرباران شد

بیوگرافی رفیق در شماره قبلی کار درج شد.

# پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

## پیروزی نیروهای مسلح جمهوری در کرخه کور شکست دیگری برای جبهه براندازی به سرکردگی امریکای جنایتکار

سحرگاه روز دوشنبه پنجم مردادماه رزمندگان قهرمان جبهه کرخه کور در جریان یک عملیات قاطع بر دشمن متجاوز تاخته و بر اساس اطلاعات سپاه پاسداران دشمن را هشت کیلومتر از خط مقدم آتش عقب راندند برطبق گزارشات رسیده دشمن با تحمل تلفات سنگین و منجمله از دست دادن وسایل و تجهیزات جنگی قابل توجه و نیز اسیر شدن ۸۸ نفر از افراد آن مجبور به هزیمت شد. در جریان این حمله که از مدتی پیش برنامه عملیات آن تدارک دیده شده بود ۶ نفر از مدافعان قهرمان میهنمان شهید و ۲۵ نفر دیگر از رزمندگان مجروح شدند. گل پیروزی در کرخه کور در خون این قهرمانان شکفت.

پیروزی جبهه کرخه کور را باید ادامه پیروزیهای نیروهای انقلاب بر خط سازش دانست. این پیروزیها که هر یک زمینه ساز پیروزی بعدی است، نشانگر ایمان استوار رزمندگان ایرانی به انقلاب و نبرد در راه دفاع از میهن انقلابی است و متقابلاً شکستهایی که پی در پی بر صدام جنایتکار وارد می آید، نشان بیگانگی سربازان و درجه داران و افسران عراقی از هدفهای جنگ تحمیلی رژیم صدام است. پیروزی نیروهای مسلح جمهوری و شکستهای ارتش تجاوزگر صدام قانون هر جنگی است که در یک سوی آن ارتجاع متجاوز و در سوی مقابل آن انقلاب قرار دارد. ماضی ابزار گرم ترین درودها به جنگاوران قهرمان

جبهه کرخه کور، یاد شهدای این نبرد پیروز و نیز همه شهیدانی را که در راه دفاع از انقلاب و میهن انقلابی، پایمردانه ایستادند و جان باختند، گرامی می داریم. ما اعتقاد راسخ داریم که تا رسیدن به صلحی عادلانه که تنها با بیرون رفتن ارتش متجاوز صدام جنایتکار از خاک میهنمان تحقق خواهد یافت در شرایطی که جبهه براندازی به سرکردگی امریکا در نتیجه عزم و اقدام انقلابی خلق و نیروهای مدافع انقلاب درهم شکسته شده است. نیروهای مسلح ما پاسداران، ارتش، بسیج و انقلابیون کمونیست در میدان رزم هر روز شاهد پیروزیهای بار هم بیشتری خواهند بود.

به مناسبت دومین سال برگزاری نماز جمعه در دانشگاه تهران

## نماز جمعه منادی مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و لیبرالیسم

نماز جمعه که از آئینهای متحدان آن می پردازند بسیار قدیمی و سنتی در طول ۲ سال گذشته مسلمانان است در جامعه انقلابی و خروشان ما نقش و توده های شرکت کننده در مضمونی انقلابی به خود گرفته و به سنگ مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بدل شده است. در جمعه هر هفته، میلیون ها تن از هم وطنان زحمتکش و مسلمان میهنمان در سراسر ایران در این آئین مردمی شرکت کرده و ضمن انجام فریضه دینی به نمایشهای سیاسی عظیم علیه امپریالیسم آمریکا را افشا

بقيه در صفحه ۱۹

## چرا دولت در مقابل وقوع زلزله در اشنویه و روستاهای گود نشین اطراف آن سکوت اختیار کرده است

در اواخر هفته گذشته وقوع زلزله در ارومیه و شهرستانهای اطراف آن از جمله "اشنویه" و چند روستای حومه آن ویرانیها و خساراتی به بار آورد. در جریان این زلزله چندین نفر کشته، عده ای زخمی و خانه های نسبتاً زیادی به ویژه در شهر اشنویه و روستاهای اطراف آن ویران گردید. متأسفانه دولت جمهوری اسلامی ایران و رسانه های گروهی، وقوع زلزله در اشنویه را به سکوت برگزار کردند و ارگانهای دولتی و نهادهای رسمی کمترین توجه و اقدامی در جهت کمک به مردم آسیب دیده نکردند. اما، در برابر سکوت غیر مسئولانه دولت و دیگر

بقيه در صفحه ۴

با ایجاد هماهنگی رفیق توافتس و اصلاح اشتباهات

### "ارگانهای انقلاب راه رچه بیشتر به خدمت زحمتکشان در آورند"

در صفحه ۷

### دعوت روحانیون مسلمانان شوروی از مسلمانان سراسر جهان

در صفحه ۱۰

مصاحبه رفیق مهدی قاپور و رفیق دانشگری کاندیدای سازمان برای انتخابات میاندوره ای مجلس (قسمت دوم)

## در برابر خط سازش همچنان از خط امام بدون کوچکترین تزلزل دفاع خواهیم کرد

پیکر انقلاب از دست انحصار طلبان و تنگ نظران زخم هادیده و خواهد دید

در صفحه ۱۶

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر